



سال چهارم - پنجشنبه ۲۶ اسفندماه ۱۳۶۱ - شماره ۱۰۰ ریال (خارج کشور معادل دودلار)

یا مقلب القلوب والابصار
یا مدبر اللیل والنهار
یا محول الحول والاحوال
حول حالنا الی احسن الحال



طرح صلح شورای ملی مقاومت

• اعلان فوری آتش بس • تشکیل کمیسیون نظارت • عقب نشینی نیروها تا پشت مرزهای زمینی ورودخانه ای قرارداد ۱۹۷۵ (الجزایر) • مبادله کلیه اسرا • تعیین خسارتهای جنگی ونحوه تادیبه حقوق ایران دردیوان بین المللی لاهه • بازگشت پناهندگان وآوارگان • تنظیم قرارداد قطعی صلح

اطلاعیه مسئول شورا

هموطنان عزیز!
پشتیبانان شورای ملی مقاومت برای استقلال وآزادی جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران! در آستانه ی سالگرد ملی شدن صنعت نفت برهبری پیشوای فقید نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق و در آغاز سال جدید ضمن عرض تبریکات شورای ملی مقاومت؛ با ایمان به پیروزی "صلح وآزادی" و پیروزی مقاومت عادلانه ی ملت اسیرمان بر استبداد سیاه و بر جنگ طلبی ضد ملی و ضد میهنی رژیم خمینی؛ طرح کلی صلح شورای ملی مقاومت بمنظور استقرار صلح عادلانه بین ایران و عراق را به پیوست تقدیم می کنم. طرح حاضر حاصل بررسی های جامع و بحث و مشاوره ی شورای ملی مقاومت در ۶ ماه اخیر است و آقای رئیس جمهور بنی صدر، کلیه ی احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیت های عضو شورا با توافق آراء آنرا مورد تصویب قرارداد داده اند.

بقیه در صفحه ی ۳

طرح صلح شورای ملی مقاومت

بدنبال ملاقات آقای طارق عزیز نایب نخست وزیر عراق با آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و صدور بیانیه ی مشترک ۱۹/دیماه ۱۳۶۱ مبنی بر استقرار صلح عادلانه و حل فصل مسالمت آمیز اختلافات دو کشور از طریق مذاکرات مستقیم بر اساس تمامیت ارضی، استقلال کامل، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، احترام به اراده ی آزاد دولت ایران و عراق، روابط حسن همجواری و همکاری متقابل در خدمت آزادی، صلح، ترقی و ثبات منطقه؛ شورای ملی مقاومت قرارداد ۱۹۷۵ (الجزایر) و مرزهای زمینی ورودخانه ای مندرج در این قرارداد را مبنای صلح عادلانه و پایدار اعلام می کند. لکن بدیهی است این پذیرش ملازم با عدم هرگونه مداخله در امور داخلی یکدیگر است. بنا بر این شورای ملی مقاومت در عین تاکید بر ضرورت مصونیت مرزها از هرگونه تجاوز، هرگونه مقابله و له نامه و یا پروتکل مداخله جویانه و سرکوبگرانه منضم به قرارداد ۱۹۷۵ را مردود می شناسد. اعم از اینکه چنین مقابله نامه یا پروتکلی سری یا علنی باشد.

شورای ملی مقاومت که برای استقلال و صلح وآزادی در ایران، مبارزه می کند، در پی ۶ ماه بررسی و پیس از انجام مطالعات و مشورت های جامع بمنظور دستیابی به یک صلح عادلانه - که در قدم اول به ملاقات نایب نخست وزیر عراق با مسئول شورا و صدور بیانیه ی مشترک منجر گردید- اکنون پیشنهاد خود در باره ی "طرح کلی صلح" را برای اطلاع دولت عراق، سازمان ملل متحد، جنبش کشورهای غیر متعهد، کنفرانس اسلامی و نیز برای آگاهی دولت ایران و عراق و همه ی طرفداران صلح در منطقه و جهان بشرح زیر اعلام می نماید:

بقیه در صفحه ی ۳

خمینی، خصم نوروز و شادی کوفانی

در صفحه ی ۵

عمر نوروز

ترجمه از: اسماعیل یغمائی

در صفحه ۳۳

سرمقاله

مجلس رژیم خمینی
اجلاس
حکومت ملل متحد
نقطه ی اوج ادعیه رفرم!
در افق نومی جهان

هفته ی گذشته سی و یکمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که در محل کمیسیون حقوق بشر در ژنو تشکیل شده بود نقض شدید و مستمر حقوق بشر در رژیم خمینی را محکوم نمود. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد بطور معمول، سالی یکبار تشکیل جلسه می دهد. سال گذشته اکثریت اعضای این کمیسیون در رابطه با اوجگیری جنایات بی سابقه ی رژیم خمینی، "کمال اضطراب" خود را در قبال تجاوز به حقوق بشر در ایران ابراز نمودند. همچنین ضمن اشاره به اعدام و شکنجه ی کودکان و مردم بیگناه از "اعدام های خودسرانه ی بدون دادگاه" صریحا نام برده و از دبیر کل سازمان ملل خواستند که ضمن تماس مستقیم با دولت ایران، لزوم احترام به حقوق بشر را که عهدنامه ی آن توسط رژیم خمینی نیز تایید گردیده است، یادآوری نماید. آنها همچنین به دبیر کل سازمان ملل، ماموریت دادند بقیه در صفحه ی ۳

گزارش اجلاس اخیر "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد" در ژنو

در صفحات ۲۵ و ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱

تلگراف مسئول شورای ملی مقاومت به دبیر کل سازمان ملل متحد درباره ی مخالفت رژیم خمینی با اعزام هیئت تحقیق این سازمان به ایران

در صفحه ی ۴

بقیه از صفحه اول

طرح صلح شورای ملی مقاومت

۱- اعلان فوری آتش‌بس بین کلبه‌ی نیروهای دو کشور در زمین، هوا و دریا.
 ۲- تشکیل کمیسیون نظارت بر آتش‌بس و عقب‌نشینی تحت نظر یک مرجع مرضی‌الطرفین یا دبیرکل ملل متحد.
 ۳- عقب‌نشینی نیروهای دو کشور تا پشت مرزهای مشخص شده در پروتکل‌های راجع به علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی ایران و عراق و پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانه‌ی بین ایران و عراق و صورتجلسات نقشه‌ها و عکسبرداری‌های هوایی ضمیمه‌ی آن دو که بامضای دوطرف رسیده است. زمان لازم برای عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی مذکور به تشخیص کمیسیون نظارت بر آتش‌بس، قبل از اعلان آتش‌بس تعیین می‌شود.
 ۴- مبادله‌ی کلبه‌ی اسرای جنگی، حداکثر در ظرف سه ماه پس از اعلان آتش‌بس با رعایت مقررات بین‌المللی، تحت نظر صلیب سرخ بین‌المللی.
 ۵- ارجاع مسالسه‌ی تعیین خسارت‌های ناشی

از جنگ به دیوان بین‌المللی لاهه جهت تعیین خسارت‌های ناشی از جنگ و نحوه‌ی تادیبه‌ی حقوق ایران. رای دیوان در این مورد لازم‌الاجرا خواهد بود.
 ۶- تعهد طرفین به فراهم نمودن موجبات بازگشت پناهندگان و رانده‌شدگان دو کشور به یکدیگر، با اعلام عفو عمومی و تضمین امنیت مالی و جانی آنها.
 ۷- تنظیم قرارداد قطعی صلح بین دو کشور، بر مبنای احترام کامل به حاکمیت و استقلال ملی، تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، حسن همجواری و مصونیت مرزها از تجاوز. * طرح حاضر در یک مقدمه و ۷ بند با تفاق آراء در شورای ملی مقاومت تصویب رسیده است.

مسئول شورای ملی مقاومت

محل امضاءها
مسعود رجوی
۶۱/۱۲/۲۲

تلگراف

مسئول شورای ملی مقاومت

به دبیرکل سازمان ملل متحد

در باره مخالفت رژیم خمینی

با اعزام هیئت تحقیق این سازمان

به ایران

ضدبشری، هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد و به هیچ قاعده و قانونی پایبند نیست؛ گامی شایسته و ضروری در دفاع از حیثیت و شرف تمامی بشریت بشمار می‌رود. اما در تکمیل این قدم، امید است سازمان ملل متحد پیگیری این موضوع را به ارگان‌های تصمیم‌گیرنده خود بسط داده و مساعی خود را تا اتخاذ تدابیر جدی و وضع مجازات‌های عملی برای مهار ساختن جنایات ضدبشری رژیم خمینی ادامه دهد.

آقای دبیرکل!
 حتما مطلعید که رژیم حاکم بر ایران در جریان برگزاری اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در ژنو، با ادعای آمادگی خود جهت پذیرش نماینده‌ی سازمان ملل متحد برای بررسی مسئله‌ی حقوق بشر و بازدید از زندان‌های ایران، قصد داشت از صدور قطعنامه‌ی نهائی در این باره جلوگیری به عمل آورد. لکن لحظاتی قبل از تصویب قطعنامه، تهدید نمود که آمادگی بقیه در صفحه ۲۰

آقای پرزدوگولار، دبیرکل سازمان ملل متحد!
 محترماً بدینوسیله از جانب مقاومت عادلانه‌ی ملت ایران، از توجه سازمان ملل متحد، شخص شما و کمیسیون حقوق بشر، نسبت به مسئله‌ی نقض ابتدائی‌ترین حقوق بشری در ایران و قرار دادن آن در دستور کار کمیسیون حقوق بشر ملل متحد که به صدور قطعنامه‌ی این کمیسیون درباره‌ی نقض مستمر و شدید حقوق بشر توسط رژیم خمینی، منجر شد، سپاسگزاری می‌کنم.

یقیناً، این ابراز همدردی جهانی، قدردانی دهها هزار خانواده‌ی داغدار و دهها هزار زندانی سیاسی تحت شکنجه و تمامی ملت بزرگ ایران را برمی‌انگیزد. ملتی که هم‌اکنون در یکی از سیاه‌ترین و تلخ‌ترین ایام تاریخ خود، ستم‌ها و جنایات یک رژیم وحشی و ضدبشری را تحمل می‌نماید. همچنین مسلم است که تقبیح و محکوم نمودن رژیمی که در نقض ابتدائی‌ترین حقوق انسانی و ارتکاب فجیع‌ترین جنایات

اطلاعیهٔ مسئول شورا

بقیه از صفحه اول

جهت درهم شکستن جنگ‌افروزی خارجی خمینی؛ در هر گجا که هستیم منجمله با تشریح و تبلیغ گسترده‌ی طرح حاضر، بر ابعاد فعالیت خود بیفزائیم. بویژه در شرایطی که شورای ملی مقاومت - یعنی تنها امید و تنها آلترناتیو دمکراتیک برای یک ایران آزاد و آباد- با اثبات گارآئی‌های داخلی و بین‌المللی خود هر روز در انظار جهانیان از اعتبار و اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود و دقیقاً بهمین دلیل مجموعه‌ی عناصر و نیروهائی که پیشرفت‌ها و ارتقاء این شورا در مسیر آزادی و استقلال و تمامیت ارضی ایران را خوش نمی‌دارند، بطرق مختلف در تخطئه‌ی آن می‌کوشند و از فرط حقد و حسد از رواج دادن انواع و اقسام شایعات فروگذار نمی‌کنند. حال آنکه مردم آگاه ایران چه در دوران دیکتاتوری شاه و چه در روزگار خلافت استبدادی خمینی همگان را در عمل بخوبی آزموده‌اند.

در پایان ضروری است از زحمات و تلاش‌های چندین ماهه‌ی کلبه‌ی اعضای کمیسیون صلح شورای ملی مقاومت تقدیر و تشکر کنم.

مسئول شورای ملی مقاومت

مسعود رجوی
۱۳۶۱/اسفند/۲۳

این طرح با اطلاع دولت عراق و عموم مراجع بین‌المللی بالاخص سازمان ملل متحد و جنبش کشورهای غیرمتعهد و دولت‌ها و هیئت‌های بین‌المللی خواستار صلح نیز خواهد رسید.
 ضمناً همچنانکه در سالی که رو به پایان است، طینت ضدبشری رژیم خمینی را بطور جهانی - در رابطه با وحشیانه‌ترین سرکوب‌ها و نقض دائمی حقوق اولیه‌ی بشری- افشاء نموده و او را در مجامع رسمی ملل متحد، در معرض قضاوت قاطع و نفرت‌بار اکثر جهانیان قرار دادیم؛ خصیصه‌ی جنگ‌طلبانه‌ی این رژیم قرون وسطائی را با طرح صلح حاضر، بازهم آشکارتر خواهیم نمود و جهانیان با آگاهی از اراده‌ی ملت ایران برای "صلح و آزادی"، بیشتر خواهند فهمید که رژیم خمینی اساساً جز بر تروریسم ضدبشری و جنگ‌طلبی ضدمیهنی بر چیز دیگری متکی نیست.

باین ترتیب مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی ما با درهم شکستن سیاست جنگ‌طلبانه‌ی خمینی در ابعاد داخلی و بین‌المللی تکمیل می‌گردد و به سقوط محتوم رژیم لِرزان و بی‌ثبات او که جز بر گشتار و ویرانگری متکی نیست راه می‌برد.

پس بخاطر آزادی و صلح بایستی چه در جهت افزایش مقاومت عادلانه‌ی داخلی و چه در

ابراز تأسف عمیق شورای ملی مقاومت ایران

نسبت به فرار صادق طباطبائی از مجازات قانونی

بی‌درنگ - حتی در گوچه و خیابان- به جوخه‌ی اعدام می‌سپارد، حال آنکه آنان خود قربانیان فساد و جنایت همین رژیم و عوامل تبهکار آن محسوب می‌شوند.
 بی‌درنگ - حتی در گوچه و خیابان- به جوخه‌ی اعدام می‌سپارد، حال آنکه آنان خود قربانیان فساد و جنایت همین رژیم و عوامل تبهکار آن محسوب می‌شوند.
 بی‌درنگ - حتی در گوچه و خیابان- به جوخه‌ی اعدام می‌سپارد، حال آنکه آنان خود قربانیان فساد و جنایت همین رژیم و عوامل تبهکار آن محسوب می‌شوند.

دیپلماتیک را وسیله‌ی "تجارت مرگ و خون" ساخته و با سوء- استفاده از آن، عوامل تبهکار خود را از مجازات می‌رهاند. شورای ملی مقاومت با ابراز تأسف عمیق نسبت به فرار صادق طباطبائی از مجازات قانونی، از افکار عمومی جهان بویژه مردم شریف آلمان می‌خواهد که از وضع مجازات‌های بین‌المللی و قطع ارتباطات

مسعود رجوی
 مسئول شورای ملی مقاومت
 ۶۱/اسفند/۲۰

برای تحقق صلح و آزادی همهٔ سلاح‌ها را بجانب رژیم ضدبشری خمینی نشانه رویم!

محکومیت رژیم خمینی در اجلاس حقوق بشر ملل متحد نقطه پایانی بر داعیه رفرم! در افکار عمومی جهان

بقیه از صفحه اول

تا نتیجه اقدامات خود را به سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر، گزارش نماید. لازم به توضیح است که گرچه در سال گذشته نیز پرونده رژیم خمینی انباشته از جنایات ضد بشری بود، اما کمیسیون فوق‌الذکر در مورد این رژیم صرفاً به ابراز نگرانی - آسهم در عداد برخی دیگر از کشورهای ناقض حقوق بشر - اکتفا نمود.

تابستان گذشته در رابطه با ماموریتی که کمیسیون فوق به دبیرکل سازمان ملل برای تهیه گزارش داده بود، کمیته حقوق بشر ملل متحد (متشکل از متخصصین ۱۸ کشور) با احضار نماینده‌های از طرف رژیم خمینی به بررسی مسئله نقض حقوق بشر در ایران پرداخت. این کمیته پس از بحث و بررسی و مطالعه گزارشات واصله، سوالاتی نیز از نماینده اعزامی رژیم به این کمیته نمود و بالاخره گزارش نهایی خود را در رابطه با چگونگی مسئله حقوق بشر در ایران تدوین و سپس به دبیرکل سازمان ملل متحد تقدیم کرد تا برای تصمیم‌گیری نهایی در سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر مطرح گردد. قابل ذکر است که موضعگیری‌ها و پاسخ‌های نماینده رژیم خمینی (آخوند خسروشاهی) بقدری غیرمنطقی، مبتذل، غیرواقعی و مملو از وقاحت و فحاشی و دروغ‌پردازی بود که یکبار رئیس جلسه، سخنان او را قطع کرده و گفت: "طی شش سالی که ریاست کمیته را بعهده دارم، این اولین بار است که در اثر رفتار نماینده یک دولت با وضع بی سابقه‌ای مواجه می‌شوم، بطوریکه حتی تصمیم داشتیم جلسه را تعطیل کنم!!"

سرانجام بر اساس مقدمات فوق و مشخصاً با توجه به گزارشی که توسط کمیته حقوق بشر تهیه شده بود و نیز با استناد به سایر گزارشاتی که از مجامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر نظیر سازمان عفو بین‌الملل و بالاخص گزارشاتی که طی این مدت توسط مجاهدین خلق در اختیار دبیرکل سازمان ملل قرار گرفته بود؛ سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر، رژیم خمینی را طی قطعنامه‌ای شدیداً محکوم نمود.

* * *

از سی خرداد ۶۰ بعد رژیم خمینی به سرکوب‌گسترده و وحشیانه مردم ستمکشیده‌مان پرداخت و دستگیری و شکنجه و اعدام فرزندان مجاهد و مبارز خلق، ابعادی فوق‌العاده و (در قیاس با سایر کشورها) تیکه در آنها نیز حقوق بشر پایمال می‌شود) ارقامی نجومی یافت. دستگیری‌های گسترده، شکنجه‌های قرون وسطائی، اعدام‌های دسته‌جمعی، دادگاههای مخفی ۲ دقیقه‌ای، اعدام کودکان خردسال و زنان باردار، حلق‌آویز کردن در انظار عمومی، کشیدن خون محکومین به اعدام و تجاوز به دختران باکره قبل از تیرباران، مضافاً بر نقض تمامی آزادیهای فردی و اجتماعی مندرج در مواد اساسنامه حقوق بشر سازمان ملل متحد، امری عادی و روزمره برای رژیم خمینی گشت. متقابلاً مقاومت‌های قهرمانانه‌ی رشیدترین فرزندان خلق، در زیر شکنجه و در مقابل جوخه‌های تیرباران و اعدام، هرروز طومار ننگین کارنامه‌ی حکومت خمینی را سیاه و سیاه‌تر می‌نمود. بدیهیست که فعالیت‌های برادر مجاهدان مسعود رجوی، مسئول اول سازمان و مسئول شورای ملی مقاومت، و تلاش‌های پیگیر و خستگی‌ناپذیر او در جهت افشای ماهیت ضد بشری رژیم خمینی، منجمله از طریق ارسال اسناد و مدارک جنایات رژیم برای مجامع

بین‌المللی و انتشار آن در مطبوعات و رادیو - تلویزیونهای جهان و در کنار آن فعالیت‌های گسترده و سازمان‌یافته‌ی اعضا و هواداران سازمان در کشورهای مختلف جهان - بویژه انجمنهای دانشجویان مسلمان - و همچنین حمایت‌ها و همکاریهای سایر هموطنانمان در خارج از کشور و نیز نمایندگان شورای ملی مقاومت، از یکطرف باعث آگاهی و نتیجتاً خشم و انزجار افکار عمومی بین‌المللی نسبت به رژیم خمینی گردید و از طرف دیگر زمینه‌ی طرح و بررسی مسئله نقض حقوق بشر در ایران در مجامع بین‌المللی و سپس صدور قطعنامه‌ها و بیانه‌های متعدد در محکومیت رژیم توسط اینگونه مجامع را فراهم نمود. و سرانجام با قطعنامه‌ی اخیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، این تلاشها به بهترین نحو به‌ثمر نشست (مشروح گزارش سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر در همین شماره درج شده است). قطعنامه‌ی فوق‌الذکر بویژه از این جهت در خور اهمیت است که کمیسیون حقوق بشر متشکل از نمایندگان ۴۳ کشور عضو سازمان ملل، در مقام نماینده و منتخب مجمع عمومی این سازمان بوده و نتیجتاً تصمیمات آن بیانگر تمایل عمومی کلیه کشورهای جهان است. بخصوص که علاوه بر ۴۳ کشور عضو این کمیسیون، نمایندگان سایر کشورهای جهان و همچنین کلیه مجامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر و سازمانها و آژانسهای تخصصی بین‌المللی و سازمانها و اتحادیه‌های منطقه‌ای (نظیر اتحادیه‌ی عرب و پارلمان اروپا) و نمایندگان جبهه‌های آزادیبخش جهان و... به عنوان ناظر در این کمیسیون شرکت می‌کنند.

یکی از نکات قابل توجه در اجلاس سیه‌ی اخیر این کمیسیون، تغییر آراء بسیاری از کشورهایی بود که چه در اجلاس گذشته‌ی این کمیسیون و چه در سایر مجامع بین‌المللی تاکنون در رابطه با مسأله‌ی حقوق بشر در ایران بنفع رژیم خمینی رای می‌دادند. اما افشای گسترده‌ی جنایات رژیم خمینی، در سطح جهانی باعث گردید که بسیاری از کشورهای فوق‌الذکر نیز دیگر بنفع رژیم خمینی رای ندهند و بدین ترتیب قطعنامه‌ی محکومیت رژیم با اکثریت آراء اعضا کمیسیون به تصویب رسید؛ قطعنامه‌ی شدیدالحنی که مشابه آن تاکنون تنها در موارد نادری (مثلاً در مورد اسرائیل یا آفریقای جنوبی) صادر شده است. از قضا رژیم خمینی هم بدلیل هراس شدیدی که از آثار چنین قطعنامه‌ی داشت در آستانه‌ی تشکیل کمیسیون حقوق بشر، با یک مانور توخالی، اعلام نمود که آماده است نماینده‌ی سازمان ملل را برای بررسی وضعیت زندانیان در ایران بپذیرد! تا شاید با این حیل بتواند مانع صدور قطعنامه‌ی فوق‌الذکر گردد. در همین رابطه نماینده‌ی اعزامی خمینی در کمیسیون حقوق بشر صریحاً اظهار داشت که: "خوشبختانه از نماینده‌ی ویژه‌ی دبیرکل دعوت گردیده تا از زندانیان ما بازدید بعمل آورد." نماینده‌ی خمینی سپس چنین نتیجه گرفت که: "اطمینان دارم که این بازدید بر اعتبار گزارشات عفو بین‌الملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران ضربه وارد خواهد نمود."!!

این مانور حیل‌گرانه‌ی تبلیغاتی رژیم ابتدا انعکاس وسیعی در مطبوعات و رادیو - تلویزیونهای کشورهای مختلف جهان یافت، که گوئی رژیم خمینی واقعاً قصد دارد (و یا ظرفیت آن را دارد) که کوچکترین روزنه‌ای

در زمینه‌ی رعایت حقوق بشر برای مردم ایران باز نماید! و این در شرایطی بود که برادر مجاهد مسعود رجوی پیشاپیش طی نامه‌ی (بتاریخ ۸ بهمن ۶۱) خطاب به روسای سازمانهای غیردولتی شرکت‌کننده در کمیسیون چنین متذکر شده بود:

"در حالیکه بعلت نزدیک شدن سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر، نمایندگان رژیم، موضع جدیدی را اتخاذ کرده‌اند، آنان کوشش می‌کنند که از خود چهره‌ی جدیدی ارائه دهند، ولی در حقیقت چیزی اضافه نشده مگر تاکتیکی با هدف فرار از مسئولیت‌هایش. در حالیکه رژیم خمینی جز با توسل به جنگ و ترور و بحران پابرجانیست و همچنان به نقض حقوق بشر ادامه می‌دهد."

البته رژیم خمینی که به ماهیت پیشنهاد خود کاملاً آگاه بود، در آستانه‌ی رای‌گیری در مورد قطعنامه‌ی کمیسیون، بعنوان آخرین تلاش برای ممانعت از تصویب آن، دست به شانتاژ زد و تهدید نمود که: "در صورت تصویب این قطعنامه ما دعوت خود را پس می‌گیریم." ولی از آنجا که چهره‌ی رژیم افشاء شده‌تر از آن بود که چنین مانوری بتواند مانع تصویب قطعنامه‌ی محکومیت رژیم گردد، بلافاصله پس از صدور آن، نماینده‌ی خمینی وقیحانه اعلام کرد که به نماینده‌ی سازمان ملل اجازه‌ی بازدید از زندانیان ایران داده نخواهد شد!

محکومیت شدید رژیم خمینی در سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، بار دیگر این حقیقت را اثبات نمود که علیرغم مطامع امپریالیستی و علیرغم سیاست‌های پراگماتیستی برخی دیگر از دولتها در جهت حمایت از رژیم ضد بشری خمینی، این رژیم از هیچ مشروعیتی در افکار جهانی برخوردار نبوده و چهره‌ی واقعی خمینی و رژیمش در پرتو خون هزاران تن از پاکترین فرزندان خلق ما که بدست خمینی در جای‌جای میهنمان جاری گشته، بعنوان منفورترین دیکتاتورها و رژیمهای دیکتاتوری، مورد طعن و لعن جهانیان قرار گرفته است و این یکی از دستاوردهای حماسه‌ی مقاومت انقلابی و سراسری میهن‌مان و یکی از آثار خونها، شکنجه‌ها، اسارتها و در بدریهای فرزندان خلف این خلق قهرمان و یکی از نتایج تلاشها و پاکبختگی‌های پیشاتازان و سملهای آزادی و شرف خلق ماست که این چنین پرده‌های تزویر و عوامفریبی و دجالگری رژیم خمینی را از هم دریده و متقابلاً مشروعیت مقاومت انقلابی فرزندان مجاهد و مبارز مردمان را بر علیه این رژیم برای مردم جهان به اثبات رسانده است. مقاومتی که پیوسته در مسیر اعتلا و گسترش روزافزون خود به‌پیش می‌رود و خرمن هستی دشمن را به آتش می‌کشد، تا آنجا که علیرغم تبلیغات و انکارهای مداوم رژیم، نماینده‌ی اعزامی خمینی در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، در مورد ابعاد عظیم و گسترده‌ی آن مجبور به اعتراف می‌گردد.

اما از مهمترین نتایجی که از صدور قطعنامه‌ی محکومیت رژیم خمینی در کمیسیون حقوق بشر و نیز از واکنش خمینی در قبال آن مبنی بر عدم پذیرش نماینده‌ی سازمان ملل برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران، حاصل گردید (صرفنظر از اینکه ابعاد جنایات رژیم بیش‌ازپیش برای افکار عمومی جهانیان آشکار گردید) اثبات این حقیقت بود که نه تنها رژیم

مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی

مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی

ابعاد جنایات خمینی

در اعزام دانش آموزان به جبهه‌ها

* فقط از یک دبیرستان "دانش آموز" در تهاجم اخیر خمینی به عراق کشته شدند

* خمینی برای استمرار و گسترش اعزام اجباری دانش آموزان به جبهه‌ها

اقدام به تأسیس دبیرستان و مدرسه راهنمایی در جبهه‌های جنگ نموده است!

رژیم ضدبشری خمینی در اوج افلاس و درماندگی از بسیج نیرو، دانش‌آموزان معصوم را بزور، روانی جبهه‌های مرگ و نیستی می‌نماید. خمینی دجال که خود بهتر از هر کسی، با زتاب پایان گرفتن جنگ را منجمله در رشد تضادهای درونی رژیم متزلزلش و همچنین در اوجگیری بحران‌های لاینحل جامعه احساس می‌نماید، سعی می‌کند که از یکسو با دادن امتیازات مختلف، ته مانده‌ی نیروهای وابسته به خودش را بسیج نموده و از سوی دیگر اقشار و اصناف مختلف جامعه و بخصوص دانش‌آموزان را به زور و اجبار به جبهه‌ها اعزام کند. خمینی جنایتکار دانش‌آموزان را دسته‌دسته از پشت نیمکت‌های درس و مدرسه به خطوط مقدم و مرگ‌آفرین جبهه‌ها و بر روی مین‌ها و تله‌های انفجاری می‌فرستد، اما بی‌شرمانه در قبال افکار عمومی مردم ایران و جهان اعلام می‌کند که آن‌ها خودشان برای شهادت بی‌تاب هستند!! و ما نمی‌توانیم جلوی آن‌ها را بگیریم!! مشکینی جنایتکار به اصطلاح امام جمعه‌ی قم (که خود در تمام خطبه‌هایش در مورد اعزام دانش‌آموزان به جبهه‌ها تاکید می‌کند)، در توضیح این نقش جنایت‌بار خمینی می‌گوید: "... در جماران شیری است ... که اگر بگوید بروید به جبهه‌ها، تا بچه‌های ۱۴ ساله عاشقانه به جبهه‌ها هجوم می‌آورند..." (جمهوری ۶۱/۱۱/۲)

البته فشارهای سیستماتیک و شگردهای گوناگون و حساب‌شده خمینی برای کشاندن دانش‌آموزان به جنگ، نقش اساسی دارد. فی‌المثل زمانی که او احساس کرد که در زمینه‌ی بسیج نیرو کفگیرش به ته دیگ خورده، از حربه‌ی ارتجاعی فتوا استفاده نمود و اعلام کرد که برای رفتن کودکان به جبهه‌ها، اجازه‌ی والدین آن‌ها شرط نیست!!

این فتوای ضدانسانی - که ضما هشداری نیز به پدر و مادرها بود تا مانع اعزام کودکانشان به جبهه‌ها نشوند - دست نهادهای سرکوبگر رژیم را در جهت اعزام اجباری دانش‌آموزان به جبهه‌ها بازتر نمود. از سوی دیگر در ادامه‌ی تلاش‌های تبلیغاتی رژیم مزدوران سپاه و بسیج ضدخلقی خمینی در برخی شهرستان‌ها اجساد کشته‌شدگان جنگ را به مدارس برده و سپس با تعطیل اجباری کلاس‌های درس، اجساد را برای دانش‌آموزان به نمایش گذاشته و تشریح نمودند تا بزعم خود احساسات آن‌ها را به هیجان درآورند. اما علیرغم اینگونه شگردهای جنایتکارانه، ایادی رژیم تا آنجا که در توانشان بود، در بسیاری نقاط، با تعطیل کردن مدارس و با ایجاد اختناق بیشتر و استفاده از انواع تهدیدات منجمله در مورد نمره‌ی امتحانات دانش‌آموزان آنها را کلاس به کلاس، با تهدید و ارباب به جبهه‌ها کشاندند.

به همین دلیل رژیم خمینی که تاکنون با اعزام اجباری دانش‌آموزان به خط مقدم جبهه و به کشتن دادن دستجمعی آنها موفق شده که بسیاری از میدان‌های مین‌گذاری شده را پاکسازی کند، از هیچ فرصتی برای اجرای توطئه‌های شیطانی خود برای اعزام هر چه بیشتر نوجوانان میهن به جبهه‌های جنگ ارتجاعی غفلت نکرده است. منجمله اینکه اخیرا برای ماستمالی کردن مسئله‌ی تحصیل دانش‌آموزان و پاسخگویی به این سوال مردم که پس تکلیف مدرسه و درس کودکانشان چه خواهد شد؟، رژیم آشکارا و با کمال وقاحت اعلام نمود که برای ادامه‌ی تحصیل دانش‌آموزان، دبیرستان و حتی مدرسه‌ی راهنمایی! در جبهه‌های جنگ دایر کرده است!! (اطلاعات ۶۱/۵/۲۷)

و بدین ترتیب تصمیم ضدانقلابی و ضدبشری خود

طی یک تهاجم انقلابی به جایگاه مقامات عالی‌رتبه رژیم در پادگان هنگ ژاندارمری اهواز سرهنگ سپهری (فرمانده ژاندارمری کل خوزستان) به هلاکت رسید

بقیه از صفحه‌ی آخر

خوزستان برپا کرده بودند. در این مراسم که کلیه یگانهای نیروی زمینی، ژاندارمری و سپاه ضدخلقی منطقه شرکت داشتند. سرهنگ کوچک‌زاده فرماندهی خائن ژاندارمری کل کشور، سرهنگ سپهری فرماندهی ژاندارمری کل جنوب، فرماندهان سپاه ضدخلقی منطقه، حاکم ضدشرع و جنایتکار اهواز، روسای ادارات سرکوب و تقشیش عقاید باصطلاح سیاسی - ایدئولوژیک ژاندارمری و ... بر روی جایگاه مخصوص پادگان از رژه‌ی یگانهای مختلف سان می‌دیدند. در این هنگام و درست در لحظاتی که آخرین گروهان ژاندارمری، از مقابل جایگاه رژه می‌رفت یکی از سربازان - که در فرصتی مناسب سلاحش را خشاب‌گذاری کرده بود (۱)، از درون صف رژه، رگبار مسلسل خود را به سوی جایگاه مخصوص گشود که در نتیجه سرهنگ سپهری کشته شد و تعدادی از حاضرین در جایگاه به شدت مجروح شدند که یکی از آنها به علت وخامت حالش به تهران اعزام گردید.

بدنبال این اقدام جسورانه مراسم به هم ریخت و مقامات رژیم وحشتزده شده

برای استفاده‌ی هر چه گسترده‌تر و طولانی‌تر از دانش‌آموزان در جبهه‌ها را برملا نمود. و برآستی هم درس‌خواندن در جبهه‌ها، به‌مثابه جمعه به مکتب رفتن اطفال، آنهم در این رژیم ضدفرهنگ و دانش، از آن عوامفریبی‌های دجالگونه‌ایست که فقط و فقط در قلمرو حاکمیت خمینی می‌شود نمونه‌های آن را سراغ گرفت.

آری با چنین شیوه‌های ضد انسانی است که رژیم خمینی، از درون دبیرستان‌ها، مدارس راهنمایی، هنرستان‌ها، کانون‌های پرورشی، دارالایتم‌ها و ... نیروی جبهه‌ها را تامین نموده است و از همین روست که درصد بالایی از کشته‌شده‌های جنگ (منجمله جنگ اخیر که دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند. اینک کمتر کوچه و خیابان و محله‌ای در شهرهای میهنمان وجود دارد که در آن حجله و مراسمی برای دانش‌آموزان کشته شده در جنگ برپا نشده باشد، به‌نحوی که حتی در گوشه و کنار مطبوعات رژیم نیز هر روزه آگهی‌های تسلیت برای این قبیل دانش‌آموزان به چاپ می‌رسد. به عنوان نمونه، به مناسبت

کشته شدن ۴۰ دانش‌آموز، در جبهه‌های جنگ - آنهم فقط از یک دبیرستان در تهران! - یکجا، مجلس ختم برگزار

می‌شود. ذیلا متن خبر فوق را همراه با عوامفریبی‌های احمقانه مطبوعات جیره‌خوار خمینی حول این فاجعه، ملاحظه می‌کنید:

اطلاعات ۱۲ اسفند ۶۱

در این مدرسه دانش آموزان «شهادت» می‌آموزند

کجهان ۱۰ اسفند ۶۱

بسم‌تعالی
خط سرخ نهات خط آمد و علی است

مناسبت بزرگداشت نهات (پیش از ۴۰ نفر از دانش‌آموزان و دبیران دبیرستان موسوی) که در صاف با کفر جهانی و بی‌رحمانه بزرگ در عملیات و انفجار مجلس یادبودی از ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۱/۱۲/۶۱ در مسجد آشتیابها واقع در خیابان ۱۷ شهروز رویروی دبیرستان موسوی برگزار میشود.

* هنگام شروع عملیات محرم، بنا به فرمان امام امت در مورد ضرورت رفتن به جبهه‌ها، دانش‌آموزان مدرسه موسوی یکباره می‌خواستند مدرسه را رها کنند و به جبهه بروند و در کلاس بطور کامل در معرض تعطیل شدن بود.

و برای کنترل پادگان، ۱۵ تن از پرسنل ژاندارمری را دستگیر و روانی شکنجه‌گاه‌های خود نمودند.

از سوی دیگر رژیم دجال خمینی، برای جلوگیری از انعکاس خبر این عملیات انقلابی با عوامفریبی تمام اعلام نمود که سرهنگ سپهری در جبهه‌ی جنگ کشته شده است!!

علیرغم این تشبثات احمقانه رژیم، عملیات انقلابی مجاهدین در هنگ ژاندارمری خوزستان در سطح وسیعی در خوزستان منعکس گردید. این عملیات هشدار دیگری است به تمامی فرماندهان سرسپرده‌ی خمینی جنگ‌افروز که اگر دست از خوشخدمتی‌های خود به خمینی دجال برندارند و همچنان شریک خیانت‌های او در این جنگ شوند، بزودی بسزای خیانت‌هایشان خواهند رسید.

پاورقی:

(۱) - کلیه‌ی رژه‌های پرسنل ارتش در پادگان‌ها، بدون خشاب و گلوله انجام می‌گیرد، در روز ۲۱ اسفند نیز، قبل از مراسم رژه در هنگ ژاندارمری خوزستان، کلیه‌ی سلاح‌های پرسنل چک و کنترل شده بود.

در واقع، اینگونه که خمینی آتش بر حرث و نسل و خانمان این ملت زده، آنطور که او میلیون‌ها خانواده را به روز سیاه نشانده، در هیچ کجا مشابه و مانند ندارد. به همین دلیل است که می‌گوئیم تنها چاره‌ی کار، افکندن آتش قهر انقلابی خلق بر این دجال ضد بشر و دار و دسته‌ی جنایتکارش می‌باشد و تنها درین صورت است که تمامی خلق ستمدیده‌ی ما و فرزندانمان، از حکومت سراسر مرگ و ویرانی و تباهی خمینی، خلاصی خواهند یافت.



در آخرین روزهای اسفندماه صدای پای بهار که شنیده می‌شد و سرسبزی و شادمانی و شکوفائی را نوید می‌داد، مردم ما نیز بنا بر سنت دیرینه‌ی خود همراه و همگام با طبیعت سرزمین خود به پیشواز نوروز و روزهای نو می‌شتافتند. طبیعت با گل‌ها و سبزه‌ها و زمزمه‌های جویباران و نسیم فرحبخش و رنگارهای شادایانه و گهگاه رنگین‌کمانی که در دوردست‌ها چونان پلی زمین و آسمان را به هم پیوند می‌زد و به پیشواز بهاران می‌رفت و مردم نیز با شادی‌ها و امیدهای کوچک و بزرگ، خود را برای نوروز آماده می‌کردند، با ساده‌ترین و کوچک‌ترین شادی‌ها... از بوسه‌های مادرانه و پدرانه بر چهره‌ی فرزندان تا لبخند محبت‌آمیزی به روی یاران و عزیزان و دعائی که از زبان سالخورده‌گان نثار جوانترها می‌شد و بدینگونه... گوئی در آغاز بهاران، سردی‌ها و نامهربانی‌ها و غصه‌ها و کینه‌ها به زمستان سرد سپرده می‌شد و به هر حال می‌توان به یاد آورد که علیرغم تمامی فراز و نشیب‌ها و غم‌ها و شادی‌های زندگانی، هر سال نوروز دیرپا و بالنده بر سراسر این مرز و بوم باستانی گذری داشت، گذری که دیگر از آن اثری نیست و کیست که نداند چرا و مسبب این همه غم و درد را نشناسد و دیگر کیست که نداند راه چاره چیست؟

راهی که هم‌اکنون با خون پاک‌ترین فرزندان این میهن، پیموده می‌شود. و بسوی روزهای نو و نوروزهای آزادی و رهائی. و اکنون با هم به گزارشانی کوتاه از ساده‌ترین درد دل‌ها و غصه‌های مردم در آستانه‌ی نوروز نظر می‌کنیم. درد دل‌هایی که هرگز امکان ثبت و نوشتن حتی بخشی از آن‌هم وجود ندارد.

زن خانه‌دار

زن خانه‌دار که حدود ۵۰ ساله نشان می‌دهد در جواب سوال من که از او درباره‌ی نوروز می‌پرسم، نگاهی به من می‌اندازد و با ناراحتی می‌گوید: "چه نوروزی، قدیم وقتی که اسفند می‌رسید همه‌ی مردم دل و دماغی داشتن خونه تگونی و گردگیری، خرید عید، نو کردن لباس بچه‌ها و... ولی این روزا دیگه حال و رمقی برا کسی نمونده، هرکسی بدرد خودش گرفتاره، تازه مگه میشه عید گرفت، از بچه‌های فامیل دو نفر شهید شدن. چهلم‌شون

بعد از نوروزه... همه‌ی فامیل سیاه پوشیدن، فکر می‌کنم عید امسال باید بریم سر مزار اونا و..."

پسر کوچک همسایه

پسرک از همسایه‌های ماست

در تاکسی

صحبت از عید که شد انگار داغ راننده‌ی تاکسی تازه شد و یا اینکه... راننده تاکسی در جواب خانمی که می‌گفت: "کی حوصله دید و باز دید داره بابا" نگاهی کرد و

رفته که مثلا عید داره میاد. و بعد آهی کشید و گفت: "چار سال پیش تو اهواز راننده‌ی بولدوزر بودم. در آدم نصف حالا بود ولی دل و دماغم چند برابر حالا... بهمین که تموم می‌شد مرتب رو تقویم خط می‌کشیدم تا عید زودتر

خمینی، خصم نوروز و شادی و شکوفائی

گفت: "دید و باز دید جهنم... خوب هزارتا گار دیگه هس که تو عید می‌تونی انجام بدی خواهرم... ماشاءالله مملکت آباد و آزاده می‌تونی بری بندرعباس دلی به دریا بزنی، نخواستی می‌تونی بری اهواز و آبادان کارونو سیاحت کنی و شهرای آباد و آزاد و... دلت نخواست برو بندر خمینی. خوب شاید بگن مسافرت مال طاغوتیاس اینارو ولش، می‌تونی بشینی پای تلویزیون ماشاءالله تا دلت بخواد فیلم جالب و هیجان‌انگیز تماشا کنی، فیلمای دست اول و بی‌سانسور و اجتماعی و سیاسی تا الی ماشاءالله. سخنرانی حضرت امام. سخنرانی قرائتی، سخنرانی اردبیلی... سخنرانی گوربینا شده... سخنرانی معلول شفا یافته سخنرانی... راننده حسابی عصبی شده بود و یکریز می‌گفت و می‌گفت و..."

در یک قهوه‌خانه

در خیابان سی متری ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه بود که بالاخره به توافق رسیدند و قرار شد نهار را با هم بخورند. وقتی قهوه‌چی نهارشان را آورد. یکی از آنها که جوانتر بود و موهای سیاه و چربش از زیر کلاه مندرش بیرون زده بود به من که مشغول خوردن چای بودم نگاهی کرد و گفت: "بفرما نهار" و وقتی جواب مرا شنید بسم‌اللهی گفت و مشغول خوردن شد، بعد از نهار به آنها سیگار تعارف کردم. یکی از آنها سیگاری نبود ولی دیگری سیگاری برداشت و مشغول دود کردن شد و دقایقی بعد مشغول صحبت بودیم اهل "عقدا" بود و می‌گفت: "عید امسال نمی‌تونم به "عقدا" برم آخه با چه روئی؟ هر سال اقلا یه چیزی دستمونو می‌گرفت شیرینی و قند و نقل و

بیاد و دست زن و بچه‌مو بگیرم و برم این ورو اونور گشت و گذار... ولی حالا بخدا یادم رفته صب بلند می‌شم تا شب سگدو تو این جهنم دره، شب که میشه مثل مرده می‌افتم تا صب، والله اگر بتونم روز عیدو بگیرم بخوابم راضیم بقیه‌اش رو نخواستیم..."

یک معلم مدرسه

معلم یک دخترانه بود وقتی مطمئن شد که مرا (ز) معرفی کرده خندید و پس از تعارفات معمول و وقتی که دیدم آمادگی دارد، به او گفتم: "سوال من ساده است، می‌خواستم درباره‌ی عید از شما بپرسم، نظرتون چیه؟" لحظه‌ای هاج‌وواج ماند. گوئی انتظار سوالات عجیب‌تری را داشت و وقتی دوباره سوالم را تکرار کردم، گفت: "والله چی بگم خوب همیشه عید می‌اومد و می‌رفت و ما مثل بقیه‌ی مردم عید می‌گرفتیم و... می‌دوید من حدود یازده ساله معلم شادی و خوشحالی من بیشتر از شادی و خوشحالی بچه‌های کوچکی بود که انگار بهار، اونارو هم مثل گل شکفته می‌کرد، و بعد از عید کلاس‌های من بیشتر شبیه یک باغچه‌ی پرگل می‌شد. بچه‌ها شاد و خندون برای هم از عید و عیدی‌ها و گشت و گذارهاشون صحبت می‌کردن و صدای قهقهه خنده‌شون کلاسو از جا برمی‌داشت ولی الان... " موقعی که داشتم از اون خداحافظی می‌کردم به من گفتم: "می‌دونی چیه، شاید اصلا مسئله‌ی دیدن بچه‌ها با اون وضع افسرده و غمناک برای من پیش نیاد، آخه مدتی قبل زمزمه این بود که زن و شوهر نباید هر دو شاغل باشن، چند تارو اخراج کردن فکر می‌کنم همین روزا نوبت من باشه مخصوصا که..."

نباتی و پارچه‌ای امسال برم بگم که چی تازه برگشتنی هم باید گزایه‌مو از اونا بگیرم، والله اینجوری رفتن مایه خجالته". و بعد از اینکه کمی سکوت کرد و گفت: "عید که نمی‌تونم برم ولی تا تابستون شاید بشه، هوا کم‌کم داره گرم میشه و بنائی باید رونق بگیره..."

بقال محل ما

آقای "الف" سر کوچمان بقالی کوچکی داشت. چند روز بود که خبری ازش نبود، تا اینکه بالاخره پدرم ته‌وتوی قضیه را درآورد پدرم می‌گفت: "بیچاره شب عیدی از بس سیگار باز کرده بود و به مشتریا فروخته بود حوصله‌اش سر رفته بود و به چند نفر پاکت سالم سیگار داده بود. یکی از کمیته‌چیا که اون حول وحوش بوده اونو به کمیته کشونده بود و گار به جریمه و شلاق کشیده... اونم از خجالت گذاشته و رفته ورامین. همسایه مغازه‌اش می‌گفت: الف بعد از شلاق خوردن اومد مغازه‌شو جمع‌وجور کرد و گفت: از شلاق و جریمه دردم نیومد از اینکه این بیشرقا سر پیری وصله دزدی بهم چسبوندند و آبرومو تو محل بردن والله می‌خوام دق کنم... آخه من کسی‌ام که با فروش ده بسته سیگار بخوام..."

دو دختر بچه کوچک

"ل" و "ب" هشت و یازده ساله نزدیک چهار ماه است که پهلوی عمه‌شان زندگی می‌کنند. پدرشان که راننده اداره و مادرشان که خانه‌دار بود چندی قبل به علت کمک به مجاهدین دستگیر شده‌اند. "ل" که مرا دید بی‌اختیار به طرفم دوید و شروع به گریه کرد و پس از آنکه اندکی آرام شد با لحنی بغض‌آلود گفت: "خاله‌جان... سه ماهه که از بابا و مامانم خبری نیست، مامانم مریض بود نمی‌دونم حالا تو زندان و با وجود اون پاسدارا چه جوری زندگی می‌کنند... "ب" همانطور که اشک در چشم‌هایش حلقه زده بود ما را می‌نگریست. عمه‌شان گفت: "بخدا دیگه دارم دیوونه می‌شم این خمینی بی‌شرف... نیگا کن، اینم شب عید این دو تا طفلای معصوم پدر و مادرشونو که گرفتن بجرم چی. خوندن اعلامیه، پاسدارا رفتن توخونه بست نشستن. آدم جرات نداره بره

درباره ملاقات و اعلامیه مشترک مسئول شورای ملی مقاومت ایران و طارق عزیز نماینده دولت عراق

از: پرویز خزائی

و سپس همان خون را در صحراهای سوزان بین ایران و عراق به زمین بریزد و خلاصه سبیل قدرت‌های بین‌المللی را حسابی چرب بنماید.

اما این "وجیه‌المله" ها فعلا به نفع خود نمی‌دانند وارد این مقولات شوند. هدف "بزرگ و عالی" آنها تضعیف شورا و اعضا و سازمان‌های مترقی عضو آن است که به عنوان تنها مجموعه‌ی مردمی و پایدار در مقابل غول فاشیسم قرون وسطائی خمینی می‌جنگند و هرروزه در چهار گوشه‌ی همان سرزمینی که اینها سنگ آترا به سینه می‌زنند، مبارزه‌ی رهایی بخش مردم ایران را به پایمردی ایستاده‌اند.

نتیجه اینکه خمینی با دغل‌بازی و حیل‌گری خاص خود و اعوانش و همچنین "وجیه‌المله" های ورشکسته‌ی رژیم سابق با سیاست بازی‌های به غلط "رنگ ایران دوستی گرفته" شان هر دو متفقا پشت‌به‌پشت هم داده و در این مقطع حساس، رودرروی نیروهای مترقی و مردمی عضو شورای ملی مقاومت ایستاده‌اند. زیرا اولی در حالیکه ایران و سرزمینی بنام ایران را برسمیت نمی‌شناسد تا حکم تخلیه‌ی خاک آترا بدهد صرفا مردم داخل آترا برای آن می‌خواهد که برای ارضای تمایلات قرون وسطائی و ارتجاعی و تحکیم دیکتاتوری مذهبی، دسته‌دسته به خیابان‌ها و صف‌های طویل و میدان جنگ بروند. گروه دوم نیز در حالیکه مردمی و توده‌هایی بنام مردم ایران را هیچگاه برسمیت نشناخته و نخواهد شناخت، صرفا سرزمین کامل و یکدستی بنام ایران می‌خواهد که دوباره بساط غارت و چپاول و ریاست و جلال و جبروت فاسد خود را بر پهنه‌ی آن بگستراند و بقیه به‌عنوان هموعان دست دوم در پیرامون این بساط در "صلح و آرامش" و در نهایت "نظم و حکومت قانون" نیز، البته زندگی کنند. اما مردم ستم‌دیده‌ی داخل و آوارگان واقعی خارج ایران، بقیه در صفحه‌ی ۳۱

گاهی هزار تا هزارتا آنان را به زیر چرخ تانک و یا روی مین و جلو آتش مسلسل و توپ و خمپاره بفرستند. در حالیکه فرزندان این "وجیه‌المله" ها و عالی‌جنابان در مدارس درجه‌ی یک آمریکا و اروپا و آسیا به تحصیل اشتغال دارند و مبادا اگر یک روز یکساعت دیرتر از وقت موعود از مدرسه به‌خانه برگردند! و یا اینکه هنوز باید افسران و درجه‌داران و سربازان معصوم و میهن‌پرست و مردمی ارتش زن و فرزندان خردسال و بی‌کس خود را رها کرده و برای ارضای شهوت ولایت و خلافت خمینی و اعوانش خود را در میان گلوله و خون و شن مدفون نمایند.

البته آنچه مسلم است این عالی‌جاه‌ها درس‌های خود را کاملا از حفظ هستند و مسلما فرق گردش‌های بعد از ظهر یکشنبه در "بورلی هیلز" و "هایدپارک" و "باغ لوکزامبورگ" را در حالیکه دست در دست فرزندان خود دارند با ضجه‌های مادران و خواهران و پدران کمرشکسته در بهشت‌زهرها در حالیکه خاک‌های سرد گورهای عزیزانشان را بر سینه می‌فشارند بخوبی می‌دانند و هم‌بخوبی واقف هستند که این جنگ چه مصیبت‌هایی برای مردم ایران و چه شانس‌های درخشانی را برای رژیم خونخوار تهران آفریده است، تا نه تنها همه چیز را تحت‌الشعاع آن قرار دهد، بلکه ثبات ظاهری و ادامه‌ی حیات ننگین خود را نیز براساس آن پایه‌گذاری نماید. سرمایه‌ی نفت را صرف خرید اسلحه و مهمات خارجی کند. مردم را برای خرید یک کیلو برنج به صف‌های طویل جلو کمیته‌ها و مساجد و پهای صندوق‌های اخذ رای بیاورد. تمام معتقدین و مومنین راستین به استقلال و آزادی و تمامیت ارضی و نیروهای مترقی و مردمی را گروه گروه به جلو جوخه‌های اعدام بفرستد، خون فرزندان راستین این ملت را در زندان اوین گرفته به تن مثنی ناآگاه و عامل فاشیسم، تزریق کند

این باره به نفع خود تشویق و تشجیع نماید. به عبارت دیگر رژیم ضدایرانی و ضدبشری به یکباره ملی‌گرا هم شد و صحبت از همدستی شورا و سازمان با دشمنان ملت و تمامیت ارضی ایران نمود! بدون اینکه مردم فراموش کنند که این جنگ عبث، روزی صدها جوان و کرورها سرمایه‌ی نسل حاضر و آینده را به قتلگاه و اتلاف و نیستی می‌فرستد و هر روز مقدار عمده‌ای از هستی و دار و ندار این ملت ستم‌دیده را به جیب سرمایه‌داران و دلالان بین‌المللی اسلحه و کارتلها و تراست‌های بین‌المللی سرازیر می‌کند. یعنی در حقیقت پول نفتی که بخاطر این جنگ توسط دجالان رژیم به دلالان بین‌المللی فروخته شده، بعد از مدت بسیار کوتاهی از دست دیگر به جیب‌های آنها بازگردانده می‌شود.

۲- اما به نظر می‌رسد که گروه‌های باصطلاح اپوزیسیون دیگر که خارج از چارچوب شورا قرار گرفته‌اند، بویژه ورشکسته‌های رژیم سابق و دون‌کیشوت‌های "وجیه‌المله"! تمام کوشش خود را بکار برده‌اند تا با تائید ضمنی و حتی صریح حرف‌های خمینی و رژیم تهران در مورد این جنگ و جمله‌بافی‌های آنچنانی، شورا را در جهت مقاصد صرفا گروهی و به‌عبارت بهتر صنفی خود تضعیف نمایند. در این راه تا آنجا پیش رفته‌اند که حرف‌هایشان درست با حرف‌های رادیو خمینی یکی شده است و موازی و هم‌تراز با تبلیغات تهران عمل کنند. اینان از گوشه و کنار در پشت فنجان‌های قهوه دستور ادامه‌ی جنگ برای دفع شر غرب و برای کسب پیروزی نهائی - شاید فتح بیت‌المقدس و قاهره! - می‌دهند و اراده‌ی مبارکشان بر این قرار گرفته است که باید هنوز بچه‌های ده تا پانزده‌ساله دهات و جنوب شهرها را همچنان از دامان مادرانشان و از سر کشتزارها و مزارع و کارگاه‌ها و از آغوش پدران‌شان جمع کنند و هر روز ده تا ده‌تا یا صدتا صدتا و

توضیح: مقاله‌ی حاضر بقلم پرویز خزائی نماینده‌ی شورای ملی مقاومت در کشورهای اسکاندیناوی، پس از ملاقات نایب نخست‌وزیر عراق با برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت نوشته شده و اخیرا بدست ما رسیده است.

آقای پرویز خزائی دیپلمات با سابقه و کارشناس حقوق بین‌الملل وزارت خارجه ایران و فارغ‌التحصیل دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران است که تحصیلات خود را در رشته‌ی دیپلماسی و حقوق بین‌الملل در فرانسه ادامه داده و مدت ۱۰ سال در وزارت خارجه‌ی ایران فعالیت نموده است.

آقای خزائی در تاریخ ۶۱/۷/۱۵ هنگامی که در سمت کاردار ایران در نروژ مشغول به‌کار بود، با ارسال نامه‌ای به برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت، ضمن محکوم کردن رژیم خمینی، پیوستگی خود به سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت را اعلام داشت و سپس از سوی مسئول شورای ملی مقاومت به عنوان نماینده‌ی شورا در کشورهای اسکاندیناوی منصوب گردید.

ذیلا مقاله‌ی آقای خزائی را ملاحظه می‌کنید:

الف - اعلامیه از نظر حقوقی نکات مثبت و روشنی دارد که بشرح زیر خلاصه می‌شود:

۱- تاکید و رعایت متقابل حق حاکمیت، استقلال و آزادی دو ملت در تعیین سرنوشت خود و تائید تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور یکدیگر.

۲- عدم تیرکشی یک‌جانبه‌ی دولت عراق در خصوص این جنگ که به‌مرحال از نظر شرایط عینی تحقق آن، بوسیله‌ی آن کشور آغاز شد. بنابراین تاکید بر اینکه "از ژوئن ۱۹۸۲ این فقط خمینی است که مسئول و موجب ادامه‌ی جنگ با عراق است" نکته‌ی مثبت و سازنده‌ی است و در صورت استقرار صلح و گماردن یک مرجع بین‌المللی یا مشترک برای رسیدگی به دعاوی و حل اختلافات و ترمیم خسارات، راه را برای تعیین مسئولیت‌های طرفین بویژه طرف مهاجم بازمی‌گذارد.

۳- در اعلامیه آنجا که اشاره می‌شود به اینکه "بعد از خروج نیروهای عراق از ایران و اعلام آمادگی دولت عراق برای تخلیه‌ی کامل نیروهایش..." گرچه ممکن است سلب در مرحله‌ی اول مبهم و ناروشن باشد، ولی باتوجه بیشتر معلوم می‌گردد که ظرافت جمله‌بندی این سند، حق مطلب را در خصوص حساسیت مسئله‌ی تخلیه و جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم و سوءاستفاده در حال حاضر و در آینده، ادا کرده است. بدین ترتیب که با اذعان به تخلیه‌ی خاک ایران توسط عراق، درج عبارت "تخلیه‌ی کامل" به ایران این اختیار را می‌دهد که در صورتی که کیلومترها و حتی یک وجب از خاک ایران هنوز در دست نیروهای عراق باشد در آینده هیچگونه نقطه‌ی ابهامی باقی نماند و تخلیه‌ی

کامل و بازگشت به پشت مرزها تحقق پذیرد. ناگفته نماند که اسناد مرزبندی طرفین بعد از قرارداد ۱۹۷۵ کاملا روشن و مشخص است و خود مرزبندی و میله‌گذاری و نقشه‌ها و اسناد کامل موجود در وزارت خارجه‌ی ایران و عراق که نسخه‌ای از آن نیز در سازمان ملل متحد موجود است، جای هیچگونه ابهام و اشکالی را در اجرای قرارداد صلح آینده باقی نخواهد گذاشت.

۴- آنچه باقی می‌ماند، مسئله‌ی غرامت و ترمیم خسارات است که آن‌هم پس از خاتمه‌ی جنگ و استقرار صلح، طرفین می‌توانند به یک مرجع مشترک و یا بین‌المللی و حکمیت، مراجعه و براساس ضوابط بین‌المللی، مسئله‌ی ترمیم خسارات و غرامتها را تقبل نمایند. بدون شک حقوق ملت ایران و خساراتی که متحمل شده است می‌تواند با ارجاع به این قبیل مراجع، تا سر حد امکان تامین و خسارات وحشتناک این جنگ ترمیم گردد.

ب: مسائل بحث‌انگیز و جنجالی این امر تقریبا همگی جنبه‌ی صرفا سیاسی و تبلیغاتی دارد که اهم آن بشرح زیر است:

۱- رژیم تهران با توجه به سیاست برنامه‌ریزی شده‌ی خود در مورد این جنگ و امید فراوانی که به ادامه‌ی آن دارد و آسمان و ریسمان‌هایی که درباره‌ی این جنگ در بلندگوهای خود به‌هم می‌بافد، در روزهای اخیر سعی کرد هم احساسات باصطلاح حزب‌اللهی و مذهبی مردم را برعلیه شورای ملی مقاومت و بویژه برعلیه سازمان مجاهدین تحریک کند و هم سعی نمود احساسات و عرق ملی و ملی‌گرایی طبقاتی از مردم بویژه ارتش را در

شکستی با هزاران کشته

حاصل رؤیای رژیم در مورد

“پیروزی نهائی” در “جنگ آخر”!!

بعد از چند ماه رکود در جبهه‌های جنگ، یکشنبه شب ۱۷ بهمن ماه امسال تهاجم جدید و گسترده‌ای از سوی رژیم خمینی به خاک عراق آغاز شد. این تهاجم برای رژیم خمینی که آنرا “عملیات والفجر” نامید از آن جهت که بخصوص طی آخرین سلسله تهاجمات گذشته‌اش (تحت عنوان عملیات رمضان، عملیات مسلم بن عقیل و عملیات محرم!) پیروزی چشمگیری بدست نیاورده و تلفات زیادی نیز متحمل شده بود. نقش و اهمیت ویژه‌ای داشت. بطوریکه یکی از اهداف اصلی تهاجم موسوم به “الفجر” مقابله با بحرانهای سیاسی اجتماعی و تخفیف مقطعی آنها بود. بهمین دلیل از روزها و حتی هفته‌های قبل از حمله، سردمداران جنایتکار رژیم مرتبا اخبار و اولتیماتوم می‌دادند که بزودی حمله‌ی نهائی به خاک عراق را آغاز و حکومت آن کشور را سرنگون خواهند نمود. تفاوتی که در موضعگیری‌ها و تبلیغات اینبار رژیم نسبت بدفعات قبل بچشم می‌خورد این بود که رژیم در این تهاجم از “جنگ آخر” و “درهم پیچیدن طومار حکومت عراق” و ... صحبت بمیان می‌آورد و شعارهایی از قبیل: “پیروزی بزرگ”، “تعیین سرنوشت نهائی”، “تعیین سرنوشت منطقه” و ... محور تبلیغاتش در ارتباط با جنگ را تشکیل می‌داد. طبعاً این تبلیغات از جانب رژیم بیان‌کننده‌ی این بود که رژیم ضدبشری خمینی روی این حمله حساب خیلی زیادی باز کرده و تمامی تلاش خود را برای تدارک یک تهاجم گسترده بکار گرفته است. در واقع سودای پیروزی بزرگ و اشغال خاک عراق و سرنگونی حکومت آن کشور را در سر می‌پروراند چنانکه سرمقاله‌ی روزنامه‌ی جمهوری در روز بیست و پنجم دی‌ماه چنین نوشت: “بدین ترتیب، دشمنان انقلاب اسلامی اعم از رژیمهای وابسته‌ی منطقه

و اربابان استعمارگر آنها همگی مایلند کاری کنند که جنگ تحمیلی باین زودیها پایان نرسد و بهار آینده راهم پشت سر بگذارد... درست بهمین دلیل است که ما باید سریعتر حرکت کنیم و به خواست خدا مسأله‌ی جنگ را هرچه زودتر فیصله بدهیم بطوریکه تا بهار آینده کلک صدام کنده شده باشد.” و در ادامه‌ی آن روزنامه‌ی جمهوری سی‌ام دی‌ماه طی سرمقاله‌ی خود نوشت: “اکنون خبر از طوفانی می‌آید که اگر از راه برسد همه چیز را برهم خواهد ریخت... می‌پرسید که چه خبر است؟ اگر صدام با اشاره‌ی سقوط کند... سپس انقلابی رخ خواهد داد. همه چیز بهم خواهد ریخت... صحنه بصورتی دیگر... انقلابی در پیش است، انقلابی بزرگ.” و در کنار آن سایر ننگین‌نامه‌های رژیم رسوای خمینی سرمست از سودای پیروزی، صفحات خود را از اخبار “اعزام رزمندگان تازه نفس به جبهه‌ها بمنظور شکست

سودای پیروزی بزرگ و سقوط حکومت عراق و استقرار باصطلاح جمهوری اسلامی در آن کشور تدارک دیده شده بود. اظهارات بعدی مسئولین جنایتکار رژیم نیز حکایت از این حمله و قریب‌الوقوع بودن آن می‌کرد. سوم بهمن ماه بود که موسوی خائنی نخست‌وزیر خمینی ضمن اینکه احتمال هرگونه صلحی را

انشاءالله این حمله‌ی آخری باشد که مواجه با شکست صدام باشد.” (جمهوری ۱۴/بهمن/۶۱) همان روز وزیر خائن سپاه ضدخلقی خمینی نیز طی مصاحبه‌ای گفت: “بزودی ملت نوید پیروزی بزرگ را خواهد شنید.” (اطلاعات ۱۴/بهمن/۶۱) دو روز قبل از حمله، رفسنجانی جنایتکار در نماز جمعه اعلام داشت: “منطقه، خودش را برای زندگی بدون صدام آماده می‌کند” (جمهوری ۱۶/بهمن/۶۱)

سرانجام شب هجدهم بهمن‌ماه تهاجم گسترده‌ی رژیم خمینی بخاک عراق در منطقه‌ی فکه آغاز شد. بلافاصله بعد از شروع حمله‌ی جدید، رادیو و تلویزیون و مطبوعات جیره‌خوار خمینی، طبق معمول دروغهائی را تحت عنوان اخبار جنگ عنوان کرده و پیروزی بزرگ و نزدیکی را وعده دادند! سردمداران رژیم هم که از قبل

می‌گیریم انتظار داریم که این آخرین عملیات رزمی ما باشد و سرنوشت نهائی منطقه را تعیین کند... در این مرحله‌ی حساس و نقطه‌ی عطف نظامی و سیاسی لازم است که باز بمردم عراق نوید بدهیم که خودشان را آماده بکنند برای زندگی بهتری بدون بعث ملحد عراق و حکومت عقلی‌ها... به آوارگان و مظلومان عراق نوید می‌دهیم که خودشان را آماده کنند برای برگشتن به گورشان.” (کیهان ۱۸/بهمن/۶۱). سایر مقامات درجه اول رژیم نیز مدعی پیروزی شده و این حمله را حمله‌ی نهائی و پایان کار حکومت عراق اعلام کردند و تا آنجا به پیروزی خود مطمئن شدند که از موضع قدرت برای کشورهای منطقه نیز خط و نشان کشیدند.

اما علیرغم تمام نیروها و امکاناتی که رژیم خمینی طی مدتی بالنسبه طولانی و با استفاده از

اگر چه بدلیل ماهیت ضدبشری و جنگ افروزمی نمی‌توان این تهاجم را بعنوان آخرین حمله‌ی رژیم تلقی کرد، ولی واقعیت اینست که رژیم خمینی در این حمله شکست سختی خورد و تلفات بسیاری نیز متحمل شد که طبعاً تا اثیرات عمیق خود را در تشدید نارضایتی‌های باز هم بیشتر مردم و گسترش بحرانهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی رژیم خواهد داشت.

شیوه‌های کوناگون - سرنیزه و عوامفریبی - بسیج کرده بود و بشری “امواج انسانی” و “گوشت دم توپ کردن جوانان ۱۲ تا ۱۶ ساله” و علیرغم همه‌ی ادعاها و تبلیغات عوامفریبانه، از همان ساعات اولیه، تهاجم رژیم با شکست سختی روبرو گردید و بسرعت میدان جنگ، تبدیل به گورستان هزاران کشته از افراد ایرانی که خمینی جنایتکار آنها را به جبهه‌ها اعزام کرده بود، گردید. منجمله در همان اولین تهاجم، حداقل پنجهزار نفر از نیروهای ایران کشته و تعداد زیادی که عمدتاً جوانان بین ۱۲ تا ۱۶ ساله بودند به اسارت درآمدند. تبلیغات رژیم حول پیروزی در جبهه‌های جنگ نیز بطور فاحشی فروکش کرد. خبر شکست رژیم در جبهه‌ی جنگ و تلفات انسانی بیش از اندازه‌ی آن بسرعت در داخل کشور و در میان مردم و همچنین در سطح بین‌المللی وسیعاً منعکس گردید. میزان تلفات و کشته‌های زیاد این شکست آنقدر روشن بود که رژیم برخلاف گذشته، از دعوت خبرنگاران خارجی برای بازدید از جبهه‌های جنگ صرف‌نظر نمود. ضمناً چند روز پس از آن هم که بقیه‌ی صفحه‌ی ۳۰

تدارک وسیع و همه‌جانبه‌ای دیده و سودای پیروزی در سر روزهای نخست تهاجم را در سر می‌پروراندند و حتی طبق ادعای رژیم، چند تن از آنها - منجمله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی و موسوی نخست‌وزیر - برای نظارت مستقیم بر این

فاطعانه رد کرد، اظهار داشت: “جنگ با پیروزی سیاسی - نظامی ایران پایان خواهد یافت.” (اطلاعات ۴/بهمن/۶۱) اظهارات صریح و قاطع سایر سردمداران رژیم در روزهای قبل از حمله مبنی بر “حرف آخر”، “نوید پیروزی” و “آخرین

در حالیکه خمینی عوامفریبانه سعی کرده بود تلفات زیاد جنگ را الاپوشانی کند، رفسنجانی تلویحاً به ابعاد عظیم تلفات رژیم اعتراف می‌کند. زیرا بنا به ادعای او تنها عامل محدود شدن تهاجمات رژیم جلوگیری از تلفات و خونریزی زیاد بوده است! و بدینسان ناخواسته دروغ پردازیهای قبلی خود و امام شیداش را بر ملا می‌کند. نکته‌ی جالب دیگر اینکه، رژیمی که تا چند روز قبل، فقط شعار جنگ و تهاجم می‌داد، پس از این شکست فضاحت بار، ناگهان خود را مخالف جنگ افروزی قلمداد می‌کند!

تهاجم به قرارگاه مرکزی در جبهه رفته بودند، با آغاز حمله به اظهار نظر حول “حمله‌ی نهائی و پیروزی قریب‌الوقوع” و سقوط حکومت عراق پرداختند و با اطمینان زیادی در باره‌ی آن سخن گفتند. رفسنجانی خائن صبح روز بعد از حمله و در آغاز جلسه‌ی مجلس ضدخلقی گفت: “بعد از انتظار طولانی مردم دیشب حمله‌ی سرنوشت‌ساز رزمندگان اسلام به دشمن بعثی عقلی‌ها آغاز شد و خوشبختانه با اسمی که گذاشته‌اند عملیات فجر، و با الهامی که از نام قرارگاه

عملیات” نیز حاکی از آن بود که رژیم بطور همه‌جانبه و با تمام قوا تهاجمی گسترده را تدارک دیده است، که باید در روزهای آینده منتظر آغاز آن بود. بخصوص اینکه رژیم قصد داشت پیروزی در جبهه‌های جنگ را چاشنی مراسم بی‌رونق سالروز حاکمیتش نیز بکند. منتظری جنایتکار، ولیعهد سفیه خمینی در ۱۲ بهمن ماه اظهار داشت: “ملت ایران، رهبر انقلاب و حضرت ولی عصر (عج) از شما انتظار دارد که این حمله‌ی آخر را به نحو احسن انجام دهید و

قطعی عراق و پیروزی نهائی جمهوری اسلامی” پرکردند. خمینی و رژیم جنگ‌افروزش که گویا امر بر آنها مشتبه شده بود و به پیروزی محتوم خود مطمئن بودند از پذیرفتن هیئتهای صلح سرباز زدند و اعلام کردند که: “تا هیئتهای صلح مطلب جدید و پیشنهاد قابل توجهی در برنامه‌شان گنجانده نشود آنها را نمی‌پذیریم.” تمامی این اقدامات قصد رژیم خمینی مبنی بر تهاجم جدید بخاک عراق را بخوبی نشان می‌داد. تهاجمی که با

اطلاعیة اتحادیة انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور در باره طیفی از ضد انقلابیون (مغلوب) دست نشانده و خارج نشین و دعاوی به اصطلاح دمکرات مآبانه و ملی گرایانه!! آنان

بنام خدا
و
بنام خلق قهرمان ایران

هم میهنان!

در شرایطی که مقاومت خونین و دوران ساز قهرمانان مجاهد خلق، رژیم ضد مردمی خمینی را به اضمحلال و تلاشی دچار ساخته و با سلب هرگونه چشم انداز بقاء، آنرا به پرتگاه نابودی و سقوط محتوم کشانده است؛ و در حالیکه هر روز شاهد ارتقاء بیشتر آلترناتیو دمکراتیک شورای ملی مقاومت و در محور آن سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران، در سطح داخلی و بین المللی می باشیم؛ مشاهده می شود که ضدانقلابیون ورشکسته و چهره های خوشنامی! همچون علی امینی و آزاده شفیق (دختر اشرف پهلوی) نیز در هر مجالی فرصت را مفتنم کرده و در حوض عجز و اضمحلال برعلیه سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت به لجن پراکنی می پردازند.

اتحادیة انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور که در پرتو مقاومت و جانبازی - های قهرمانانه و بی نظیر مجاهدین خلق ایران، و با سازمان دادن گسترده ترین مجاهدات افشاگرانه سیاسی، در تاریخ مبارزات دانشجویی، فریاد خشم و نفرت مردم ایران

اراجیفشان جوابی نداده اند، گمان کنند که گویا در اثر جنایتها و خیانت های خمینی واقعا هم آب رودخانهی انقلاب آنچنان سربالا می رود که حضرات هم می توانند تا دلشان بخواهد نغمه سرائی کنند!

شگفتا! نمی دانستیم مظاهر وطن پرستی و آزادی خواهی برای ایران خمینی زده می شود که در خارج چه کسانی هستند؟! لابد اینهم از ثمره ی خیانتها و جنایات خمینی و در شمار معجزات امام رجالگان است که بگور سپرده - شدگان تاریخ سیاسی ایران نیز در محشر خمینی جان گرفته اند و اوضاع را آنچنان مغشوش و درهم می پندارند که امثال "آزاده شفیق" آزادی خواه می شود! و امثال و نظایر علی امینی تحت عناوین مختلف، لاف "وطن پرستی" می زنند و داعیة ملی گرایی سومی دهند!

البته در شرایطی که خمینی کشتار زنان باردار و کودکان خردسال را نشان اسلامیت می شناسد و انهدام تمامی بنیادهای اقتصادی کشور و تاراج و چپاول سرمایه های ملی و به کام مرگ فرستادن دهها هزار نوجوان ایرانی را در میدانهای مین؛ نشان مردم گرایی می شمارد؛ چرا در میان مردگان سیاسی که به معجزه ای! او قدامت کرده اند، عاقد قرارداد ننگین کنسرسیوم و عضو کابینه کودتا (برعلیه دولت پیشوای فقید نهضت ملی

البته معلوم است از کدام خزانه "غیب"! تغذیه می شوند) با نام و بی نام و یا به اسامی مستعار برای "سانسور" در نشریات مجاهدین دل می سوزانند و یا همچون مقام امنیتی رژیم شاه و دادستان های جنایتکار رژیم خمینی، به کم بودن فرصت مطالعه و تفکر هواداران مجاهدین خرده گرفته و فی المثل می نویسند: "طبیعت سازمان های نظامی و شبه نظامی این است که این سازمان ها در دوران رشد و گسترش به مناسبت لزوم عامل نظم و انضباط عملیاتی میل به گسب دستور به صورت سلسله مراتب می کنند و در گشاکش عملیات روزمره فرصتی برای سوال پیش نمی آید و اطاعت گورگورانه جانشین

و عده ی تکیه زدن بر صندلی ریاست جمهوری ایران به آقای طارق عزیز پیش فروش می نماید...".
و سرانجام با همهی کارکشتگی و احتیاط کاری های ضد انقلابی اش، کار معرکه گیری او در سر پیری سر به رسوائی می زند و به آنجا می رسد که پدر طالقانی نیز به خاطر اینکه نگذاشته است امثال او بر پرسنل میهن پرست ارتش ایران مسلط باشند در نشریات او چنین مورد حمله قرار می گیرد: "... آخوند طالقانی پدر روحانی و مراد مجاهدین خلق در پشتیبانی و حمایت این طرح مخرب و مزورانه با حرارت سخن می گفت و در خطبه ها، سخنرانی ها و مصاحبه ها ضمن

خیانت های گذشته ی آنان که در رده های تصمیم گیری سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت قرار دارند، بیوشد به خاطر ارتکاب این خیانت باور نکردنی به میهن و ملت ایران در زمان جنگ، اتهام تازه ای متوجه آنان است که به محض فراهم آمدن امکان باید در دادگاه های مسئول رسیدگی به جنایات جنگی محاکمه و مجازات شوند. مجازاتی که بی تردید خون آنان را بر همی ایرانیان وطن پرست مباح می سازد...".
براستی که مضحک عجبی است، خمینی دجال و ضد بشر کار را به آنجا رسانده که مردگان و مرتبطان رژیم پیشین نیز در قبر، زبان گشوده و بجای ندامت و عذر تقصیر خواستن از ملت ایران و استرداد اموال به یغما برده ی مردم و یا لااقل بسنده کردن به خوشگذرانی، و عیش و عشرت معمول، اکنون طلبکار هم شده و همچون گذشته ها باز هم از پدر طالقانی و برادر مجاهد مسعود رجوی گرفته تا ما دانشجویان انقلابی رابه "خرابکاری"، "وطن فروشی"

ضد انقلاب غالب و مغلوب با یستی ما را به تیره ترین رنگ ها بیالایند و این البته نه تنها حاکی از دوران جدیدی از تگملم مرزبندی های میان انقلاب و ضد انقلاب است بلکه ضمنا نشان می دهد که ما در گارمان به موفقیت های بزرگی نیز دست یافته ایم. موفقیت در گور کردن بسیاری از شانس های ضد انقلاب و ما نیز از تگملم مرزبندی میان مقاومت انقلابی و انواع و اقسام آلترناتیوهای ضد انقلاب بی بغایت استقبال می کنیم.

برخورد آراء و عقاید می شود... ما از آن طرفداران جوان شورای ملی مقاومت که منتظر ارزیابی های آینده نشسته اند و اطاعت گورگورانه را آسان تر از تفکر و اظهار رای می دانند می پرسیم که معنای این کار خدمت است یا خیانت؟"

تایید و توصیه ی نظام شورائی، برای ایجاد اختلال بیشتر در صفوف نیروهای مسلح به مردم خوش باور و ناآگاه تلقین می کرد و فتوا می داد که یک پلیس ساده خالی از تجربه و تحصیل و تخصص می تواند به سازمانی که مجهزترین آزمایشگاه های گشک جرم و زبده ترین متخصصین تعقیب مجرمین را در اختیار دارد فرماندهی کند و رئیس شهربانی کل کشور شود...".
سپس در همین ردیف نوبت به آزاده شفیق و نشخوار خاطرات بدکاری های کهن در دوران دای جان آریامهر می رسد و نامبرده غافل از اینکه خلق قهرمان ایران و مجاهدین خلق ایران مدت ها است که آن سبورا بشکسته و آن پیمانها را بدور ریخته اند مجددا پنبه دانه در خواب دیده و رده های تصمیم گیری سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت را در دادگاه نظامی می نشانند و در رابطه با بیانیة مسئول شورا و نایب نخست وزیر عراق می نویسند: "... حتی اگر ملت ایران چشم بر همی جنایات و

و "اطاعت گورگورانه" متهم می کنند و لاف از آزادمنشی و وطن خواهی و عدم وابستگی (بخصوص عدم وابستگی به عراق) نیز می زنند. که گویا کسی، امثال علی امینی را به وابستگی با عراق متهم نموده است!! غافل از اینکه نه فقط دوران شیخ فضل الله و دای جان محمد علی شاه به پایان رسیده بلکه دوران عوام فریبی خمینی دجال نیز در پرتو قهرمانی ها و عملیات مقدس انتحاری مجاهدین خلق ایران رو به اتمام است و علیهذا هر کسی می داند که خواهرزادگان محمد علی شاه و محمد رضاشاه از اصل و تا بن استخوان به کدامین مراکز استعماری وابسته اند و در این مورد حضرات بی جهت خود را به کوچ "علی چپ" می زنند. هر چند که پنتاگون و سیا نیز ورشکستگان به تقصیری نظیر اینان را دیگر چندان جدی نگرفته و در مطبوعات غربی نیز بارها بطور آشکارا از بی عرضگی، بی پایگی و فساد و بی شانس آن ها ابراز نارضایتی بقیه در صفحه ۲۹

امروز نیز در حالیکه برگات و ثمرات مقاومت عادلانه ی خلق و سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت برای درهم شکستن سیاست خیا نتبار و جنایتکارانه ی خمینی اظهر من الشمس است و رژیم ضد ملی و ضد مردمی خمینی را در بن بست وحشتناک داخلی و بین المللی قرار داده، باز هم مشاهده می کنیم که ضد انقلابیون مغلوب که در ارتقاء و پیروزی آلترناتیو دمکراتیک، بر بسا در فتن همی امید های خیالی خویش را به عیان نظاره می کنند، با خمینی همصدا شده و در عمل با پشتیبانی از همان سیاست های خمینی - بالاخص در قبال دامه ی جنگ - بر مجاهدین می تازند.

را در اقصی نقاط جهان طنین - افکن نموده است، وظیفه ی خود می بیند که در رابطه با این تلاش های مذبحانه ی ضد انقلابیون مغلوب، مطالبی را به اطلاع هموطنان عزیز برساند. بویژه که ممکن است امثال "آزاده شفیق" و "علی امینی" بدلیل اینکه مجاهدین، آنها را قابل پاسخوئی ندانسته و به

ایران دکتر محمد مصدق) خود را وطن خواه ننامد؟ و یا تربیت شده ی دامان اشرف پهلوی دم از دمکراسی و آزادی خواهی نزنند؟! و اکنون دامنه ی این لاف و گزافه های در غربت، که شوخی های ابلهانه ی اشرف زادگان کهن در خماری "قدرت" را منعکس می کند، بدانجا رسیده که ننگین نامه های علی امینی (که

البته کار به همین جا پایان نمی پذیرد و وطن فروش بنام تاریخ معاصر ایران در ورق پاره های خود اینگونه داد سخن می دهد: "... رئیس شورای ملی مقاومت معلوم نیست به چه حقی و به استناد چه اختیاری به امضاء آن قرارداد ترکمن چای دست می زند و تمامیت ارضی ایران را به

آموزش ویژه هسته‌های مقاومت مسلحانه (۳)

طراحی عملیات

بقیه/صفحه‌ی آخر

می‌کند، منتها برای انجام هر عمل، تاکتیک مشخصی در پیش گرفته می‌شود که "طراحی" عمدتاً پیرامون آن شکل می‌گیرد. برای اجرای عمل نظامی، متناسب با شرایط، نوع عمل و توانایی واحد عملیاتی، تاکتیک‌های متعددی وجود دارد که به‌عنوان مثال می‌توان از تاکتیک‌های کمین، انفجاری، اشتعالی و متحرک (گشتی) نام برد.

باتوجه به اینکه خط استراتژیک مرحله‌ی کنونی نابودی سرپنجه‌ها و عمال اجرائی اختناق و دیکتاتوری است، استفاده از طرح "کمین" گستردگی و زمینه‌ی بیشتری دارد. "کمین" عبارت است از تاکتیک‌هایی که در آن، واحد عملیاتی، تحت پوشش مناسبی در نقطه‌ای به انتظار "سوز" می‌ایستد و به این ترتیب صحنه‌ی اجرای عملیات را از قبل مشخص می‌نماید.

در این سری از سوال و جوابها، سعی شده است که ضمن ارائه‌ی اصول کلی طراحی، پیرامون طراحی تاکتیک کمین، بیشتر توضیح داده شود. "طراحی عملیات" با تاکتیک‌های مختلف، بطور اصولی با یکدیگر تفاوتی ندارند، ولی به لحاظ اجرائی در بعضی موارد شاید کیفیتاً فرق داشته باشند. بنابراین از مطالبی که پیرامون طراحی گفته می‌شود می‌توان برای انواع عملیات - با تاکتیک‌های مختلف - استفاده کرد.

● سوال ۳۳ - "طراحی عملیات" چیست و چه ضرورتی دارد؟

جواب: پس از تکمیل "شناسائی" پیرامون سوزی عملیاتی، اجرای عمل نیاز به "طرح عملیات" دارد. "طرح عملیات"، همانگونه که اشاره کردیم عبارتست از مشخص کردن مرحله به مرحله‌ی چگونگی پیاده کردن عملیات از ابتدا تا انتها.

این طرحریزی طبیعتاً نیازمند توان فکری و تئوریک بوده و باید توسط کسانی انجام شود که خود از نزدیک با مسائل نظامی و اجرائی عملیات آشنائی داشته باشند. همچنین مسائل و اتفاقاتی که ممکن است بطور ناخواسته، در طول اجرای عمل پیش بیاید، در طرح عملیات مورد بررسی قرار می‌گیرد تا آمادگی‌های ذهنی و اجرائی لازم، برای آنها ایجاد و کسب گردد.

بعنوان مثال وقتی که شما بخواهید برای اعدام انقلابی یک مزدور که هر روز از خانه به محل کارش می‌رود اقدام کنید در درجه‌ی اول نیاز به "اطلاعات و شناسائی" دارید. شناسائی، اولین مرحله از مراحل چهارگانه‌ی اجرائی عملیات می‌باشد. (برای توضیح بیشتر به مقاله "اطلاعات و شناسائی" در شماره‌ی ۱۴۰ نشریه‌ی مجاهد مراجعه کنید). مرحله‌ی دوم، طراحی است که

بتوانید اقدامات لازم را در رابطه با آن انجام داده و آمادگی‌های کافی کسب نمائید. هر اندازه که برای "طراحی" انرژی بگذارید و مسائل را ریزتر و دقیق‌تر و بیشتر مورد بحث و بررسی قرار دهید، در صحنه‌ی اجرای عملیات از آمادگی، تسلط و توانائی بیشتری برخوردار خواهید بود. طراحی را می‌توان از جنبه‌ای به برنامه‌ریزی یک کوهنوردی تشبیه کرد که اگر قبل از کوهنوردی فکر نکنید که به چه وسائلی، لباس‌ها و مواد غذایی و ... نیاز دارید، در هنگام کوهنوردی سرما و گرسنگی شما را از پای خواهد انداخت. به همین ترتیب، وقتی رزمنده‌ای بداند چه عملی می‌خواهد بکند و چگونه می‌خواهد آن را انجام دهد، آمادگی‌های لازم را کسب می‌کند و در این صورت موفقیت وی بیشتر قابل تضمین است. بنابراین به طراحی عملیاتی به‌عنوان یک کار پیچیده که نیازمند فکر و بحث جمعی و تعمق است بنگرید و از هرگونه ساده‌گویی بپرهیزید.

● سوال ۳۵: ارتباط طراحی عملیات با شناسائی چه می‌باشد؟

جواب: همانطور که قبلاً گفته‌ایم هر عمل نظامی از چهار مرحله‌ی کسب اطلاعات و شناسائی، طراحی، تهیه‌ی تدارکات و مهمات و اجرای عمل، تشکیل می‌شود. به این ترتیب شناسائی و طراحی در ارتباط مستقیم با یکدیگر قرار دارند. هر چه شناسائی دقیق‌تر و کامل‌تر باشد، طرح عملیات را می‌توان جامع‌تر تهیه نمود.

"سوز" ، مسلح نیست ولی در هنگام اجرای عمل ناگهان با سلاح او روبرو شوید، چگونه باید عمل نمائید؟ بطور کلی پارامترهای متغیر را باید مشخص کرد و شقوق مختلف آن را بررسی نمود و برای هر کدام پاسخ معینی در ذهن داشت تا در صحنه‌ی اجرائی عمل بتوان با آمادگی کامل قبلی با آنها برخورد نمود. به این ترتیب ضرورت طراحی چه در رابطه با کسب آمادگی عمومی و چه در رابطه با کسب آمادگی برای برخورد با پارامترهای متغیر، روشن می‌شود. هرگونه کم‌بها دادن به آن وضع و اشکال در طراحی می‌تواند عمل را متوقف کرده و یا با شکست روبرو سازد. در صورتی که با یک تصویر و طرح مشخص قبلی، پایه‌ی حیطه‌ی انجام عمل بگذارید، تسلط و توانائی شما بالاتر رفته و تضمین موفقیت عمل بمراتب افزایش پیدا می‌کند.

● سوال ۳۴: "طراحی عملیات" چه ارزش و اهمیتی دارد و با آن چگونه باید برخورد نمود؟

جواب: وقتی که واحد عملیاتی برای پیاده کردن و اجرای عمل نظامی، از قبل طرح مشخصی در دست داشته و با آگاهی و اشراف کامل، قدم به صحنه‌ی عملیات بگذارد، تسلط،

"طرح عملیات"، همانگونه که اشاره کردیم عبارتست از مشخص کردن مرحله به مرحله‌ی چگونگی پیاده کردن عملیات از ابتدا تا انتها. این طرحریزی طبیعتاً نیازمند توان فکری و تئوریک بوده و باید توسط کسانی انجام شود که خود از نزدیک با مسائل نظامی و اجرائی عملیات آشنائی داشته باشند. همچنین مسائل و اتفاقاتی که ممکن است بطور ناخواسته، در طول اجرای عمل پیش بیاید، در طرح عملیات مورد بررسی قرار می‌گیرد تا آمادگی‌های ذهنی و اجرائی لازم، برای آنها ایجاد و کسب گردد.

بعنوان مثال اگر در هنگام شناسائی، ساعت خروج "سوز" از منزلش دقیقاً مشخص نشده باشد و بالنتیجه نتوان زمان اجرای عمل را در طراحی کاملاً مشخص کرد واحد عملیاتی ناچار است که مدت نامعینی در منطقه‌ی عمل منتظر سوز باشد، که طی این مدت ممکن است هر مسئله‌ای پیش بیاید. و یا اگر در مرحله‌ی شناسائی، کوچه‌های بن‌بست و غیربن‌بست کاملاً مشخص نشده باشد ممکن است که در هنگام عقب‌نشینی فرد نتواند از مسیری که در هنگام طراحی مشخص شده است عقب‌نشینی نماید و ناچار وارد کوچه‌های بن‌بست شده و گرفتار گردد.

به‌رحال شناسائی و طراحی رابطه‌ی مستقیم با یکدیگر دارند و می‌توان گفت که شناسائی مقدمه‌ای برای طراحی است. نقص و کمبود در شناسائی، ضعف در طراحی را به همراه دارد و کامل و دقیق بودن شناسائی، طراحی صحیح و جامع را ممکن می‌سازد. کیفیت طراحی نیز در نحوه‌ی اجرای عمل مستقیماً تاثیر دارد. اما نکته‌ای را که در همین‌جا باید تذکر داد این است که طرحریزی عملیات مبتنی بر شناسائی است و همانگونه که در مقاطعی ممکن است شرایط و غلظت نظامی شهر اساساً اجازه‌ی انجام "شناسائی دقیق و کامل عملیات" را ندهد و عملیات بدون شناسائی انجام شود، طبعاً طراحی نیز شکل خاص خود را از دست می‌دهد. در چنین شرایطی رزمندگان مجاهد خلق می‌توانند تنها با بدست آوردن اطلاعات و سرخ‌های اولیه، و با تکیه بر آموزش‌هایی که دیده و یا تجاربی که دارند، اقدام به اجرای عملیات کنند و در همان صحنه‌ی عملیات به همان شکل که شناسائی را تکمیل می‌نمایند، طرح اجرائی عمل را ریخته و در یک فرصت مناسب اقدام کنند. (برای توضیح بیشتر در این زمینه و درک اهمیت آن به مقاله‌ی "اطلاعات و شناسائی" نشریه‌ی مجاهد - ۱۴۰ - مراجعه کنید.)

● سوال ۳۶: در طراحی چه نکاتی را باید مدنظر قرار داد و مشخص کرد؟

جواب: همانگونه که قبلاً گفتیم طراحی، مشخص کردن چگونگی اجرا و پیاده کردن مراحل عملیات و سپس توجیه کامل افراد عمل‌کننده بر مبنای آن می‌باشد. برای اینکه بدانیم در طراحی به چه مسائلی باید پاسخ داد، لازم است که نسبت

برعکس، هرگونه ضعف، اشکال و اشتباه در شناسائی مستقیماً در طراحی اثر گذارده و آن را با ابهامات و ضعف‌های بیشتری همراه می‌سازد. روشن است که هرگونه ضعف در طراحی، در اجرای عملیات نیز تاثیر مستقیم و مشخص دارد. اغلب عملیاتی که تاکنون با موفقیت همراه نبوده و یا ناقص انجام شده است، یا به دلیل ضعف در شناسائی بوده و یا بطور مشخص در طراحی آن اشکال وجود داشته است.

توانائی و دینامیزم وی در صحنه‌ی عملیات افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا می‌کند. از اینرو طراحی، یکی از مراحل جدی و همچنین پیچیده‌ی عمل نظامی است و باید با درک ارزش و اهمیت آن از هرگونه برخورد ساده‌اندیشانه پرهیز نمود. زیرا مسئله‌ای را که فردا در صحنه‌ی عمل نظامی حتماً با آن روبرو خواهید شد و ناچار از پذیرش آثار و عوارض آن هستید، بهتر است همین امروز در هنگام طراحی به ذهن بیاورید، تا

مزل دور شده است؟

پس از تعیین شیوه‌ی مشخص اجرای عمل، پیرامون مسائل و مواردی که ممکن است طرح را در صحنه‌ی عمل برهم بزنند، نیز باید به بحث بنشینید و پاسخ‌های مناسب هر مورد را بیابید. مثلاً اگر سوز هر روز از مسیر مشخصی می‌رود، در صورتی که در روز اجرای عمل مسیر خود را تغییر داد، در این صورت چه باید بکنید؟ یا اگر شما نحوه‌ی اجرای عمل را با این فرض تعیین کرده‌اید که

آموزش ویژه هسته‌های مقاومت مسلحانه (۳)

طراحی عملیات

به مراحل اجرائی یک عمل، آگاهی داشته باشیم. اما قبل از آن باید دانست که اساسا طراحی در چه فضائی از غلظت نظامی و توانائی‌های بالفعل و بالقوهی دشمن انجام می‌شود. توانائی‌های بالفعل دشمن همان نیروهائی هستند که بطور ثابت در سطح شهر فعال می‌باشند. توانائی‌های بالقوهی او نیروها و امکاناتی هستند که دشمن پس از انجام عملیات انقلابی بسیج می‌کند و به میدان می‌آورد تا رزمندگان را بدام بیاورد.

با چگونگی و "تاکتیک اجرائی عمل" می‌باشد. تقسیم‌بندی و تجزیه‌ای که در بالا ذکر کردیم فقط به خاطر تفهیم بهتر و بیشتر مطلب است. همچنین باید گفت؛ بحثی که در اینجا پیرامون طراحی عملیات می‌شود، بیشتر مربوط به عملیات شهری است و هر چند که طراحی در کوه و جنگل به لحاظ اصول تفاوتی با طراحی عملیات شهر ندارد ولی نیازمند بحث جداگانه‌ای می‌باشد.

● سوال ۳۷: برای تعیین "زمان عمل" در هنگام طراحی

و از منطقه خارج شود. نکتهی دیگری که در هنگام طراحی در رابطه با "زمان عمل" باید مد نظر باشد، اینست که تعیین وقت خروج از پایگاه، زمان طی مسیر تا صحنه‌ی عملیات، مدتی که اجرای عمل طول می‌کشد و سرانجام زمان عقب‌نشینی و خروج از منطقه، دقت ویژه‌ای را می‌طلبد. توضیح اینکه در یک تردد معمولی برای انجام کارهای غیر عملیاتی، ممکن است بتوانید چندین دقیقه زودتر و دیرتر حرکت کنید ولی در عملیات نظامی باید این تقریب را به حداقل ممکن برسانید. در این زمینه، محاسبات را با دقت انجام دهید تا عملیات، بر مبنای "طرح" پیش بینی شده، اجرا

"طراحی عمل نظامی" یک کل و مجموعه‌ی بهم وابسته‌ی می‌باشد و نمی‌توان آنها را تجزیه کرده و بطور جداگانه به حل و فصل هر یک از اجزای آن پرداخت. مثلا هیچگاه "چگونگی عقب‌نشینی"، "از زمانی که برای اجرای عمل" مشخص می‌شود، جدا نیست. و یا "سازماندهی عملیات اعضای تیم"، "اساسا در رابطه با چگونگی و "تاکتیک اجرائی عمل" می‌باشد.

بنابراین اساسا عملیات را باید با توجه به توانائی‌های دشمن، طراحی کرد. زیرا حد توانائی دشمن مستقیما در طراحی تاثیر می‌گذارد تا آنجا که در بعضی شرایط، عمل باید بدون شناسائی و طراحی و در حین گشت و تحرک انجام شود. با توجه به این موضوع، اینک به توضیح مراحل اجرائی عملیات می‌پردازیم:

مراحل اجرائی یک عمل نظامی را پس از شناسائی می‌توان به اجزای زیر تقسیم نمود: تعیین زمان عمل - چگونگی ورود به منطقه - چگونگی اجرای عمل - عقب‌نشینی و نحوه‌ی خروج از منطقه - تهیه‌ی تدارکات و مهمات مورد نیاز و سرانجام سازماندهی عملیات یا آرایش نظامی تیم یا تیم‌های عمل‌کننده.

قبل از پرداختن به توضیح هر یک از اجزای فوق، باید تذکر داد که "طراحی عمل نظامی" یک کل و مجموعه‌ی بهم وابسته می‌باشد و نمی‌توان آن‌ها را تجزیه کرده و بطور جداگانه به حل و فصل هر یک از اجزای آن پرداخت. مثلا هیچگاه "چگونگی عقب‌نشینی" از "زمانی که برای اجرای عمل" مشخص می‌شود، جدا نیست. و یا "سازماندهی عملیات اعضای تیم"، اساسا در رابطه

به چه نکاتی باید توجه کرد؟
 جواب: تعیین زمان اجرای عمل، بستگی به شرایط نظامی و وضعیت ویژه "سوژه" دارد و بطور کامل در اختیار ما نیست. همچنین حد شناسائی و اطلاعاتی که از "سوژه" بدست آمده است نیز در تعیین زمان عمل، دخالت دارد. مثلا در رابطه با یک سوژه ممکن است که شما بتوانید فقط زمان خروج وی را از منزل بدست بیاورید. بنابراین زمان عمل ناچار در همان‌موقع خواهد بود. در حالیکه ممکن است زمان بازگشت "سوژه" به منزل، برای انجام عمل و نیز بلحاظ شرایط ورود به منطقه و عقب‌نشینی مساعدتر باشد. مثلا شب باشد و تاریکی هوا در انجام عمل، تاثیر مثبت بگذارد و ... اگر دست شما برای تعیین زمان عمل، باز بود، زمانی را انتخاب کنید که سوژه‌ی مورد تهاجم، بیشترین ضربه‌پذیری را داشته باشد و بتوان در بیشترین حد و اندازه‌ی ممکن، او را غافلگیر کرد. غافلگیری در شرایطی ممکن است که از یک طرف، سوژه کمترین آمادگی برای عکس‌العمل و دفاع از خود را دارد و از طرف دیگر واحد عملیاتی، حداکثر آمادگی را داشته و می‌تواند در حداقل زمان، عملیات را انجام داده

منطقه‌ی عملیات رفته و در آنجا به یکدیگر ملحق شوند. در این صورت برنامه‌ریزی دقیق ورود و وصل شدن افراد به یکدیگر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا هرگونه اختلال در آن، حداقل اجرای عمل را به تعویق می‌اندازد. در بعضی شرایط، شاید لازم باشد که سلاح و مهمات را یک فرد دیگر حمل کرده و در منطقه‌ی عمل به افراد واحد عملیاتی تحویل دهد. بعضی عملیات ممکن است بوسیله‌ی افرادی انجام شود که پایگاه استقرار آن‌ها جدا از همدیگر باشد. همچنین منطقه‌ی عمل می‌تواند از موقعیتی برخوردار باشد که ورود ناگهانی چندین نفر به آنجا جلب توجه کرده و دشمن را هوشیار نماید. در تمام این موارد، و همچنین موارد مشابه دیگر نیز افراد باید بطور جداگانه، وارد منطقه شده و در آنجا بهم وصل شوند. برنامه‌ریزی چنین کاری باید در هنگام طراحی، با دقت هر چه بیشتر انجام شود.

برنامه‌ی ورود افراد به منطقه‌ی عمل را در صورت لزوم می‌توان به صورت مکتوب درآورد تا به هیچ‌عنوان فراموش نشود.

هر اندازه که عملیات، بزرگ‌تر و پیچیده‌تر باشد و لزوما تعداد نفرات بیشتری در آن شرکت داشته باشند، ورود و استقرار افراد در منطقه‌ی عمل، حساس‌تر و نیازمند ارزیابی دقیق‌تری است؛ زیرا احتمال اشتباه، زیادتر می‌شود. اگر در هنگام طراحی، نسبت به تمام مسائل ورود به

گردد.
 ● سوال ۳۸: در طراحی نحوه‌ی ورود به منطقه‌ی عمل، چه نکاتی را باید در نظر داشت؟
 جواب: پس از تعیین زمان عمل و بدست آوردن تصویر کلی عملیات، باید در مورد چگونگی ورود به منطقه‌ی عمل، طرح‌ریزی کرد. چگونگی ورود، مشروط به غلظت نظامی سپهر،

طرح‌ریزی عملیات مبتنی بر شناسائی است و همان‌گونه که در مقاطعی ممکن است شرایط و غلظت نظامی شهر اساسا اجازه‌ی انجام "شناسائی دقیق و کامل عملیات" را ندهد و عملیات بدون شناسائی انجام شود، طبعاً طراحی نیز شکل خاص خود را از دست می‌دهد. در چنین شرایطی رزمندگان مجاهد خلق می‌توانند تنها با بدست آوردن اطلاعات و سرنخ‌های اولیه، و با تکیه بر آموزش‌هایی که دیده‌ی و یا تجاربی که دارند، اقدام به اجرای عملیات کنند و در همان صحنه‌ی عملیات به همان شکل که شناسائی را تکمیل می‌نمایند، طرح اجرائی عمل را ریخته‌ودریک فرصت مناسب اقدام کنند.

تعداد نفرات، وسیله‌ی نقلیه و شرایط مسیر و منطقه‌ی عمل می‌باشد. در بعضی مواقع، غلظت نظامی شهر و موقعیت محل، این اجازه را می‌دهد که افراد واحد عملیاتی به همراه هم و بوسیله‌ی خودروی عملیاتی، طول مسیر را طی کرده و به صحنه‌ی اجرای عمل بروند. اما اگر شرایط نظامی چنین اجازه‌ای را ندهد، لازم است که افراد بطور جداگانه به

منطقه، نوجیه شده و آمادگی ذهنی کافی کسب کرده باشید؛ طبیعتاً تسلط بیشتری خواهید داشت و دچار هیجان و شتابزدگی نمی‌شوید. سالم طی کردن مسیر پایگاه تا صحنه‌ی عمل و ورود صحیح به آنجا اولین قدم اجرائی برای انجام موفقیت آمیز عمل است.
 ● سوال ۳۹: طراحی "اجرای عمل" چه نکاتی را در بر دارد؟
 جواب: بعد از "شناسائی" کروکی منطقه‌ی اجرای عمل با

دقت و ریزه‌کاری رسم می‌شود و می‌توان با استفاده از آن محل عملیات را مشخص کرد. در تعیین محل عملیات، به نکات زیر توجه داشته باشید:

- محل عملیات از حداکثر امکانات طبیعی برای سنگ‌گیری و پوشش‌های لازم دیگر برخوردار باشد.
- زاویه‌ی آتش، مناسب باشد بنحوی که نسبت به سوژه‌ی مورد تهاجم، تسلط کامل ایجاد گردد.
- امکان حمله از پشت و یا محاصره‌ی محل، حتی المقدور وجود نداشته باشد. مثلا پشت عمل‌کنندگان کاملا باز نبوده و فقط دارای یک راه خروجی نباشد.
- ضربه‌پذیری سوژه بالا باشد و بتوان وی را غافلگیر کرد. مثلا سر یک پیچ باشد تا اگر سوژه با اتومبیل حرکت می‌کند بطور طبیعی سرعتش کم شود.
- همچنین صحنه‌ی عمل باید بنحوی انتخاب شود که بتوان پس از اجرای عمل براحتی عقب‌نشینی کرد و از منطقه خارج شد. مثلا حتی المقدور نباید انتهای یک کوچه باریک، طویل و بن‌بست را برای انجام عمل هرچند هم مناسب باشد، انتخاب کرد.

البته ویژگی‌هایی که گفتیم تماما در یک محل جمع نمی‌شود، اما هنگام طراحی باید با در نظر گرفتن موارد فوق، بهترین و مناسب‌ترین محل را انتخاب کنید، بنحوی که بتوانید بیشترین تسلط را بر صحنه‌ی عمل داشته باشید و در حداقل زمان، عملیات را انجام بدهید.
 ● سوال ۴۰: در طراحی "مسیر خروج و عقب‌نشینی" به چه نکاتی

باید توجه داشت؟
 جواب: پس از اجرای عمل باید از منطقه‌ی عملیات، عقب‌نشینی کرد. اصل اساسی حاکم بر عقب‌نشینی، "سرعت" و "باقی نگذاشتن هیچ‌گونه ردی" در منطقه‌ی عمل می‌باشد. پس از خروج از منطقه‌ی عمل بر "تفرق" است. یعنی رزمندگان باید در شرایط و نقاط مناسبی از یکدیگر جدا شده و به تنهایی به پایگاه بازگردند. اتخاذ این شیوه، هم بقیه در صفحه‌ی ۲۷

محکومیت رژیم ضد بشری خمینی در اجلاسیه "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد"

گزارش اجلاس اخیر "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد" در ژنو

تسلیم گردید. که ذیلا پارهای از آنها ذکر می‌شوند:

الف - "در جنگ با بشریت"

کتابی حاوی گزارشات بد رفتاری و شکنجه، اعدام‌های بدون محاکمه و پراکنده که زنان و کودکان را نیز در برمی‌گیرد. کتاب حاوی لیست قربانیان و شرایط زندان‌ها می‌باشد.

ب- بیانیه‌ای از ۱۸ نفر که بدفتر سازمان مجاهدین خلق ایران در پاریس تسلیم شده که در آن گفته شده که آنها و اعضای خانواده‌هایشان مورد رفتار خسونت‌آمیز عوامل دولتی قرار گرفته‌اند.

ج- رونوشت شکایت‌نامه‌ها که توسط خانواده‌های قربانیان بر علیه دولت ایران نوشته شده و شورای ملی مقاومت در پاریس را خطاب قرار می‌دهد.

د- جدولی که ۵۰۰ مورد نقض حقوق بشر در ایران را ادعا می‌کند و توسط اعضای خانواده‌های قربانیان و یا دوستان آنها تهیه و تنظیم شده است.

ه- بیانیه‌ای که در ۱۰ مارس ۱۹۸۲ توسط دفتر سازمان مجاهدین خلق ایران صادر شده و عنوانش "کشتار دستجمعی پزشکان در ایران" می‌باشد.

سرخ جهانی، و سایر سازمان‌های بشردوستان بین المللی بخوبی مشهود است. لازم بیادآوری است که در سال گذشته افشاکری‌های مذکور در کلیه گردهم‌آئی‌های سازمان ملل متحد که بگونه‌ای با حقوق بشر ارتباط داشتند، ادامه یافت. از جمله: "کمیته حقوق بشر" و "کمیسیون فرعی حقوق بشر" ملل متحد که اولی در ژوئیه و دومی در اکتبر ۱۹۸۲ در ژنو

گردهم‌آئی داشت. همچنین مجمع عمومی ملل متحد در ماه نوامبر و دسامبر همان سال در نیویورک؛ در همه‌ی این اجتماعات نامه‌ها و گزارشات مستند ارسالی از دفتر برادر مجاهد مسعود رجوی جزئیات نقض حقوق بشر در کشور ما را افشاء می‌نمود. سرانجام روز ۲۸ فوریه ۱۹۸۳ گزارش (۶۰ صفحه‌ای) مورخ ۲۲ فوریه دبیر کل سازمان ملل متحد (E/CN.4/1983/19) به کمیسیون حقوق بشر در ژنو ارائه شد. در این گزارش دبیر کل ملل متحد که نتوانسته بود بایران رفته و وضع حقوق بشر را

همچنین بیش از ۶۰۰ سازمان غیردولتی که بوسیله‌ی "کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل" برسمیت شناخته شده و بالقوه حق شرکت در کمیسیون حقوق بشر را دارند و همچنین سایر سازمان‌ها و شخصیت‌های فعال در زمینه‌ی حقوق بشر و مطبوعات، از آنها درخواست نمود که در قبال رژیم خمینی ساکت ننشسته و وی را محکوم نمایند.

در نتیجه‌ی این اقدامات بالاخره در روز یازدهم مارس ۱۹۸۲ سی و هشتمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد طی قطعنامه‌ای که با اکثریت آراء بتصویب کشورهای عضو رسیده بود، کمال اضطراب خود را در مورد وضع حقوق بشر در ایران ابراز نمود. بموجب این قطعنامه دبیر کل سازمان ملل ماموریت یافت که پس از تحقیقات لازم بخصوص پس از تماس مستقیم با مقامات ایرانی و مسافرت به ایران نتیجه‌ی بررسی خود را در رابطه با احترام یا عدم احترام حقوق بشر در ایران به سی و

اجلاسی که در تاریخ ۲۳ فوریه ۱۹۸۳ بوسیله‌ی دبیرخانه‌ی آن در ژنو منتشر شده؛ در این اجلاس علاوه بر نمایندگان سازمان‌های بین المللی وابسته به سازمان ملل مانند کمیساریای عالی پناهندگان، هیئت‌های نمایندگی سازمان‌ها و آژانس‌های تخصصی بین المللی از جمله سازمان بین المللی کار و یونسکو نیز شرکت کرده بودند. علاوه بر این تعدادی از هیئت‌های نمایندگی سازمان‌های بین المللی منطقه‌ای نظیر شورای اروپا، اتحادیه‌ی کشورهای عرب، سازمان وحدت آفریقا، سازمان کشورهای آمریکا و نمایندگان جبهه‌های آزادیبخش جهان از جمله نهضت‌های آزادیبخش فلسطین، کنگره‌ی ملی آفریقا... و همچنین هیئت‌های اعزامی از سوی ۸۶ سازمان غیر دولتی فعال در زمینه‌ی حقوق بشر مانند عفو بین الملل، کنفدراسیون بین المللی حقوق بشر، صلیب سرخ جهانی و غیره در این اجلاس به شرکت داشتند.

سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو بکار خود خاتمه داد. در روزهای اخیر، کمیسیون مذکور شاهد تلاش‌های مذبحوانه‌ی نمایندگان خمینی بود. هدف این اقدامات مقابله با فعالیت‌های افشاگرانه‌ی سازمان مجاهدین خلق و جلوگیری از صدور قطعنامه‌ی محکومیت رژیم خمینی بخاطر نقض حقوق بشر در ایران بود. تشبثات مذبحوانه‌ی عوامل رژیم خمینی که تا فرق سر در باتلاق و منجلاب جنایات ضد بشری خود فرورفته است، بیش از پیش به افشاء این رژیم انجامید و سرانجام کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در جلسه‌ی سه‌شنبه هشتم مارس ۱۹۸۳ خود طی قطعنامه‌ی صریحاً بر نقض مستمر و شدید حقوق بشر در ایران تاکید نمود و با توجه به گزارشات مختلف منجمله با استناد به گزارش دبیر کل سازمان ملل، رفتار رژیم ایران را نسبت به حقوق بشر محکوم کرد. گزارش زیر شامل ترکیب و طرز کار کمیسیون، سوابق امر، اقدامات سازمان مجاهدین خلق و بویژه برادر مجاهد مسعود رجوی در رابطه با سازمان ملل متحد، فعالیت‌های مذبحوانه‌ی رژیم خمینی و بالاخره صدور قطعنامه‌ی فوق‌الذکر می‌باشد.

سابقه کار

قبل از تشکیل سی و هشتمین گردهم‌آئی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد (از ۳۱ ژانویه تا ۱۱ مارس ۱۹۸۲) برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران با ارسال نامه‌ها و تلگرافهای متعدد - مستند با اسناد و مدارک انکارناپذیر - به دبیر کل سابق سازمان ملل در نیویورک، رئیس سابق مرکز حقوق بشر در ژنو، دبیرخانه‌های هر دو سازمان اخیر، به یک یک سفرا و روسای هیئت‌های نمایندگی کشورهای عضو و ناظر و سازمان‌های مختلفی که در آن اجلاس شرکت کرده بودند، جنایات رژیم خمینی را افشاء نمود. باین ترتیب قبل از تشکیل سی و هشتمین اجلاس مذکور در سال ۱۹۸۲ با ارسال بیش از دوهزار نامه‌ی کامل که دربرگیرنده‌ی قسمت اعظمی از جنایات ضد بشری رژیم خمینی تا آن تاریخ بوده جهت همی دولت‌های عضو سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر آن و

تعداد زیادی اعدام‌های بدون محاکمه و پراکنده و خود سرانه در ایران گزارش شده‌اند. قربانیان این اعدام‌ها مخالفین دولت... اقلیت‌های قومی نظیر کردها و ترکمن‌ها و اعضاء گروه‌های مذهبی... می‌باشند... همچنین هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران که مخالف رژیم اند از جمله اعدام شدگان می‌باشند. بعلاوه قربانیان شامل طیف وسیعی از افراد در زمینه‌های مختلف شغلی و از بخش‌های گوناگون اجتماعی می‌شود که از آن جمله می‌توان از اعدام کودکان نابالغ و حتی ۱۳ ساله نام برد.

این بیانیه اطلاعاتی در مورد اعدام‌های گزارش شده‌ی پزشکان، پرستاران و دانشجویان پزشکی را ظرف ۹ ماه ارائه می‌دهد. و - بیانیه‌ی انجمن حقوق - دانان مسلمان و بعضی حقوقدانان مستقل ایرانی خطاب به کمیته جهانی حقوق بشر مربوط به وضعیت قضائی در ایران ز - تعداد زیادی نامه و طومارهایی خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد، رئیس کمیسیون حقوق بشر و مدیر مرکز حقوق بشر ملل متحد در رابطه با موارد نقض حقوق بشر در ایران" (گزارش دبیر کل از انتشارات سازمان ملل مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۸۳ شماره ۱۹/۱۹۸۳)

از نزدیک مورد بررسی قرار دهد، با استفاده از منابع مختلف بویژه سازمان مجاهدین خلق ایران و عفو بین الملل موارد زیادی از نقض ابتدائی‌ترین حقوق بشر را برشمرده است. در گزارش مذکور منابع مورد استفاده‌ی دبیر کل ملل متحد که از طریق سازمان مجاهدین خلق برای وی ارسال شد بشرح زیر است:

ترجمه‌ی قسمت‌هایی از گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد و استنادات آن به گزارشات، اسناد و مدارک سازمان مجاهدین خلق ایران، ایران، پاریس، فرانسه؛ - اسناد بی‌شماری در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران

نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۸۳ گزارش کند.

گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد

بمنظور هرچه پربارتر کردن منابع مورد استفاده‌ی دبیر کل ملل متحد، سازمان مجاهدین خلق ایران طی سال ۱۹۸۲ مرتباً مدارک و اسناد و نامه‌ها و عکس و فیلم و تلگرافات منضم نقض دائمی و روزمره‌ی حقوق بشر در ایران را بدفتر دبیر کل در نیویورک و سایر سازمان‌های بین‌المللی و بویژه عفو بین الملل ارسال نمود که انعکاس آن در گزارشات عفو بین الملل، صلیب

ترکیب و

طرز کار کمیسیون

در سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد علاوه بر ۴۳ کشور که به نوبت و به مدت دو سال بوسیله مجمع عمومی ملل متحد از میان کلیه کشورهای عضو سازمان ملل به عضویت کمیسیون برگزیده می‌شوند، ۶۰ کشور دیگر عضو سازمان ملل متحد نیز به عنوان "ناظر"، هیئت‌های نمایندگی فرستاده بودند. همچنین سه کشور دیگر که عضو سازمان ملل نیستند از جمله کنفدراسیون سوئیس، و جمهوری کره هیئت‌های "ناظر" به کمیسیون مذکور اعزام داشته بودند. بر مبنای فهرست موقت شرکت کنندگان در سی و نهمین

محکومیت رژیم ضد بشری خمینی در اجلاسیه "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد"

E / C N ۰۴ " شماره ۱۹ " صفحه ۶ متون فرانسه و انگلیسی)

دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش خود، ضمن بیان نقض حقوق بشر در ایران بطور کلی، به ذکر پاره‌های مثال‌ها و موارد مشخص نیز می‌پردازد و بدین وسیله وحشی‌گری رژیم ضد بشری خمینی را برای اعضای کمیسیون عینی‌تر می‌سازد. بطور مثال در این گزارش موارد زیر به چشم می‌خورد:

" سازمان مجاهدین خلق ایران، در کتاب خود "در جنگ با بشریت" اعلام می‌کند که در اکثر موارد رژیم اعدامها را اعلام نمی‌کند و لیستی حاوی ۵۴ نفر که طبق گزارش بین ۲۰ ژوئن ۱۹۸۱ و آوریل ۱۹۸۲ اعدام شده‌اند ولی اعدام آنها اعلام نشده ارائه می‌دهند (ص ۲۲۷ کتاب). همچنین سازمان مذکور لیستی از ۵۰۰ شهادت‌نامه توسط افرادی که اعضای خانواده یا دوستان نزدیکشان اعدام، زندانی و یا شکنجه گردیده بودند تسلیم کرده است (در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲). همین سازمان، اعدام دکتورها،

پرستاران و دانشجویان پزشکی را توسط عوامل رژیم در ایران بخاطر حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران و یا بخاطر مداوای اعضای مجروح شده این سازمان را گزارش می‌کند (اعلامیه کشتار پزشکان در ایران مورخ ۶ ژوئیه ۸۲ توسط سازمان مجاهدین خلق ایران). - گزارش سازمان مجاهدین خلق ایران با ارائه لیستی از ۴۲ نفر که سن آنها کمتر از ۱۸ سال می‌باشد اعلام می‌کند که آنها بین ۲۰ ژوئن ۱۹۸۱ و آوریل ۱۹۸۲ اعدام گشته‌اند؛ این گزارش رونوشت برخی از شناسنامه‌های آنان را به همراه دارد (سازمان مجاهدین خلق ایران، "در جنگ با بشریت"، صفحات ۲۱۶، ۲۱۹) (گزارش دبیر کل منتشره وسیله سازمان ملل شماره ۱۹ صفحه ۱۹).

" سازمان مجاهدین خلق ایران در کتاب "در جنگ با بشریت" گزارش کرد که از مارس ۱۹۸۰ تا مارس ۱۹۸۱، ۸۵۹ شکایت‌نامه در مورد اعمال شکنجه به اعضا و هواداران سازمان مذکور توسط عوامل دولت ایران ارسال شده که مدارک مربوط به آن به "کمیته تحقیق در مورد شکنجه" تسلیم

گردیده است (صفحات ۵۳ و ۵۴ کتاب "در جنگ با بشریت"). نکات عمده این شکایت‌ها که در ظرف فاصله زمانی بین فوریه ۱۹۷۹ تا مارس ۱۹۸۱ ارائه شده به ترتیب زیرند:

الف: رقم کل افرادی که شکنجهی آنها طی این مدت گزارش گردیده، تقریباً بالغ بر ۱۹۰۰ نفر می‌باشد. در پاره‌ای از موارد، یک شکایت‌نامه توسط تعداد بیشماری از افراد یک محل و یا یک زندان امضاء شده است.

ب: سنین افراد دستگیر شده از کودکان تازه متولد شده (که به همراه مادرشان دستگیر شده بودند) تا افراد ۸۰ ساله را شامل می‌گردید.

ج: در بین شیوه‌های شکنجه - شکنجه با شلاق ۲۵۰ مورد

۲- کتک ۱۰۴۶ مورد

۳- تهدید و شکنجه روانی اذیت و ناسزا ۵۲۳ مورد گزارش شده است. اطلاعات مذکور همچنین شامل لیستی از ۵۴ عضو سازمان مجاهدین خلق ایران می‌باشد که گویا بین ۹ ژوئن ۱۹۸۱ تا آوریل ۱۹۸۲ تحت شکنجه به قتل رسیده‌اند. یادآوری می‌شود که رونوشت

شکایت‌نامه‌هایی که در مورد شکنجه به دولت ارائه شده بود ضمیمه آنهاست "

(گزارش دبیر کل شماره ۱۹ صفحه ۲۱ متن فرانسه).

- بر مبنای اطلاعات سازمان مجاهدین خلق ایران دستگیری و اعدام‌اعضا و هواداران آن سازمان صرفاً بخاطر شرکت آنها در سازمان مجاهدین خلق ایران است. در این زمینه چندین مورد برشمرده شده‌اند که تنها جرم قربانیان پخش انتشارات مجاهدین می‌باشد (سازمان مجاهدین خلق ایران "در جنگ با بشریت")

(گزارش دبیر کل شماره ۱۹ صفحه ۲۱). گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد با استناد به نامه‌هایی که برادر مجاهد مسعود رجوی به وی و سایر بخش‌های سازمان ملل متحد فرستاده، چنین ادامه می‌دهد:

" آقای مسعود رجوی رئیس شورای ملی مقاومت برای استقلال و آزادی جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران طی نامه‌ی مورخ ۹ سپتامبر ۱۹۸۲ خود به رئیس اجلاس کشورهای عضو میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی تأکید

نمود که: در حال حاضر حدود ۵۰۰۰۰ زندانی سیاسی در زندان‌های ایران و فقط بجرم داشتن عقیده‌ای مخالف رژیم بسر می‌برند. در حکم اعدام برخی از متهمین ارتداد یا انحراف فکری علنا و رسماً (در روزنامه‌های رژیم) دلیل اعدام تلقی می‌شود. در همین نامه، آقای مسعود رجوی اذعان می‌کند که "اکثریت قریب باتفاق ۲۰۰۰۰ اعدامی رژیم خمینی فقط بخاطر عقایدشان اعدام شده‌اند. همه‌ی روزنامه‌ها و کلیه وسائل ارتباط جمعی بجز آنهایی که رسماً وابسته به رژیم هستند، تعطیل شده و هم‌اکنون تعداد زیادی از روشنفکران ایرانی اعدام یا زندانی شده و یا مخفی هستند. در ایران امروز، بیان کوچک‌ترین مخالفتی با رژیم مساوی است با شکنجه و اعدام." (گزارش دبیر کل شماره ۱۹ صفحه ۲۷ متن فرانسه و ۲۴ متن انگلیسی).

در این رابطه توجه شما را به متن کامل نامه برادر مجاهد مسعود رجوی که مورد استناد دبیر کل واقع شده است جلب می‌نمائیم:

نامه مسئول شورای ملی مقاومت به رئیس اجلاسیه دول امضاء کنندة میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

ریاست اجلاسیه دول امضاء کنندة میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی محترماً

آقای عزیز:

به عنوان مسئول شورای ملی مقاومت ایران خود را موظف می‌دانم که توجه جنابعالی و همه‌ی اعضا شرکت‌کننده در اجلاسیه را به نقض دائمی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی توسط رژیم ایران که خود از امضاء کنندگان آنست جلب نماید. نمونه‌های زیر مواردی از نقض این میثاق بین‌المللی توسط رژیم ایران است که مدارک و اسناد ضمیمه و نیز کتاب "در جنگ با بشریت" (که آن نیز ضمیمه است) مبین آن می‌باشد:

۱- برخلاف ماده ۲ این میثاق نه تنها به هیچ فردی از افراد ایرانی حق اعتراض داده نمی‌شود بلکه به اعتراف خود مقامات رژیم اعدام مخالفین احتیاج به دادگاه ندارد و هر خیابان می‌تواند خود یک دادگاه باشد و با تاشید و تفرز پاسداران رژیم هر کسی را می‌توان درجا در خیابان اعدام کرد (عطف به مدارک ضمیمه، اظهارات کیلانی و موسوی در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۱) علاوه بر آن اخیراً "نیز توسط شخص خمینی

(در تاریخ ۲۳ اوت ۱۹۸۲) اعلام شد که تمام قوانین دادگستری و قضائی ایران ملغی بوده و هر "حاکم شرع" می‌تواند خود تصمیم بگیرد.

۲- برخلاف ماده ۳ این میثاق زنان در ایران از هیچگونه حق اجتماعی برخوردار نیستند. بخشی از سخنان صدوقی یکی از تدوین کنندگان قانون اساسی رژیم خمینی درباره‌ی زنان به شرح زیر است: "... (آیا به این دلیل که) چون زنی می‌تواند بچه را با ریکند و پاکش بکند، و از کثافت سرکنارش بکند و پستان دردهانش بکند، پس می‌تواند رئیس جمپور بشود یا نخست وزیر؟" و همچنین، "... از اولی که خشت دنیا را برپا گذاشتند این همه ساختمان و این همه قنات، این همه اختراعات، تمامش بدست مرد بوده... حالا چطور شد که پشت میز نشستن را حق داشته باشند؟ و لسی کارهای سنگین را حق نداشته باشند؟"

درود یوارهای خیابان‌های تهران پر از شعار "مرگ برزن بی‌حجاب" است و زن بی‌حجاب مجاز به سوار شدن تاکسی یا رفتن به سینما یا رکت نیست و مورد بدترین اذیت و اذیت‌ها قرار می‌گیرد.

۳- برخلاف ماده ۴ این میثاق رژیم

خمینی به بیانه‌ی جنگ با عراق، هرگونه تجاوز به حقوق ملت از قبیل تکنجسه، فرستادن اجباری کودکان حتی ۱۲ ساله به جبهه‌ها، زندانی کردن و تعطیل همه‌ی مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی (بجز آنان که وابسته به رژیمند) را مجاز می‌شمرد. ۴- برخلاف ماده ۶ این میثاق جان انسانها کمترین ارزش را برای رژیم خمینی نداشته و حکم اعدام احتیاج به هیچ دادگاهی ندارد. غیر از کشتارهای خیابانی در تظاهرات (۲۰ ژوئن، ۲۷ سپتامبر و ۲۷ آوریل ۱۹۸۱ توسط مادران) بارها افراد در قتل کمترین از دست دادن پس از دستگیری در همان محل دستگیری بی‌ادبانه داخل زندان اوین اعدام شده‌اند. (در روز ۲۰ ژوئن پس از کشتار شرکت کنندگان در تظاهرات نیم میلیونی مسالمت آمیز، تعداد زیادی را دستگیر کردند که همان شب در اردو و تلویزیون و مطبوعات خبر اعدام آنان اعلام شد. نام تعداد زیادی از آنان در کتاب "در جنگ با بشریت" مندرج است.)

تعداد زیادی از افرادی را که رژیم خمینی اعدام کرده حتی اسم آنان را در لحظه اعدام نمی‌دانسته است (صفحه ۱۰۰ کتاب

"در جنگ با بشریت")

برخلاف بند ۵ این ماده تاکنون بیش از ۴۲ تن افراد کمتر از ۱۸ سال و بالغ بر ۱۲ تن از زنان حامله که نام آنان و حتی شناسنامه‌شان در کتاب "در جنگ با بشریت" مندرج بوده و اعدام آنان توسط روزنامه‌های خود رژیم اعلام شده، اعدام شده‌اند. تاکنون بالغ بر ۲۰ هزار نفر اعدام شده‌اند که نام قریب به ۸ هزار نفر آنان توسط خود رژیم اعلام شده است.

۵- برخلاف ماده ۷ این میثاق، شکنجه به میزان بسیار وسیع و در سطح زندان‌های همه‌ی شهرهای ایران مستمراً ادامه دارد که قسمتی از گزارشات آن و نیز نامه ۵۵ نفر که در زیر شکنجه کشته شده‌اند در کتاب "در جنگ با بشریت" مندرج است و بالاترین مقامات قضائی رژیم خمینی علناً می‌گویند: شلاق زدن برای گرفتن اعتراف و همکاری با پاسداران مجاز است (عطف به مدارک ضمیمه؛ نوارهای سخنان کیلانی در این مورد). این رژیم در روز ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۱ صدها محروح را از تخت بیمارستان بزرگ کشیده و بلافاصله اعدام کرده است. مدارک مستند و غیر قابل انکار این جنایت قبیح برای ارائه در هر دادگاه و مرجعی آماده است.

محکومیت رژیم ضد بشری خمینی در اجلاسیه "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد"

نامه مسئول شورای ملی مقاومت به رئیس اجلاسیه دول امضاء کنندۀ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

۶ - برخلاف ماده ۸ این میثاق رژیم خمینی حتی کودکان ۱۲ ساله را با زور به جبهه های جنگ می فرستد که گزارش آن و عکس این کودکان که بدست عراق اسیر شده اند در مطبوعات جهان بطور وسیعی منعکس گردیده است. علاوه بر آن، برخلاف مقررات رسمی حاکم بر ایران رژیم خمینی افسراد را به زور و بطور غیرقانونی به جبهه های جنگ می فرستد (برطبق قانونی که اخیراً با تصویب رسید، برای مجبور کردن مردم به رفتن به جبهه های جنگ کلیه امتیازات یک شهروند ایرانی در صورت رفتن به سربازی و جنگ از وی سلب می شود. این محرومیت ها شامل برق منزل، آب، گاز، تلفن، وام، استخدام، تحصیلات و... می گردد. برای اطلاعات بیشتر به مدرک ضمیمه (لاطلاع به نظام و وظیفه، مراجعه گردد).

۷ - برخلاف ماده ۹ این میثاق دستگیری ها در سطح وسیع و در همه شهرها و روستا های ایران مستمرا "ادامه دارد. هم اکنون بالغ بر ۵۰ هزار نفر در زندانهای ایران فقط به جرم داشتن عقیده ای مخالف رژیم سر می برند. در حکم اعدام برخی متهمین ارتداد یا انحراف فکری علناً رسماً "دلیل اعدام تلقی می شود.

برخلاف بند ۲ این ماده نه تنها در لحظات دستگیری هیچ اطلاعی از دلایل دستگیری به فرد دستگیر شده نمی دهند، بلکه هم اکنون بالغ بر ۷۰٪ از این ۵۰ هزار نفر پس از حدود ۸ ماهه تنها هیچ اطلاعی از خانواده خود ندارند بلکه تاکنون (بجز با زوجی همراه با شکنجه بسیار) هیچ دادگاهی نیز برای آنان تشکیل شده.

۸ - برخلاف ماده ۱۰ این میثاق تنها شکنجه مستمر در زندانها ادامه دارد بلکه با کمبود غذایی و نبودن هیچ امکان بهداشتی و درمانی در زندانها همگی زندانیان مبتلا به انواع بیماری ها شده و در خطر مرگ تدریجی قرار دارند (عطف به مدارک ضمیمه، اطهارات لاجوردی در مورد غذای زندانیان). رژیم ایران برخاسته از سیاست های محسوس می کند که دوستان محکوم به اعدام خود را بکشند و این را علناً "در روزنامه هایش می پوسد (مراجعه شود به مدارک ضمیمه).

۹ - برخلاف ماده ۱۲ این میثاق خروج از کشور عملاً تا ممکن است و حتی مرخصی در شرف مرگ با پدائیات کند که در خارج حتماً معالجه خواهد شد و برگردن مجازات خسته نمی شود.

۱۰ - برخلاف ماده ۱۳ این میثاق برای سربویش گذاشتن بر سیاست شکنجه رژیم همه خبرنگاران خارجی به جز عده معدودی از ایران اخراج شده اند.

۱۱ - اعدام های دوا عتبه و بدون درگاه به اعتراف خود رژیم در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۱ خود ناقص ماده ۱۴ این میثاق می باشد. برخلاف این ماده هیچکس حق انتخاب وکیل ندارد و نیز برخلاف این ماده افراد دستگیر شده را با فشار شکنجه محبور می کنند تا در پشت تلویزیون ظاهر شده و به ستایش از رژیم بپردازند.

۱۲ - برخلاف ماده ۱۷ این میثاق هجوم به خانه های مسکونی مردم بدون هیچ مجوزی در سطح وسیع جریان دارد گزارشات مستندی از این هجوم ها و کشتن زن و بچه

مردم در کتاب "در جنگ با بشریت" مندرج است. عکسهای خانه های مسکونی مورد هجوم واقع شده در روزنامه های خود رژیم نیز منعکس شده است. کنترل خودسرانه ی تلفن ها و مکاتبات مردم در رژیم خمینی چیزی بسیار عادی است. ۱۳ - برخلاف مواد ۱۸ و ۱۹ این میثاق حق آزادی اندیشه و وجدان و مذهب در رژیم خمینی بکلی منتفی است. اکثریت قریب با اتفاق ۲۰ هزار عدا می در رژیم خمینی فقط بخاطر عقایدشان اعدام شده اند و این مطلب در خود روزنامه های رژیم نیز مندرج است (عطف به مدارک ضمیمه، اعدام بخاطر ارتداد فکری و... همه ی روزنامه ها و وسایل ارتباط جمعی بجز آنها شایسته مستقیماً "واسته به رژیم هستند تعطیل شده، و هم اکنون تعداد زیادی از روشنفکران ایرانی اعدام یا زندانی شده و یا مخفی و فراری هستند. بیان کوچکترین حرفی در مخالفت با رژیم، مساویست با شکنجه و اعدام.

۱۴ - برخلاف ماده ۲۰ این میثاق خمینی از هر فرصتی برای جنگ افروزی کوتاه می نگرند و حتی از برخورد تحقیر آمیز با هیئت های صلح (وا ز جمله کورت والدهایم) نیز ابایی نداشته است. هم اکنون نیز قسمت مهمی از تبلیغات و مسائل ارتباط جمعی رژیم را تبلیغ به نفع جنگ به داخل عراق تشکیل می دهد.

۱۵ - برخلاف ماده ۲۱ این میثاق هرگونه تجمع در ایران به رگبار مسلسل بسته می شود. کشتارهای ۲۰ ژوئن و ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۱ نمونه های بارزی از آنند.

۱۶ - برخلاف ماده ۲۲ این میثاق هیچ سندیکی آزادی در ایران وجود ندارد و

مخصوصاً که بموجب قطعنامه ی ۷ مه ۱۹۸۲ از سوی کمیسیون اقتصاد و اجتماعی سازمان ملل برگزیده شده بود. در تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۸۳ تهیه و تحت عنوان کلی "اعدام های بدوی و خودسرانه" با شماره E/CN.4/1983/16 به کمیسیون حقوق بشر ارائه شد. گزارش مذکور که از نقض حقوق بشر در بسیاری از کشورهای جهان سخن گفته است در قسمت مربوط به ایران تاکید نموده که: "تعداد زیادی اعدام های بدون محاکمه و پراکنده و خودسرانه در ایران گزارش شده اند. قربانیان این اعدام ها مخالفین دولت... مذهبی... می باشند... همچنین هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران که مخالف رژیم اند از جمله ی اعدام شدگان می باشند. علاوه بر قربانیان شامل

۱۸ و ۱۶ میثاق مذکور شده است با توجه به اینکه محتوی مواد فوق عیناً در مواد ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۴، ۳۵، ۳۸ و ۳۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (که در رژیم خمینی نیز وجود دارد، روشن می شود که رژیم وی مرتکب مسئولیتی مضاعف، یعنی نقض قوانین داخلی و بین المللی شده است". (رجوع شود به مجاهد شماره ۱۳۷ مورخ ۷ بهمن ۱۳۶۱ صفحه ۳)

علاوه بر گزارش دبیر کل گزارش دیگری نیز در مورد ایران به کمیسیون حقوق بشر ارائه شد:

گزارش درباره "اعدام های بدوی و خودسرانه"

این گزارش مفصل که از ۹۷ صفحه تشکیل شده بوسیله آقای آموس واکو AMOSWAKO گزارشگر

مشخصاً ادعای قبول و احترام آنرا دارد. در عمل شدت نقض کرده است. به عنوان مثال از آن جمله است نقض ماده ۶ "میثاق درباره ی "حق زندگی" که پاراگراف ۵ آن صریحاً اعلام می کند "صرف نظر از جنایت مرتکبه، حکم محکومیت با اعدام در مورد کسانی که سن آنها کمتر از ۱۸ سال باشد ممنوع است و اجرای چنین حکمی درباره ی زنان باردار قابل اجراء نیست" با اینهمه، هیچکس تردید ندارد که در ایران، دهها خردسال پائین تر از ۱۸ سال و زن حامله اعدام شده اند. طی سال گذشته رژیم ایران با اجرای انواع شکنجه ها، اعدام های دستجمعی بدون محاکمه، تعقیب های غیر قانونی، عدم احترام به شخصیت قضائی افراد و سرکوب خونین خانواده ها به خاطر طرز تفکر و عقاید سیاسی و مذهبی شان عملاً و دائماً مرتکب جرم نقض مواد ۶، ۷، ۱۴، ۱۵،

انسانی نه تنها به تعهدات بین المللی و قوانین مربوط به آن احترام نگذاشته بلکه قانون اساسی خود را نیز پایمال نموده است.

در همین رابطه برادر مجاهد مسعود رجوی در نامه ی ۱۹ ژانویه ۱۹۸۳ (۶۱/۱۰/۲۹) خود خطاب به رئیس اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، که رونوشت آن در بیش از ۸۰۰ نسخه نه تنها برای کلیه اعضای کمیسیون حقوق بشر و رئیس مرکز حقوق بشر ملل متحد بلکه برای ۶۰۰ سازمان غیر دولتی - اعم از حاضرین و غائبین در کمیسیون - و نیز جهت مطبوعات آکرو دیتیه در سازمان ملل ارسال شد، مشخصاً تصریح کرده است که: "طی سال گذشته رژیم ایران پیش پا افتاده ترین اصول حقوق بشر را پایمال نموده و بخصوص مبانی لایتغیر و غیر قابل نقض "میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی" را - که رژیم خمینی

ادامه گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد

گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد پس از ذکر موارد نقض شدید حقوق بشر در ایران بر مبنای اطلاعات دقیق و موثق به تفصیل مواد مختلف قانون اساسی رژیم، میثاق بین المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی (که رژیم خمینی ادعای قبول و احترام بآن را دارد) و منشور ملل متحد را که وجه مشترک همه ی آنها ضمانت مبانی حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه ی اقشار مردم است، بررسی و در کنار یکدیگر قرار داده است بدون شک منظور دبیر کل ملل متحد از مقایسه ی محتوای این سه مدرک بروشنی نشان دادن این واقعیت است که رژیم خمینی با عدم احترام به حقوق

محکومیت رژیم ضد بشری خمینی در اجلاسیه "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد"

طیف وسیعی از افراد در زمینه‌های مختلف شغلی و از بخش‌های گوناگون اجتماعی می‌شود که از آن جمله می‌توان از اعدام کودکان نایاب و حتی ۱۳ ساله نام برد. بر مبنای گزارشات واصله در بسیاری موارد افرادی را پس از شکنجه اعدام کرده‌اند. بر اساس منابع مختلف تعداد تخمینی اعدام شدگان بین ۴۵۰۰ تا ۲۰۰۰۰ نفر است.

همچنین گزارش‌های واصله حکایت می‌کند که در بسیاری از موارد اعدام‌های بدون محاکمه انجام شده است. حتی در مواردی که محاکمات توسط دادگاه‌های انقلاب اسلامی انجام پذیرفته‌اند ضمانت‌های مربوط به آئین دادرسی و حقوق متهمین و همچنین ضمانت‌های مربوط به یک دادگاه منصفانه ابداء رعایت نشده‌اند. نه مقررات قانون اساسی بعد از انقلاب که تعداد زیادی از حقوق متهمین را ضمانت می‌نماید و نه حتی قواعد دادرسی دادگاه‌های انقلاب اسلامی مورد احترام واقع نشده‌اند. افراد دستگیر شده بدون اطلاع از اتهاماتشان در سلول‌های انفرادی مخفیانه بسر-

تلاش‌های مذبوحانه عوامل رژیم در سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

همانطور که در تیرماه سال ۶۱ (ژوئیه ۱۹۸۲) در "کمیته حقوق بشر ملل متحد"، نماینده خمینی با استناد به سازمان موهوم قضائی رژیم و قوانین کاذب آن سعی نمود اثبات نماید که در ایران حقوق بشر دقیقاً رعایت می‌شود، (رجوع شود به "گزارشی از ششمین اجلاس کمیته حقوق بشر ملل متحد و بررسی جنایات خمینی" در نشریه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور، شماره ۴۱ مورخ اول مرداد ۱۳۶۱)، همان مضحکه این بار نیز در کمیسیون حقوق بشر تکرار شد و نماینده رژیم یکبار دیگر کوشش نمود و اذیت جنایاتی را که هر روزه توسط عاملین ددمنش خمینی انجام می‌گیرد، انکار نموده و مسئولیت و مجرمیت رژیم خمینی را متوجه دیگران سازد و با این حیل

زیر است
۱- گزارش ۱۶ صفحه‌ای به تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۳ خطاب به مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد (شماره E/CN.۴/۸۳/۱۹) در این گزارش که در حقیقت نامه‌ی جوابیه‌ی رژیم به سوالات دبیر کل ملل متحد در مورد وضع حقوق بشر در ایران است، رژیم خمینی صراحتاً فقط به حمله علیه مجاهدین پرداخته و ضمناً منکر وجود هر نوع سرکوب و یا زندانی سیاسی در ایران شده است! در این گزارش چنین آمده: "پدیده‌ی شکایت در رابطه با حقوق بشر در ایران باید یکنوع تبلیغات وسیع از طرف

بعضی گروه‌های معین تلقی شود. زیرا که این شکایات اصولاً منعکس کننده‌ی واقعیت ایران نبوده و به عبارت دیگر، زندانی با اصطلاح سیاسی در کشور ما وجود ندارد" (صفحه اول گزارش)
رژیم در گزارش مذکور، با تکیه به جنگ با عراق، خفقان و

درهمی دنیا حتی حیوان باردار مورد ترحم عمومی است اما در ایران زنان حامله هدف مسلسل‌ها واقع می‌شوند. نامه‌های ۱۴ نفر از این زنان حامله به کمیسیون حقوق بشر داده شده است. همه‌ی این اعمال تحت پوشش اسلام انجام می‌گیرند. لازم به تاکید است که این اسلامی ظاهری و تظاهر به اسلام است چرا که در حقیقت اسلام مذهب صلح و بشریت و محبت و عفو و عشق است. تنها اقلیت‌های قومی و مذهبی مورد سرکوب رژیم نیستند. رژیم بر مبنای شعار محوری خود "مرگ بر ضد ولایت فقیه" هر کس را اعم از مسلمان شیعی سنی و یا غیر مسلمان که قیومت فقیه را به ما نند قیومیت کبیر بر صغیر قبول نداشته باشند مورد آزار و زندان و شکنجه و اعدام قرار می‌دهد.

قصد داشت در مقابل کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در برابر هزاران سوال در مورد جنایات وحشیانه‌ی خود راه گریزی بجوید.
نمایندگان رژیم، بدستور خمینی دجال سعی کردند که جواب اعتراضات جهانی و اقدامات افشاگرانه‌ی سازمان مجاهدین خلق را با دجالگری و بیان استدالات سفسطه‌آمیز معمولشان بدهند. اهم گزارشات و نطق‌های نمایندگان خمینی که در تمام آنها سازمان مجاهدین خلق و بخصوص برادر مجاهد مسعود رجوی مورد حملات بی‌شرمانه قرار گرفته‌اند به قرار

برده و هیچگونه دسترسی به وکیل و امکان برای دفاع از خود چه قبل و چه در جریان محاکمه نداشته‌اند. هیچگونه بازپرسی متقابل از شهود مجاز نبوده و بلافاصله پس از تصمیمات متخذه در دادگاه‌های سر بسته مخفیانه احکام اعدام آنها فوراً عملی شده است. همچنین مواردی وجود داشته است که افرادی را که قبلاً مورد قضاوت واقع شده (و حکمشان صورت مختمه یافته بوده) تحت عنوان همان دلایل قبلی مورد قضاوت مجدد قرار داده و اعدام کرده‌اند (صفحه ۳۱ گزارش فوق‌الذکر آقای واکو)

اول سازمان مجاهدین خلق و خود سازمان اختصاص یافته و در جواب سوالات دبیر کل ملل متحد در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران نوشته است: "ما با کمال دقت کلیه‌ی اطلاعات ارسالی شما را مطالعه کرده و با کمال تعجب مشاهده کردیم که طولانی‌ترین گزارشی که به جزئیات نیز پرداخته بود متعلق به سرده‌ی یک گروه تروریستی ایران بود. این گزارش‌ها که به وسیله‌ی آقای مسعود رجوی که رهبری با اصطلاح "شورای ملی مقاومت ایران" را بعهده دارد و در عین حال رئیس یک سازمان تروریستی بنام "مجاهدین خلق

ایران" نیز هست فهرستی تهیه شده از کسانی که ادعا می‌کند اعدام شده‌اند. جالب است اطلاع داشته باشید که این سازمان مذکور بود که اول و ابتدائاً مبارزه با اصطلاح مسلحانه را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز نمود و تاکنون تعداد زیادی از روسای روحانی و صدها هموطن بی‌آزارمان را کشته است" (صفحه ۲ و ۳ گزارش).
باین ترتیب نمایندگان خمینی از یاد برده‌اند که امام دجالشان چند ماه پس از انقلاب مجاهدین را علناً "دشمن اصلی" رژیم خود خطاب کرد و در فاصله انقلاب تا ۳۰ خرداد ۶۰ - تاریخ آغاز مبارزه‌ی مسلحانه و مشروع - بیش از تمام دوران شاه هواداران مجاهدین را دستگیر، شکنجه و اعدام نموده است!
۲- گزارش دوم نماینده‌ی خمینی مورخ ۳/ فوریه ۱۹۸۳ که بمانند گزارش قبلی در تاریخ ۲۲ فوریه ۸۲ بوسیله‌ی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد تحت شماره E/CN.۴/۱۹۸۳/۱۹ منتشر شد نیز نظیر جواب قبلی، تنه‌های مجاهدین را آماج حملات بی‌شرمانه‌ی خود قرار داده است.
- در ابتدای این گزارش آمده است: "در این بخش اول مختصراً اقدامات علیه زندگی مردم که بوسیله‌ی ضدانقلابیون انجام می‌گیرد که در رأس آنها سازمان مجاهدین خلق که مردم ما آن را منافقین می‌نامند پرداخته شود" و سپس با دادن

لیست طویل مزدوران و عوامل سرکوب و شکنجه رژیم که بسزای اعمالشان رسیده‌اند سعی در مظلوم‌نمایی دارد.
۳- گزارشی در بیش از صد صفحه (باضام) تحت عنوان "بررسی تروریسم کور در ایران، سازمان با اصطلاح مجاهدین خلق ایران، جمع‌بندی فعالیت‌ها..." این گزارش که بوسیله‌ی نمایندگان رژیم برای سفارتخانه‌ها و دولت‌های عضو کمیسیون حقوق بشر ارسال شده بود در جریان اجلاس نیز بوسیله‌ی آنها بین هیئت‌های نمایندگی‌های کشورهای ناظر کمیسیون و سازمان‌های غیردولتی و مطبوعات توزیع شد، عملاً جز

افراد دستگیر شده بدون اطلاع از اتهاماتشان در سلول‌های انفرادی مخفیانه بسر برده و هیچگونه دسترسی بوکیل و امکان برای دفاع از خود چه قبل و چه در جریان محاکمه نداشته‌اند. هیچگونه بازپرسی متقابل از شهود مجاز نبوده و بلافاصله پس از تصمیمات متخذه در دادگاه‌های سر بسته مخفیانه احکام اعدام آنها فوراً عملی شده است.

یک جرعه‌ی تبلیغاتی رژیم علیه مجاهدین چیز دیگری نیست. صرفنظر از اینکه این نوشته که بمانند سایر گزارشات و نطق‌های نمایندگان رژیم موجب تمسخر و استهزاء خارجیان بیطرف گردید - از لحاظ شکل و ترجمه و تلفیق در سطح نازل و حتی کودکان‌های است. از نظر محتوی شاهکار بی‌منطقی، وقاحت و پرویی گردانندگان کنونی رژیم ایران است. بعنوان مثال در صفحه دوم جزوه‌ی مذکور می‌خوانید که از ابتدا قصد مجاهدین ساقط نمودن جمهوری اسلامی بود ولی "... با توجه به اصل برائت در اسلام مسئولین اقدامی برای جلوگیری از اشاعه‌ی افکار آنها که هدفش تضعیف و سقوط جمهوری اسلامی بود، نکرد تا بطوری که یکی از اعضا کمیته‌ی مرکزی سازمان با اصطلاح مجاهدین خلق بنام محمدرضا سعادت بدلیل جاسوسی دستگیر شد..." و چند سطر بعد مجدداً "از ابتدا ... منافقین شروع به مخالفت با جمهوری اسلامی بمنظور تضعیف آن نمودند و اینکه رهبر آنها مسعود رجوی توانست سرش را در زمان حکومت غیر مشروع شاه نجات بدهد، یکی از هزاران دلیلی است که آنها مزدوران و خادمین امپریالیسم‌اند!!" و باز چند سطر بعد بمنظور اثبات مردمی بودن رژیم خمینی با کمال بی‌شرمی به تحریف گفتار برادر مجاهد ما مسعود

محکومیت رژیم ضد بشری خمینی در اجلاسیه "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد"

۶ میلیون نفر استقبال شد" (صفحه ۴ گزارش)، قابل توجه است که در پی این جمله‌ی اخیر که از مصاحبه‌ی شماره‌ی ۵ برادر مجاهد در پاریس ذکر شده بلافاصله اضافه شده است که خمینی به این استقبال بی سابقه مردمی خیانت کرد. اما عوامل خمینی دجال که از حداقل امانت و صداقت فکری برخوردار رجوی پرداخته و می نویسد: "مسعود رجوی رئیس تروریست‌ها با همه‌ی انزجار و دشمنی‌اش نسبت به امام خمینی نمی‌تواند مردمی بودن و محبوبیت ایشان را انکار نماید و لذا در این باره گفته است: "او (خمینی) تنها شخصی در تاریخ بود که وسیله‌ی

نیستند این جمله‌ی اساسی را ندیده تلقی نموده و نتیجه گرفته‌اند که "طبیعت مردمی و مشروع جمهوری اسلامی حتی برای دشمنان انقلاب، یک واقعیت غیر قابل انکار است و شرکت میلیون‌ها مردم در نمازهای جمعه و مراسم شهدای محراب و ... بسیج عمومی مردم برای رفتن به جبهه‌های

جنگ حق علیه باطل، شرکت در انتخابات و بویژه انتخابات اخیر مجلس خبرگان که بیش از ۱۸ میلیون نفر بآن رای دادند دلایل انکارناپذیر مردمی بودن بشردوست بودن و مشروعیت جمهوری اسلامی است" (صفحه ۴ و ۵ گزارش درباره‌ی مجاهدین) بقیه در صفحه‌ی ۲۴

کلیشه‌های حاوی روی جلد و نمونه‌هایی از صفحات باصطلاح افشاگری رژیم بر علیه مجاهدین در جزوه‌ی صد صفحه‌ای فوق‌الذکر که عوامل خمینی سعی کرده‌اند با چاپ عینی عبارات و ترجمه‌ی آن بخیال خام خود تلاش‌های گسترده‌ی مجاهدین در مورد افشاء نقض حقوق بشر را خنثی سازند.

..... 'li Zarkeche, qui est adjoint de Rajavi, continue ses activités en Iran en tant que commandant militaire et politique de l'Organisation de Modjahedine Khalgh

AP:C ش: R332 تاریخ ۱۱/۱۰/۸

لندن - روز چهارشنبه رهبر مقاومت ایران علی زکریا زکریا، رئیس از یکم زارنگر از عوامل آیت ا... خمینی طی پائیز و تابستان بدست مجاهدین کشته شده‌اند. وی معاون مسعود رجوی می‌باشد که بمنزله فرمانده نظامی-سیاسی مجاهدین در داخل ایران فعالیت می‌نماید.

OBSERVATIONS SUR LE COURANT DU TERRORISME AVEUGLE EN IRAN (Prétendue Organisation des Mudjahedines du Peuple) RECAPITULATION DES FAITS

زندگینامه مجاهد قهرمان شهید محمد حسین قدرتی

مجاهد قهرمان شهید محمد حسین قدرتی در بیش از ۳۰ عملیات انقلابی مسلحانه شرکت داشت که طی آن علاوه بر وارد کردن خسارات مادی فراوان به دشمن، دههاتین از یاسداران و دیگر مزدوران سرکوبگر رژیم ضد بشری خمینی را نیز به هلاکت رساند

اطلاعیه سیاسی - نظامی شماره ۲۵

بدنیال پورش و خشیان به ارتجاع به خانه پدری برادر مجاهد مهدی ابریشمچی

لژ این پس مجاهدین خلق ایران با کمال قواد و قبال اینگونه نهاجمات مقاومت خواهند نمود

- شماره ۶۳ نشریه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور
- معمود بود بعداً "به فرماندهی واحد عملیاتی محاذ شهید سعید غیور رسید. برخی از عملیاتی که این رزمنده محاذ خلق در آن شرکت داشته است به شرح زیر است:
- ۱ - حمله مسلحانه به خرگورای رژیم
 - ۲ - حمله به یکی از کمیته‌های مدخلقی خمینی در فلکه دوم آریا شهر
 - ۳ - به آتش کشیدن یکی از پایگاه‌های جاسوسی خمینی در خیابان قدس
 - ۴ - به آتش کشیدن یکی از پایگاه‌های جاسوسی خمینی در خیابان بریانک
 - ۵ - به آتش کشیدن یکی از پایگاه‌های جاسوسی خمینی در خیابان اسکندری شمالی
 - ۶ - به آتش کشیدن یکی از پایگاه‌های جاسوسی خمینی در گینا
 - ۷ - حمله مسلحانه به واحد گشتی کمیته مدخلقی در خیابان کوکب شمالی (ستارخان)
 - ۸ - ایجاد راه پندان و سخنرانی انقلابی در خیابان کاج واقع در میدان گلها.
 - ۹ - شرکت در تظاهرات مسلحانه ۵ مهر
 - ۱۰ - فرماندهی برخی از تیم‌های عملیاتی در تظاهرات مسلحانه مقلتی در خیابان‌های نواب، مخصوص و کمالی
 - ۱۱ - اعدام انقلابی سه تن از مزدوران خمینی وابسته به نهاد سرکوبگر موسوم به جهاد دانشگاہی
 - ۱۲ - درگیری مسلحانه و حمله به تکاوران نام خمینی در خیابان مهناز
 - ۱۳ - اعدام انقلابی مزدوران واحد گشتی کمیته مرکز (رشید ۱۷)
 - ۱۴ - اعدام انقلابی مزدوران واحد گشتی کمیته مرکز (تحت نام مجاهد ۱۱)
 - ۱۵ - حمله مسلحانه به وزارت امور خارجه خمینی
 - ۱۶ - اعدام انقلابی دوش از افراد گشت موتوری سپاه پاسداران
 - ۱۷ - اعدام انقلابی چند تن از مأمورین غارت و سرکوب خمینی وابسته به "کمیته امور صنعتی امام"
 - ۱۸ - حمله و اعدام انقلابی افراد واحد گشت کمیته مدخلقی منطقه ۸ و همسایره کلیه سلاخ‌ها و تدارکات این مزدوران
 - ۱۹ - اعدام انقلابی آخوند جنا بنگارینام شمس مسئول دایره سرکوب و تفتیش عقاید ژاندارمری
 - ۲۰ - اعدام انقلابی آخوند امین نژاد مسئول دایره سرکوب و تفتیش عقاید نیروی درباری
 - ۲۱ - اعدام واحد گشت تکاوران شاه - خمینی در خیابان جمهوری
 - ۲۲ - شرکت در معاذ در انقلابی ۴ مرکز مالی خمینی
 - ۲۳ - اشغال و به آتش کشیدن انبار نهاد

جمع بندی یکساله مقاومت مسلحانه

بود، قیام را تمام کرد. تعداد آنها هم چندان زیاده نبود (تا حدود ۱۵ هزار نفر) ولی رژیم را ساکت کردند.

جواب ای کاش که از جهات مختلف سیاسی، اجتماعی و نظامی امکان پذیر می‌بود که در همان ۳۰ خرداد و یا حتی قبل از ۳۰ خرداد، مجاهدین سلطه‌ی خمینی در حال را از بین می‌بردند و یا همین طور پس از ۳۰ خرداد دودرخستن سازمان‌های انقلابی مسلحانه، با همراهی نخستین صربه ...

" Que dans les différents domaines politique, social, militaire, les modjahedines avaient eu l'occasion d'anéantir la " domination de Khomeini" le 20 Juin ou même auparavant, ou après et dans la première phase d'un combat révolutionnaire et par le premier coup"

(Document No 7) *

- LA PUBLICATION DE L'UNION DES ASSOCIATIONS DES ETUDIANTS MUSULMANS A L'ETRANGER (U.A.E.M.E), No 52 page 46

حماسه‌های مجاهد خلق،

لحظه‌های انقلاب

میهمانانِ نوروزی

گزارشی از حمایت‌یید ریغ یک خانواده دلیر از رزمندگان مجاهد

تاریخ: نوروز ۶۱

مکان: پایگاه‌های انقلاب...
تهران

دوریشویم...
با شنیدن حرفهای "فرشته"
به یاد مردم و عید افتادم و بعد
به یاد پدر و مادرم و هزاران
پدر و مادری که ماههاست دور از
فرزندان مجاهدشان بسر می‌برند،
فرزندانی که یا در گوشه‌ی
زندانتها و شکنجه‌گاههای خمینی
اسیرند، و یا در پایگاههای
انقلاب در تیردی خونین و
سرنوشت‌ساز پنجه در پنجه‌ی

بلا استفاده مانده است). مرتب
کردن خانه تا حدود نیمه‌شب
طول کشید و دقیقی بعد از
نیمه‌شب هنگامیکه از آمدن
صاحبخانه خبری نشد بترتیب و با
استراحت‌هایی کوتاه شب را به
صبح رساندیم.

ساعت ۱۰ صبح فرشته برای
اطلاع دادن به "مستولین" و
همچنین صحت با خواهر

**افراد خانواده دور سفره هفت شین نشسته بودند
و مشغول صحبت بودند. گویا احتیاجی به توضیح‌ها
نبود زیرا همین که ما به آنها گفتیم که از آنها می‌خواهیم
اجازه بدهند تا یک هفته در خانه‌شان بمانیم همه چیز
را حدس زدند و باروئی باز پذیرفتند.**

صاحبخانه که در اداره... کار
می‌کرد از خانه بیرون رفت و در این
فاصله من سعی کردم عادی‌سازی
خانه را کاملتر کنم ولی هنوز مدت
کوتاهی از رفتن فرشته نگذشته
بود که سرعیا برگشت و گفت
"فورا باید خانه را پاکسازی و
تخلیه کنیم، زیرا خواهر...

وحشی‌ترین دیکتاتوری تاریخ
ایران انداخته‌اند...
سرانجام پس از رسیدن به
میدان انقلاب و مدتی انتظار،
بوسیله‌ی یک تاکسی، خود را به
مقصد رساندیم.

طبق قرار قبلی، می‌بایست
یکی از بچه‌ها که خانه به‌نام او
بود در پایگاه باشد. اما چراغ‌ها
خاموش بود و پس از چند بار
فشاردن زنگ هم خبری از
صاحبخانه نشد. این پایگاه در
محلی بسیار خلوت قرار داشت و
توقف بیش از معمول در آن وقت
شب می‌توانست مسائل ناخواسته‌ای
را بوجود آورد و باعث جلب
توجه واحدهای گشتی رژیم بشود.
بهمین دلیل، فرشته پس از چند
دقیقه، وقتی مطمئن شد کسی در
خانه نیست، گفت: "او کمتر به
این خانه می‌آید. اما طبق قرار
قبلی قرار بود که امشب در خانه
باشد. بهرحال با توجه به
وضعیت ظاهری و اسبابهایی که
همراهمان است باید وارد خانه
شویم." و سپس با کلیدی که
همراه داشت درب خانه را باز
کرد و هر دو به طبقه‌ی بالا رفتیم
و پس از استراحتی کوتاه شروع
به مرتب‌کردن اتاق‌ها و عادی‌سازی
آنها کردیم (چون از ظاهر
اتاق‌ها معلوم می‌شد مدت‌ها

صدای باز و بسته شدن
درب آپارتمان به‌گوش رسید و
لحظاتی بعد "فرشته" عرق ریزان
و نفس‌زنان وارد اتاق شد و
بلافاصله گفت: "پایگاه باید
سریعا تخلیه شود. الان با "م"
تماس گرفتم او گفت، به احتمال
قریب به یقین پایگاه ما برای
مزدوران رژیم لو رفته است و هر
لحظه امکان دارد که کمیته‌چی‌ها
و پاسداران مزدور به اینجا حمل
کنند" و پس از توضیح در مورد
جمع‌آوری مدارک و وسائل
ضروری و... برای انتقال به
پایگاه دیگری که در حوالی
میدان "رسالت" قرار داشت،
مشغول به کار شد.

... ساعتی بعد در حالیکه
سه‌بسته‌ی بزرگ را به سختی با
خود حمل می‌کردیم از خیابانی
تاریک و طولانی که در حوالی
میدان انقلاب قرار داشت، به
طرف میدان "انقلاب" حرکت
کردیم. به‌علت سنگینی بسته‌ها
هرچند قدم یکبار مجبور بودیم
که آنها را بزمین بگذاریم و
نفسی تازه کنیم. به میدان
انقلاب که رسیدیم ساعات
زیادی از شب گذشته بود و
کسانی که در آنموقع با شتاب به
خانه‌های خود می‌رفتند تا شب
عید را در کنار نزدیکان خود
بگذرانند، با دیدن دونفر زن
جوان که با سختی سه‌بسته‌ی
بزرگ و سنگین را با خود حمل
می‌کردند با تعجب ما را
می‌نگریستند. فرشته در حالیکه
شدیدا خسته شده بود گفت:
"شانس آوردیم که شب عیده
و می‌شه با محمل مسافرت،
عادی‌سازی کنیم وگرنه وقتی که با
این وضعیت، توجه مردم عادی
به طرف ما جلب شده، حتما
سگهای زنجیری خمینی یادیدن
ما مشکوک می‌شوند. بهرحال
باید سعی کنیم زودتر از میدان

حمایت‌هایی که تا آنموقع نیز
بارها ما را از تهاجمات
وحشیانه‌ی مزدوران رژیم نجات
داده بود.

نیمساعت بعد، پس از
سوزاندن مدارک داخل پایگاه
و برداشتن وسائل لازم از آنجا
خارج شدیم. باران شدیدی
شروع به باریدن کرده بود و
منطقه‌ی اطراف خانه، بیش‌ازپیش
خلوت بنظر می‌رسید و وجود ما
را با وسائلی که با خود حمل
می‌کردیم نامانوس جلوه می‌داد.
پس از مدتی راهپیمائی،
سرانجام خود را به میدان
رسالت رساندیم و از آنجا با
تاکسی بطرف مقصد براه افتادیم.
مقصد، خانه‌ی یکی از آشنایان
من بود که نمی‌دانستم چگونه با
ما برخورد خواهند کرد. بهمین
دلیل پس از فکر کردن روی محمل
فرشته به او گفتم: "با جوشگفت-
انگیز ترور و وحشت خمینی که به
صغیر و گبیر رحم نمی‌کند،
نمی‌دانم چه پیش خواهد آمد،
مخصوصا اینکه این خانواده در
فاز سیاسی از فعالیت‌های من
اطلاع داشتند ولی خودشان
خیلی فعال نبودند." "فرشته"
در حالیکه به فکر ثرو رفته بود
گفت: "بهرحال باید دید که چه
پیش خواهد آمد. از آنموقع تا
حالا خیلی چیزها عوض شده،
خیلی چیزها...". صدای
راننده، ما را بخود آورد. به
مقصد رسیده‌بودیم به ساعت
نگاه کردم، نزدیک ظهر بود.

برای دومین بار زنگ در را
فشردم و منتظر ایستادم. صدای
گامهای شتابانی که معلوم بود
برای خیس‌نشدن از باران،
عجله دارد بگوش رسید و در
خانه باز شد. زن صاحبخانه بود.

**باشنیدن حرف‌های "فرشته" به یاد مردم وعید
افتادم و بعد به یاد پدر و مادرم و هزاران پدر و مادری
که ماههاست دور از فرزندانشان مجاهدشان بسر می‌برند،
فرزندانی که یاد در گوشه‌ی زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های
خمینی اسیرند، و یاد پایگاه‌های انقلاب در نبرد
خونین و سرنوشت‌ساز پنجه در پنجه وحشی‌ترین
دیکتاتوری تاریخ ایران انداخته‌اند...**

با دیدن ما که با بارهایمان در
آنموقع روز، پشت در ایستاده
بودیم، حسایی تعجب کرده
بود ولی پس از چند لحظه بخود
آمد و با خوشروئی ما را به
داخل خانه برد. در داخل اتاق،
افراد خانواده دور سفره‌ی
هفت‌سین نشسته بودند و مشغول
صحبت بودند. گویا احتیاجی
به توضیح ما نبود زیرا همینکه ما
به آنها گفتیم که از آنها
می‌خواهیم اجازه بدهند تا یک
هفته در خانه‌شان بمانیم همه

سهر روز است که دستگیر شده و
هم‌اکنون تحت شکنجه قرار دارد.
در آن شرایط، امکان
استفاده از پایگاههای دیگر نبود
و ارتباط با پایگاههای دیگر
مدتی وقت لازم داشت.
بهرحال اولین کار، پاکسازی و
تخلیه‌ی خانه بود و بعد هم بر
اساس مقتضیات این شرایط
می‌بایستی تا قرار بعدی و وصل
شدن به دیگر پایگاهها روی
ابتکارات فردی و حمایت‌های
مردمی حساب باز کنیم.

چیز را حدس زدند و با روئی باز
پذیرفتند ولی مساله‌ای وجود
داشت که ممکن بود همه چیز را
عوض کند و موجب بروز حوادثی
بشود و آن مسئله‌ی عید و دید و
بازدیدهای معمول خانوادگی
بود و طبعاً در خانه‌ی کوچک
آنها امکان اینکه ما بتوانیم
بدون برانگیختن کنجکاوی بقیه
درخانه بمانیم کم بود و به همین
دلیل افراد این خانواده شدیدا
برای ما نگران بودند ولی
ساعتی بعد با تصمیم غیرمنتظره
و هوشیارانه‌ای که گرفتند این
مسئله حل شد. یعنی پدر
خانواده ناگهان گویا که کشف
بزرگی کرده‌باشد رو به همسر و
بچه‌هایش کرد و گفت: "یاالله
اسبابها را جمع کنید که باید به
مسافرت برویم" و بعد تلفن را
برداشت و به تمام اقوام و
آشنایانی که امکان داشت برای
دیدوبازدید عید به خانه‌شان
بیایند تلفن زد و پس از
عذرخواهی به آنان خبر داد که
می‌خواهند برای گذراندن
تعطیلات به شمال بروند و
ساعتی بعد پس از آنکه وسائل
لازم را برای ما آماده کردند
عازم رفتن شدند. هنگام خروج،
پدر و مادر خانواده برای
خداحافظی نزد من و فرشته
آمدند و "پدر" در حالیکه با
ناثر و ناراحتی، ما را می‌نگریست
به سفره‌ی هفت‌سین اشاره کرد و
گفت: "خداوند هرچه زودتر شر
خمینی روگم کنه که شب‌عید هم
شما باید دور از پدر و مادر و
مراسم عید خانواده‌تان باشید.
بهرحال مهم نیست. اینها همه
می‌گذره و روزی این ارادل و
اوباش سقوط می‌کنن و مردم
دوباره می‌تونن در صلح و صفا
زندگی کنند. شماها هم سعی
کنید روز عید غصه‌دار نباشید و
کنار این سفره‌ی هفت‌سین به
عوض ما هم بنشینید و شاد
باشید." هنگامیکه برای آنان
توضیح دادیم که این رنج‌ها
هیچکدام ما را ناراحت نمی‌کند
و بخاطر فردای آزادی مردم و
میهن حاضریم هر نوع فشار و
ناراحتی را تحمل کنیم چشمه‌هایمان
غرق در اشک شد و پس از
خداحافظی از ما به سفر رفتند.

یک‌هفته بعد با استفاده از
امکاناتی که این خانوادگی
قهرمان در اختیار ما قرار داده
بودند توانستیم دوباره وصل
شویم و در پایگاهی دیگر برای
فردای صلح و آزادی و فردای
ایرانی آباد و آزاد در کنار دیگر
خواهران و برادرانمان به نبرد
برعلیه خمینی دجال و ضدبشر
ادامه‌دهیم. تا آن نوروز راستین
صلح و آزادی و برادری فرارسد...
★ ★ ★

تروریسم صادراتی

در خدمت سیاست ارتجاعی به اصطلاح صدور انقلاب خمینی!

میهمان دخالت‌های او در کشورهای منطقه نیز تحت بهانه‌ها و با شیوه‌های فوق‌الذکر و به منظور باج‌گیری و زهرچشم گرفتن از آنها افزایش یافت. این سیاست که از ماهیت قرون وسطائی و مطامع توسعه‌طلبانه و ولایت‌سفینی خمینی سرچشمه می‌گیرد همواره با خصلتی جنگ‌افروز و استفاده‌ی بیحد و مرز از شیوه‌های تروریستی همراه بوده است.

در زیر به گزارش مختصری از اقدامات رژیم در پیشبرد سیاست ارتجاعی و توسعه طلبانه‌ی "صدور با اصطلاح انقلاب"؛ خمینی توسط تروریست‌های صادراتی‌اش می‌پردازیم:

پاکستان

— اواسط بهمن ماه امسال رژیم خمینی در پاکستان، با استفاده از زمینه‌های داخلی و تحریک عده‌ای از پاکستانی‌ها توسط ایادی مزدور خود سعی کرد تا آتش اختلافات مذهبی در این کشور را دامن زده و باین ترتیب زمینه‌ی مناسبی برای تبلیغات بنفع حکومت ارتجاعی و ضدبشری‌اش فراهم سازد. اما علمای اهل سنت پاکستان به دخالت‌ها و تحریکات رژیم خمینی اعتراض نموده و خواستار اخراج محمد علی صدیقی "سرکنسول خائن خمینی در کراچی" و برچیده شدن کنسولگری و دفاتر فرهنگی رژیم خمینی شدند. در همین رابطه تظاهراتی بر علیه خمینی و با شعارهای "مرگ بر خمینی"، "سفارت خمینی جلاد را جمع کنید" و... در کراچی صورت گرفت

کودناگرانه در جهت پیشبرد سیاست ارتجاعی با اصطلاح صدور انقلاب و وسیعاً استفاده کرده‌است که بطور خلاصه می‌توان به نمونه‌های بحرین، ترکیه و... اشاره کرد. لازم بتذکر است که مواردی را که ذیلاً ملاحظه می‌کنید، در رابطه با دخالت‌ها و اقدامات تروریستی رژیم در مورد کشورهای همسایه است. اما روشن است که در سایر کشورها نیز تروریست‌های صادراتی خمینی در جهت پیشبرد سیاست‌های رژیم از اعمال هیچ جنایتی خودداری نکرده‌اند.

بحرین

— آبان ماه سال گذشته رژیم خمینی طرحی را برای براندازی رژیم حاکم در بحرین تهیه کرده بود - که در مراحل نهائی با شکست روبرو شد - و اخبار مربوط به آن در رسانه‌های خبری سراسر جهان منعکس گردید. در همین رابطه ۶۰ نفر از کسانی که در این طرح نقش داشتند و در ایران آموزش نظامی دیده بودند، به همراه یک انبار اسلحه و مقدار

از مدتها قبل آشکار شده بود و از طرف دیگر چون طرح‌ریزی و اجرای چنین اقدامی در قدرت این گروه کوچک نبود، مقامات رژیم خمینی علیرغم همه‌ی تندیها نتوانستند دخالت آشکار خود را در این طرح تروریستی پنهان کنند. مضافاً بر اینکه چند روز پس از این جریان ۵ نفر

تا از آن بنفع سیاست "صدور انقلاب"؛ خود بهره‌برداری‌کنند. عامل اصلی اجرا کننده‌ی این طرح، شمس‌الدگانی سفیر خمینی در کویت بود. دولت کویت بهمین مناسبت رسماً به رژیم خمینی اعتراض نمود. دوهفته پس از آن نیز ۲ نفر از تروریست‌های صادراتی

اقدامات رژیم خمینی در جهت تشکیل و تحریک گروه‌ها و دستجاتی در عراق به بهانه‌ی با اصطلاح "صدور انقلاب"؛ از همان ابتدای به قدرت رسیدن خمینی نیز آنقدر آشکارا صورت گرفت که بالاخره، در شهریور ماه سال ۵۹ منجر به تجاوز به خاک ایران و شروع یک جنگ خانمان برانداز برای خلق‌های ایران و عراق گردید.

خمینی، دفتر هواپیمائی کویت در یونان را منفجر کردند که توسط پلیس یونان دستگیر شدند.

هندوستان

— اوائل مهرماه امسال بدنبال تحریکات و درگیری‌هایی که رژیم خمینی در هندوستان بوجود آورده بود، ۸۶ تن از تروریست‌های صادراتی خمینی در این کشور دستگیر شدند. از آنجائی که ردپای رژیم خمینی در این تحریکات و درگیریها بخوبی نمایان بود، سردمداران رژیم ناگزیر از موضعگیری صریح شدند و هاشمی رفسنجانی خائن ضمن حمله به دولت هندوستان و تهدید ضمنی آن، اهداف ارتجاعی و توسعه‌طلبانه‌ی رژیم تجاوزگر خمینی را در خلال صحبت‌هایش آشکار ساخت. او وقیحانه اظهار داشت (روزنامه‌ی جمهوری ۱۰/آذر/۶۱): "هندوستان از مناطق مهمی است که ما باید در جهت معرفی انقلاب اسلامی برای آن اهمیت زیاد قائل شویم." اوائل بهمن ماه امسال نیز رژیم خمینی تهدیدات خود را طبق معمول از طریق تروریست‌های صادراتی‌اش با انفجار بمبی در دهلی‌نو جامه‌ی عمل پوشاند.

عراق

— اقدامات رژیم خمینی در

مسلح که خود را بحرینی معرفی می‌کردند به ساختمان سفارت بحرین در تهران وارد شده و مسئولیت این طرح را بعهده گرفتند. که این جریان نیز دلیل دیگری بر دخالت رژیم خمینی در این اقدام تروریستی بود.

بعد از آن نیز در تهران بارها جمعیتی تحت عنوان "بحرینیهای مقیم تهران" دست

خمینی همواره از این سیاست برای سرپوش گذاشتن بر مشکلات و بحران‌های داخلی‌اش استفاده کرده و در ادامه‌ی سرکوب و وحشیانه‌ی عمومی مردم در داخل، رویای تجدید امپراطوری عثمانی در خارج را در سر می‌پروراند. از اینرو تا سلطه‌ی ننگین خمینی بر میهن ایران باقی است، دخالت‌های او منجمله از طریق اقدامات تروریستی در کشورهای همسایه نیز باقی خواهد بود و تنها با نابودی او و رژیمش این سیاست ارتجاعی و توسعه‌طلبانه نیز به گور سپرده خواهد شد.

به تظاهرات زدند، که آشکارا از جانب رژیم خمینی و ارگان‌های رسمی آن حمایت می‌شدند. آخرین راهپیمائی آنها در تهران در ۲۸ آذر امسال به حمایت از خمینی و برقراری یک جمهوری اسلامی از نوع رژیم خمینی در بحرین برگزار گردید. (روزنامه‌ی جمهوری ۲۹/آذر/۶۱).

کویت

— اوائل آبان ماه امسال رژیم خمینی سعی کرد با استفاده از ایادی خود و تحریک تعدادی از مهاجران ایرانی تظاهراتی در کویت براه بیندازد

زیادی تدارکات در بحرین دستگیر شدند. بعد از این جریان، دولت بحرین، سفیر خود را از ایران احضار کرد و از رژیم خمینی خواست که حسن شوشتری (سفیر خمینی در بحرین) را نیز به ایران فرا خواند. علیرغم اینکه همان موقع تمامی شواهد نشان‌دهنده‌ی آن بود که این طرح مستقیماً توسط رژیم خمینی برنامه‌ریزی و هدایت می‌شده‌است، ولی بنا به صلاحدید رژیم خمینی، گروه عراقی موسوم به "الدعوة" مسئولیت این اقدام را بعهده گرفت. اما از آنجا که از یکطرف روابط نزدیک این گروه با رژیم خمینی - و کمک‌های همه‌جانبه‌ی رژیم به آن -

متعاقب این جریان‌ها رژیم خمینی در ادامه‌ی سیاست‌های ارتجاعی‌اش و با استفاده از تروریست‌های صادراتی خود انفجاراتی در مراکز مختلف در کراچی انجام داد که در این رابطه ۱۲ تن از تروریست‌های صادراتی خمینی - که تحت پوشش دانشجویان به فعالیت مشغول بودند - در این کشور بازداشت گردیدند.

البته اقدامات تروریستی رژیم خمینی در کشورهای دیگر و بخصوص در رابطه با کشورهای همسایه، منحصر به نمونه‌ی پاکستان نبوده است. بلکه مدتهاست که رژیم خمینی از شیوه‌های تروریستی و اقدامات

جهت تشکیل و تحریک گروه‌ها و دستجاتی در عراق به بهانه‌ی با اصطلاح "صدور انقلاب"؛ از همان ابتدای بقدرت رسیدن خمینی نیز آنقدر آشکارا صورت گرفت که بالاخره، در شهریور ماه سال ۵۹ منجر به تجاوز به خاک ایران و شروع یک جنگ خانمان برانداز برای خلق‌های ایران و عراق گردید. البته صرفنظر از تقصیرات عراق در ابتدای جنگ از آن پس نیز اقدامات رژیم در جهت این سیاست ارتجاعی روزبروز افزایش پیدا کرد.

ترکیه

— چند ماه پیش یک گروه که بنفع خمینی و رژیم او در ترکیه فعالیت می‌کردند، توسط رژیم نظامی حاکم بر ترکیه دستگیر شدند.

این نمونه‌ها همه نشان دهنده‌ی اینست که چگونه رژیم ارتجاعی خمینی برای پیشبرد اهداف توسعه‌طلبانه‌اش از حربه‌ی تروریسم در ابعاد وسیع استفاده کرده و تحت عنوان سیاست با اصطلاح "صدور انقلاب" رسماً در امور داخلی کشورهای دیگر - بخصوص کشورهای همسایه - دخالت می‌کند. گرچه اهداف ارتجاعی این سیاست، همچون ماهیت ضدبشری رژیم خمینی در سطح وسیعی در جهان آشکار و با تنفر عمومی روبرو گردیده‌است، اما خمینی هیچگاه از جنگ‌افروزی و سیاست ارتجاعی "صدور با اصطلاح انقلاب"؛ خود دست نخواهد کشید، چرا که او همواره از این سیاست برای سرپوش گذاشتن بر مشکلات و بحران‌های داخلی‌اش استفاده کرده و در ادامه‌ی سرکوب و وحشیانه‌ی عمومی مردم در داخل، رویای تجدید امپراطوری عثمانی در خارج را در سر می‌پروراند. از اینرو تا سلطه‌ی ننگین خمینی بر میهن ایران باقی است، دخالت‌های او از طریق اقدامات تروریستی منجمله در کشورهای همسایه نیز باقی خواهد بود و تنها با نابودی او و رژیمش این سیاست ارتجاعی و توسعه - طلبانه به گور سپرده خواهد شد.

قریب ۴ ماه، از انتشار مجدد نشریه‌ی مجاهد می‌گذرد، در این مدت نامه‌های بسیاری از هواداران سازمان، اقشار مختلف مردم و بویژه هسته‌های مقاومت مسلحانه دربارہی مسایل گوناگون اجتماعی، اقتصادی، امنیتی اطلاعاتی، نظامی و زندگی‌نامه‌ی شهدا، حماسه‌های مقاومت و... بدستمان رسیده است. بعضی از این نامه‌ها حاوی گزارشات و اطلاعات با ارزش و ذی‌قیمتی بوده است. مثلا تاکنون گزارشات زنده و مستقیمی توسط مردم و هوادارانی که از نزدیک شاهد درگیری‌ها و حماسه‌های مقاومت رزمندگان مجاهد خلق در داخل پایگاه‌های مقاومت و یا در جریان عملیات انقلابی و... بوده‌اند بدستمان رسیده که هر یک بنوبه‌ی خود بسیار ارزنده و جالب هستند. در همین‌جا بایستی خاطر نشان کرد که ما پس از دریافت این نامه‌ها و گزارشات و... آنها را بررسی نموده و هر کدام را به بخش‌ها و مسئولین مربوطه در سازمان می‌رسانیم تا آن را پیگیری نمایند و خود ما نیز آنچه را که برای درج در نشریه و یا تهیه گزارشات و مقالات و یا پاسخگویی لازم باشد مورد استفاده قرار داده و خواهیم داد.

بهرحال، ضمن تقدیر و تشکر از همه‌ی خواهران و برادرانی که از این طریق نیز به یاری انقلاب شتافته‌اند، برای آنها آرزوی موفقیت و پیروزی می‌نمائیم.

نکته‌ی قابل توجهی که در بعضی نامه‌ها بچشم می‌خورد، اینست که بعضا سوال می‌شود آیا نامه‌ها بدست ما (نشریه‌ی مجاهد) می‌رسد یا نه؟ و در همین رابطه برخی از خواهران و برادران نوشته‌اند که دلیل عدم اطمینان از وصول نامه‌هایشان، مطالب خود را بطور محوری و مختصر نوشته‌اند. آنها همچنین خواسته‌اند تا خبر دریافت نامه‌هایشان، بنحوی در نشریه‌ی مجاهد اعلام شود.

در رابطه با این مسئله بایستی بطور کلی به همه‌ی خوانندگان عزیز متذکر شویم که درج همین مقاله در نشریه و رسیدن "مجاهد" بدست شما و بخصوص نامه‌هایی که از جانب شما دریافت کرده‌ایم، خود بهترین گواه رسیدن نامه‌های شماست. بنابراین نباید به رژیم و توانائی‌هایش و قدرت‌نمایی‌های کاذبش پربها داد بلکه باید با شناخت شیوه‌های ضدانقلابی دشمن در زمینه تلاش برای قطع این ارتباط، با استفاده از شیوه‌های متنوع و مبتکرانه، تاکتیک‌های دشمن را

در این زمینه نیز خنثی نمود. مطمئنا همچنانکه تاکنون توانستیم تمامی اقدامات سرکوبگرانه و مکرهای شیطانی و اهریمنانه‌ی رژیم را که در جهت نابودی انقلاب و پرچمدارانش اعمال نموده خنثی کنیم و مسیر پریچ و خم مبارزه را علیرغم تمامی وحشیگری و جنایات خمینی طی نمائیم در این مورد نیز می‌توان اقدامات رژیم را با هوشیاری، ابتکار و خلاقیت و پیگیری خنثی نمود. همچنانکه تاکنون نیز عملا تجربه کرده‌اید.

مسئله زندگی‌نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها و عکس و اسناد مربوط به شهدا و همچنین اشعار و طرح‌ها و دیگر گزارشات عام را می‌توانید بصورت عادی، اما از چند کانال برای "مجاهد" پست کنید.

– شیوه‌ی دیگر استفاده از کانال‌های واسط می‌باشد. شما می‌توانید با پیدا کردن احیانا فامیل یا دوست و یا آدرس آشنائی در خارج از کشور برای خود، نامه‌هایتان را برای او پست‌نمائید. و از او بخواهید تا "نامه‌های مخصوص نشریه" را به

مسئله زندگی‌نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، عکس و اسناد مربوط به شهدا و همچنین اشعار و طرح‌ها و دیگر گزارشات عام را می‌توانید بصورت عادی، اما از چند کانال برای "مجاهد" پست کنید.

– شیوه‌ی دیگر استفاده از کانال‌های واسط می‌باشد. شما می‌توانید با پیدا کردن احیانا فامیل یا دوست و یا آدرس آشنائی در خارج از کشور برای خود، نامه‌هایتان را برای او پست‌نمائید. و از او بخواهید تا "نامه‌های مخصوص نشریه" را به

در این زمینه نیز خنثی نمود. مطمئنا همچنانکه تاکنون توانستیم تمامی اقدامات سرکوبگرانه و مکرهای شیطانی و اهریمنانه‌ی رژیم را که در جهت نابودی انقلاب و پرچمدارانش اعمال نموده خنثی کنیم و مسیر پریچ و خم مبارزه را علیرغم تمامی وحشیگری و جنایات خمینی طی نمائیم در این مورد نیز می‌توان اقدامات رژیم را با هوشیاری، ابتکار و خلاقیت و پیگیری خنثی نمود. همچنانکه تاکنون نیز عملا تجربه کرده‌اید.

مسئله زندگی‌نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، عکس و اسناد مربوط به شهدا و همچنین اشعار و طرح‌ها و دیگر گزارشات عام را می‌توانید بصورت عادی، اما از چند کانال برای "مجاهد" پست کنید.

– شیوه‌ی دیگر استفاده از کانال‌های واسط می‌باشد. شما می‌توانید با پیدا کردن احیانا فامیل یا دوست و یا آدرس آشنائی در خارج از کشور برای خود، نامه‌هایتان را برای او پست‌نمائید. و از او بخواهید تا "نامه‌های مخصوص نشریه" را به

در این زمینه نیز خنثی نمود. مطمئنا همچنانکه تاکنون توانستیم تمامی اقدامات سرکوبگرانه و مکرهای شیطانی و اهریمنانه‌ی رژیم را که در جهت نابودی انقلاب و پرچمدارانش اعمال نموده خنثی کنیم و مسیر پریچ و خم مبارزه را علیرغم تمامی وحشیگری و جنایات خمینی طی نمائیم در این مورد نیز می‌توان اقدامات رژیم را با هوشیاری، ابتکار و خلاقیت و پیگیری خنثی نمود. همچنانکه تاکنون نیز عملا تجربه کرده‌اید.

رهنمودهائی در رابطه با نامه‌های ارسالی به "مجاهد"

مسئله زندگی‌نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، عکس و اسناد مربوط به شهدا و همچنین اشعار و طرح‌ها و دیگر گزارشات عام را می‌توانید بصورت عادی، اما از چند کانال برای "مجاهد" پست کنید.

– شیوه‌ی دیگر استفاده از کانال‌های واسط می‌باشد. شما می‌توانید با پیدا کردن احیانا فامیل یا دوست و یا آدرس آشنائی در خارج از کشور برای خود، نامه‌هایتان را برای او پست‌نمائید. و از او بخواهید تا "نامه‌های مخصوص نشریه" را به

مسئله زندگی‌نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، عکس و اسناد مربوط به شهدا و همچنین اشعار و طرح‌ها و دیگر گزارشات عام را می‌توانید بصورت عادی، اما از چند کانال برای "مجاهد" پست کنید.

– شیوه‌ی دیگر استفاده از کانال‌های واسط می‌باشد. شما می‌توانید با پیدا کردن احیانا فامیل یا دوست و یا آدرس آشنائی در خارج از کشور برای خود، نامه‌هایتان را برای او پست‌نمائید. و از او بخواهید تا "نامه‌های مخصوص نشریه" را به

تاکنون از جانب شما خوانندگان عزیز "مجاهد" بدست ما رسیده، آن تعداد از نامه‌ها که جنبه‌های تشکیلاتی داشته (فی‌المثل مربوط به خواهران و برادرانی بوده که ارتباطشان با سازمان قطع شده و از طریق دادن رد و آدرس، خواستار وصل مجدد شده بودند) و یا نامه‌هایی که جنبه‌های اطلاعاتی خاص داشتند، ما آنها را به بخش‌ها و فرماندهان مربوطه رسانده‌ایم تا مسائل آن را پیگیری نمایند. دربارہی سایر نامه‌ها، که اقشار مختلف مردم، با علاقه و احساس مسئولیت، در زمینه‌ی مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی،... افکارسنجی،... شعر، طرح... تهیه و ارسال نموده‌اند، ما تا آنجا که مقدور بوده در موضوعات و مقالات هفتگی "مجاهد" بطریقی از آنها استفاده نموده‌ایم و بهمین روال

شما می‌توانید با کمی فکر و انرژی، حتی راه‌ها و شیوه‌های جدیدی، جهت ارتباط با مجاهدین و ارسال نامه برای "مجاهد" را کشف و ابداع نموده و به دیگران نیز آموزش دهید.

نیز ادامه خواهیم داد. بویژه در این میان ارسال زندگی‌نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، خاطرات و شرح حماسه‌های شهدای مجاهد خلق، و تصاویر آنان، از ارزش زیادی برخوردار بوده است.

در مورد انعکاس نامه‌ها در "مجاهد" سر نماند بوضوح دهم

نیز ادامه خواهیم داد. بویژه در این میان ارسال زندگی‌نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، خاطرات و شرح حماسه‌های شهدای مجاهد خلق، و تصاویر آنان، از ارزش زیادی برخوردار بوده است.

در مورد انعکاس نامه‌ها در "مجاهد" سر نماند بوضوح دهم

که آن دسه از نامه‌هایی که با نام‌های اصلی نویسنده‌شان برای ما پست شده‌اند، همانگونه که می‌دانید بدلائل امنیتی انعکاسشان در نشریه درست نیست. در همینجا نیز به کلیه‌ی خواهران و برادرانی که برای "مجاهد" نامه ارسال می‌کنند و می‌خواهند از وصول نامه‌هایشان مطمئن شوند، پیشنهاد می‌کنیم که برای خود نام مستعار و یا شماره "کد" خاصی را انتخاب نمایند، تا ما بتوانیم با درج این اسامی و یا کدها، آنها را، از رسیدن نامه‌هایشان مطلع کنیم. اینک برای نمونه به چند نامه که بعضا نویسندگان آن، برای خود نام مستعار انتخاب کرده‌اند، اشاره می‌کنیم:

* هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید مجید بنی‌جمال - اخبار و گزارشات تازه‌ی دربارہی رفتار غیرانسانی و رذیله‌ی مزدوران خمینی نسبت به خواهران زندانی ارسال داشته است.

* خواهر آزاده - طی نامه‌ی مبسوطی، اطلاعات قابل توجهی از وضعیت زندانیان مجاهد و مبارز در یکی از شهرهای شمالی کشور برای ما ارسال کرده‌اند.

همچنین فرار موفقیت‌آمیز چند تن از رزمندگان مجاهد از زندان این شهر (در حالی که در بیدادگاه رژیم به اعدام محکوم شده بودند) را، گزارش نموده‌اند.

* خواهر یا برادر دیگری با نام اختصاری "آ-ح" نوشته‌اند که در تلاش برای وصل شدن مجدد به سازمان هستند، اما در همین مدت قطع ارتباط نیز خطوط و رهنمودهای سازمان را از طریق "مجاهد" دریافت می‌کنند.

* برادر... نامه‌ی مفصلی از اخبار مقاومت مسلحانه، وضعیت زندان‌های رژیم، روحیه انقلابی زندانیان، ددمنشی‌های ایادی خمینی و شلاق زندان‌های آنان در ملاء عام و... ارسال داشته‌اند.

* خواهری با نام مستعار آزاده‌ی محبی، ضمن آنکه توضیح داده‌اند برای ارتباط با سازمان و هسته‌های مقاومت تلاش می‌کنند، چند طرح و یک قطعه شعر خود را برای ما ارسال داشته‌اند.

* برادر... دانش‌آموز یکی از شهرهای شمالی کشور، گزارشی جالب از وضعیت دبیرستان خود نوشته‌اند و نمونه‌هایی از اعتراضات دستجمعی دانش‌آموزان، علیه مسئولان مرتجع دبیرستان را ذکر کرده‌اند.

* خواهر فرزانه گزارشی از افکار عمومی قشرهای گوناگون جامعه بویژه دربارہی بی‌آیندگی رژیم خمینی و... برای ما فرستاده‌اند.

* برادر... دانش‌آموز دبیرستان... گزارش جالبی از جو جامعه و وضعیت دبیرستان خود و نقش جاسوس‌های انجمن ضد اسلامی مدرسه و مقابله‌ی دانش‌آموزان با آنان را، ارسال داشته‌اند.

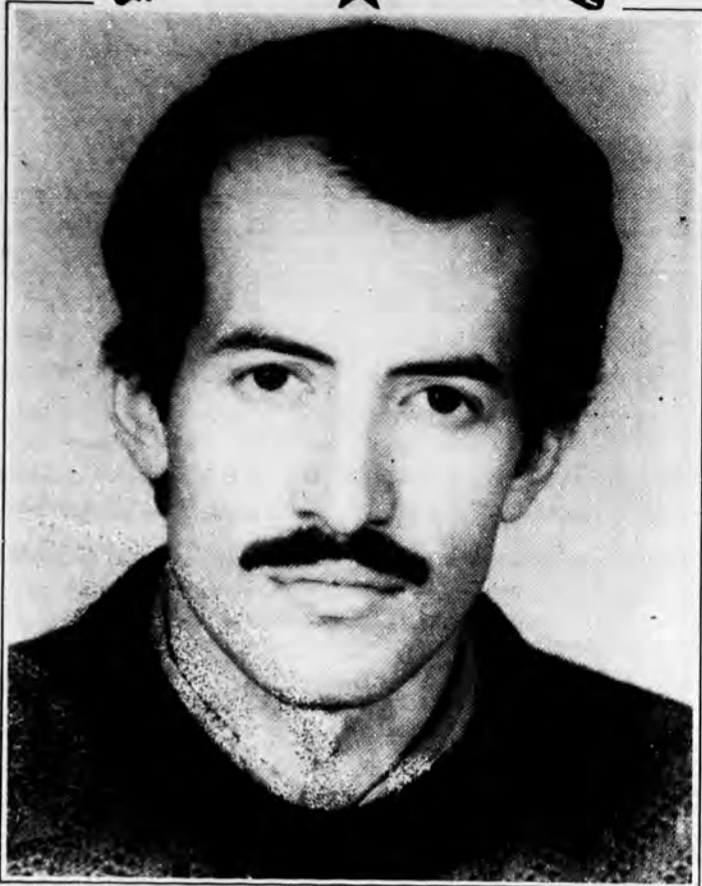
* خواهر... گزارشی از وضعیت ماشین‌های گشتی سپاه (تویوتا) و وضعیت زندان اوین ارسال کرده‌اند.

*... در خاتمه مجدداً ضمن تشکر از خوانندگانی که با پیگیری و احساس مسئولیت انقلابی بخشی از وقت و انرژی خود را در جهت ارتباط با نشریه و ضدای مجاهد صرف می‌کنند موفقیتشان را آرزو می‌کنیم *

یاد مجاهد شهید

فرمانده محمود ملک مرزبان گرامی باد

قَدْ أَفْلَحَ اللَّهُ الْجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِينَ جِرَاعِيًّا



مجاهد شهید محمود ملک-مرزبان، سال ۱۳۲۸ در گرمابک، از روستاهای اطراف جالوس، بدنیا آمد و تحصیلات ابتدائی را تا کلاس چهارم در همانجا گذراند. ۹ ساله بود که خانواده اش مجبور به ترک روستا و مهاجرت به تهران شدند. محمود که علاقه‌ی شدیدی به مردم زحمتکش روستا داشت، پس از آمدن به تهران نیز هر ساله در فصل تابستان به آنجا می‌رفت و در کارهای مختلف از جمله جمع‌آوری هیزم، شخم زدن زمین، برداشت محصول و... به روستائیان محروم کمک می‌کرد. محمود پس از اتمام تحصیلات متوسطه به سربازی رفت. در این دوره نیز بدلیل خصوصیات اخلاقی و مردمی‌اش، از محبوبیت بسیاری در بین سربازان و سایر پرسنل و دوستانش برخوردار بود و در عین حال بخاطر آگاهی‌ها و شهامت و جسارتی که داشت، همواره در مقابل زورگوئی‌ها و نابرابری‌های ناشی از سیستم ضد خلقی حاکم بر ارتش شاهنشاهی ایستادگی می‌کرد و در همین رابطه نیز چندبار بازداشت گردید و دست آخر هم بعنوان تنبیه او را خلع درجه کردند.

پس از پایان دوره‌ی سربازی، مجاهد شهید محمود ملک مرزبان در دانشگاه تهران به ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی تاریخ پرداخت. ورود به دانشگاه، آغاز دوران جدیدی در فعالیت سیاسی و مبارزاتی او بود. پس از مدتی کوتاه، محمود، بعنوان یکی از موثرترین عناصر راه‌اندازی اعتصابات و دیگر حرکت‌های اعتراضی بر علیه رژیم شاه خائن در دانشگاه، در میان دانشجویان انقلابی شناخته شد. همچنین در این دوران بود که او از طریق مطالعه‌ی آثار و زندگی‌نامه‌های شهدای مجاهد خلق و نیز ارتباط با دانشجویان هوادار سازمان، با اهداف و آرمان‌های توحیدی و انقلابی مجاهدین آشنا شد و به ترویج و اشاعه‌ی فرهنگ انقلابی مجاهدین در میان دانشجویان پرداخت. همزمان با اوجگیری اعتصابات و تظاهرات دانشجویی در سال ۵۳، مزدوران شاه که به نقش ویژه‌ی محمود در راه‌اندازی اینگونه حرکت‌های اعتراضی در

دانشگاه تهران پی برده بودند، در صدد دستگیری او برآمدند، اما علیرغم بسیج تعداد زیادی از مزدوران و محاصره‌ی کلیه‌ی درهای خروجی دانشگاه، محمود توانست با هوشیاری و چابکی خاص خود از چنگ آنان فرار کند. به این ترتیب مجاهد شهید محمود ملک مرزبان به زندگی مخفی روی آورد و پس از مدتی موفق شد که در ارتباط مستقیم با سازمان قرار گیرد. محمود که از مدت‌ها قبل در انتظار چنین روزی بسر می‌برد، با پیوستن به سازمان، دوران شکوفائی انقلابی‌اش را آغاز نمود.

از جمله مسئولیت‌هایی که مجاهد شهید محمود ملک مرزبان در اوائل عضویتش در سازمان عهده‌دار گردید، ایجاد و حفظ ارتباط با دانشجویان مبارز و انقلابی دانشگاه تهران بود. لذا علیرغم مخاطرات فراوانی که تردد او- بعنوان یک چهره‌ی شناخته شده و مخفی - به دانشگاه دربرداشت، محمود توانست با هوشیاری و دقت فراوان، بخوبی از عهده‌ی انجام این مسئولیت برآید.

مجاهد شهید محمود ملک-مرزبان از تحرک و سرعت عمل

مواجهه با جریان خیانت‌بار اپورتونیستی چپ‌نما در درون سازمان نیز صحنه‌ی آزمایش دیگری بود که جوهر انقلابی و وفاداری عمیق محمود به مواضع توحیدی مجاهدین را اثبات نمود. سازش‌ناپذیری او چه در مقابل اپورتونیست‌های چپ‌نما و چه در برابر جریان ارتجاعی و تلاش او در جهت پیوستن به جریان اصیل سازمان، فصل درخشان دیگری در زندگی مبارزاتی این مجاهد دلیراست.

در سال ۵۵ مجاهد شهید محمود ملک مرزبان به همراه هم‌رزم دیگرش مجاهد شهید محسن افسون، برای کسب آموزش‌های نظامی بیشتر به پایگاه‌های مقاومت فلسطین عزیمت کرد. او برای خروج از مرز مدتی در بین چادر نشینان کرد زندگی کرد و بیش از پیش با رنج و ستمی که بر محرومان و زحمتکشان میهن‌مان می‌رفت، آشنا شد. بعدها محمود از این دوران، خاطرات بسیاری را نقل می‌کرد.

طی یکسال و نیم اقامت در پایگاه‌های مقاومت انقلاب فلسطین، محمود استعداد و پشتکار فوق‌العاده‌ی او در کسب مهارت‌های نظامی از خود نشان

شکوفائی سازمان، محمود نیز همچون دیگر خواهران و برادران مجاهدش، عهده‌دار مسئولیت‌های سنگین‌تری شد. او از ابتدای تشکیل ستادهای سازمان، یکی از مسئولین آموزش نظامی بود و پس از تشکیل "میلیشیا" نیز مسئولیت‌های متعدد و عمده‌ای را در این رابطه بعهده داشت. هنگام برگزاری رژه‌ی پرشکوه میلیشیا در فروردین ۵۹، و در لحظاتی که مردم صمیمانه

کارشبانه‌روزی مداوم در جهت طراحی عملیات و اتخاذ تاکتیک‌های نوین، جمع‌بندی و انتقال تجارب صحنه‌های نبرد مسلحانه و مدون کردن آموزش‌های نظامی، در کنار فشار جانگناه شهدا دت‌های خواهران و برادران مجاهد، بار سنگینی بود که بردوش محمود، بعنوان یکی از فرماندهان مجاهد خلق، قرار داشت و او با اتکاء بر تجارب غنی خود از سال‌ها شرکت فعال در نبردهای انقلابی، بخوبی از عهده‌ی این مسئولیت سنگین برآمد.

از فرزندان مجاهد خود استقبال کرده و فریادهای "درود بر میلیشیا قهرمان" در خیابان‌ها بگوش می‌رسید، محمود نیز بعنوان یکی از فرماندهان میلیشیا در صحنه حضور داشت.

پس از شروع جنگ و ورود ارتش عراق به خاک ایران، محمود ماموریت یافت تا تعدادی از واحدهای مقاومت مجاهدین را در شهرهای مختلف خط مقدم جبهه سازمان دهد. لیکن پس از مدتی، با تشدید فشارها و دستگیری و شکنجه‌ی اعضا و هواداران سازمان در جبهه‌ها و اخراج رسمی آنها توسط رژیم جنایتکار خمینی محمود نیز اجباراً به تهران بازگشت.

داد، بطوری که پس از پایان دوره‌ی آموزشی در واحدهای کاه و سایر رزمندگان فلسطینی، دوره‌ی آموزشی را می‌گذراندند، مقام دوم را کسب کرد و مورد تقدیر فرماندهی کل انقلاب فلسطین برادر ابوعمار- یاسر عرفات - قرار گرفت.

محمود هنگام بازگشت از فلسطین، در حالی که مقادیری سلاح نیز به همراه داشت، توسط مزدوران شاه خائن دستگیر شد اما توانست از چنگ آنان بگریزد و به سایر هم‌زمانش بپیوندد.

پس از پیروزی انقلاب و شروع دوران جدید حرکت و

بسیار بالای برخوردار بود. یکبار هنگامی که به روستای زادگاهش رفته بود، در محاصره‌ی مزدوران شاه که برای دستگیری او در آنجا کمین گذاشته بودند، قرار گرفت، ولی او توانست از چنگ آنان بگریزد و در حالی که مزدوران برویش رگبار آتش گشوده بودند، پس از طی مسافتی در جنگل، شب را در میان اهالی یکی از روستاها بسر برد و سپس خود را به تهران رساند. در تهران نیز چندین بار محمود مورد شناسائی و یا سوء-ظن مزدوران شاه قرار گرفت، اما هربار توانست از چنگ دشمن بگریزد.

یادآوری این نکته ضروریست که مجاهد شهید محمود ملک مرزبان در تدوین کتاب پرارزش "شیوه‌های مقاومت مردمی نقش ویژه‌ای داشت. پس از ۳۰ خرداد ۶۰ با بغرض در آمدن بمب‌ها و مسلسل‌های مجاهدین که خشم خلق را بر علیه رژیم ضد بشری خمینی فریاد می‌کرد، مجاهد دلیر محمود ملک مرزبان نیز بعنوان یکی از فرماندهان و مسئولین نظامی سازمان، فراز جدیدی از زندگی پربار تشکیلاتی و انقلابی خود را آغاز نمود. او همچون سایر فرماندهان نظامی سازمان، در پرتو خطوط روشن و انقلابی سازمان، مسئولیت خطیر فرماندهی نیروهای مقاومت مجاهدین را در نبرد تاریخساز کنونی بر علیه رژیم ضد بشری خمینی بدوش کشید.

کار شبانه‌روزی مداوم در جهت طراحی عملیات و اتخاذ تاکتیک‌های نوین، جمع‌بندی و انتقال تجارب صحنه‌های نبرد مسلحانه و مدون کردن آموزش‌های نظامی، در کنار فشار جانگناه شهدا دت‌های خواهران و برادران مجاهد، بار سنگینی بود که بر دوش محمود، بعنوان یکی از فرماندهان مجاهد خلق، قرار داشت و او با اتکاء بر تجارب غنی خود از سال‌ها شرکت فعال در نبردهای انقلابی، بخوبی از عهده‌ی این مسئولیت سنگین برآمد.

از جمله یادگارهای باارزش و فراموش‌ناشدنی محمود در این بقیه در صفحه‌ی ۳۰

۲۹ اسفند سالروز ملی شدن صنعت نفت ایران

دیگر هیچ وعده و فریبی نتوانست جای "نفت ملی شده" را در باور مردم بگیرد.

دکتر محمد مصدق پرچمدار این حرکت مردمی، از همان آغاز با توطئه‌ها و دسیسه‌های مکرر امپریالیسم و نوکران جیرم-خوار آن در "دربار" مواجه بود و ضربات بسیاری نیز از خیانتها و کارشکنیهای جناح ارتجاعی کاشانی و حزب خیانت‌پیشه‌ی توده (جریان توده - نفتی) متحمل گردید. خیانت‌هایی که تا مرز طرح‌ریزی توطئه‌های مشترک برای بقتل رساندن مصدق و یارانش، و "خائن" و "آمریکائی" خواندن او پیش رفته بود و سرانجام نیز زمینه‌ساز کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ و سرنگونی حکومت ملی دکتر مصدق گردید.

اینک پس از گذشت ۳۲ سال از پیروزی عظیم نهضت ملی کردن نفت، خلق ما شاهد یکی از خیانت‌بارترین حراجهای بیسابقه‌ی نفت توسط دست - پرورده‌ی کاشانی خائن و جان‌نشین خلف شاه - "خمینی دجال" که البته این بار هم از کمکهای بی‌شائبه‌ی بازماندگان همان جریان توده - نفتی به تمام و کمال برخوردار است - می‌باشد. خیانتی که ابعاد فاجعه‌آمیز آن، نه تنها دامنگیر خلق ما و

۲۹ اسفند سال ۱۳۲۹ روزی تاریخی و فراموش‌ناشدنی در تاریخ معاصر میهن ماست. در این روز لایحه‌ی قانونی کمیسیون نفت مبنی بر ملی کردن صنعت نفت ایران، بتصویب رسید و به این ترتیب نهضت ملی ایران برهبری پیشوای فقید دکتر محمد مصدق، توانست با کسب این پیروزی تاریخی از یکسو امپریالیسم کهنه‌کار انگلیس و امپریالیسم تازه‌نفس آمریکا را به وحشت اندازد و از سوی دیگر موجی از شور و شرف در بین توده‌های مردم بوجود آورد و مبارزات ضد استعماری منطقه را جان تازه‌ای بخشد.

شعار ملی شدن نفت در فاصله‌ی پایان مجلس پانزدهم و آغاز مجلس شانزدهم، در جریان تظاهرات مردمی بر علیه شرکت نفت ایران و انگلیس مطرح شد، و در آذرماه ۱۳۲۹، پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت ایران در تمام نقاط کشور توسط دکتر محمد مصدق و سایر نمایندگان ملی در مجلس به کمیسیون نفت ارائه گردید. این شعار که بیان یکی از آرزوهای دیرین مردم محروم ما و نمود عینی مبارزه‌ی خلق بر علیه امپریالیسم انگلیس بود سرعت در میان توده‌های مردم راه یافت و آنچنان شور و حرکتی در صفوف خلق ایجاد کرد که

نامه دفتر مجاهدین خلق در پاریس

به دفتر کمیسیون حقوق بشر

سازمان ملل متحد

دفتر کمیسیون حقوق بشر
سازمان ملل متحد

محترماً،

به‌ضمیمه، اسامی و مشخصات بالغ بر ۱۲۰۰ نفر از ۶۰ هزار زندانی سیاسی را که هم‌اکنون در زندان‌های خمینی بسر می‌برند به حضورتان ارسال می‌داریم.

بدست آوردن اسامی تمام زندانیان، در شرایط اختناق و حشمتناک خمینی - که در واقع همه‌ی ایران را به یک زندان بزرگ تبدیل کرده - بسختی میسر است. اما کوشش می‌کنیم بازهم اسامی بیشتری تهیه و ارسال کنیم. ولی در این مورد پیشنهاد می‌کنیم که سازمان شما طی یک فراخوان عمومی از همه‌ی خانواده‌های ایرانی که بستگانشان زندانی سیاسی رژیم خمینی هستند، بخواهد تا اسامی و مشخصات آنها را برای یک آدرس معین در خارج کشور ارسال دارند.

این روش بدلیل کمتر شدن خطر برای خانواده‌های زندانیان احتمالاً موثرتر خواهد بود. در

این رابطه ما برای هرگونه کمک یا راهنمایی دقیق‌تر آماده هستیم. زندانیان سیاسی ایران اکنون در بدترین شرایط زیستی بسر می‌برند. و علاوه بر کمبود جا و غذا و محرومیت از حداقل امکانات بهداشتی و پزشکی (در عین رنج بردن از انواع بیماری‌ها)، سخت‌ترین شکنجه‌ها نیز بر آنها اعمال می‌شود.

در بین این زندانیان تعداد زیادی کودکان خردسال (حتی کودک یازده ماهه که تاکنون بالغ بر ۷ ماه از عمر کوتاهش را در زندان بسر برده) و پیرمردان و پیرزنان و زنان حامله دیده می‌شوند.

بدینوسیله تقاضا داریم اقدامات لازم را برای بازدید از زندان‌های رژیم خمینی و حفظ جان زندانیان سیاسی در ایران بعمل آورید.

با تشکر:

دفتر مجاهدین خلق در پاریس

۸۳/۲/۱۵

۶۱/۱۱/۲۶

رونوشت: دفتر عفو بین الملل

دفتر صلیب سرخ جهانی

آن از خمینی و خمینی پرستان خبری نخواهد بود و مردم بر ویرانه‌های کاخ ظلم پای خواهند کوبید، آنگاه هم‌زمانش را به داشتن روحیه‌ی استوار، گام‌هایی محکم و تزلزل‌ناپذیر، و روحیه‌ی سرسخت و مقاوم در برخورد با مشکلات راه پرپیچ‌وخم انقلاب فراخواند.

فردای آرزو و در اولین روز "عید خون" پس از آنکه دستور تخلیه‌ی پایگاه را - بدلیل برخی موارد مشکوک و ... - صادر کرد، برای آخرین بار بایاران خود وداع کرد و پس از گفتن توصیه‌ها و یادآوری‌های لازم، پایگاه را ترک نمود، اما کمی دورتر از پایگاه در تور محاصره‌ی پاسداران مزدور خمینی که به یکی از پایگاههای مقاومت مجاهدین یورش آورده بودند، قرار گرفت و پس از نبردی نابرابر، آنچنانکه خود همیشه آرزو داشت "قهرمانانه" و "پس از بهلاکت رساندن تنی چند از مزدوران پست دشمن" بشهادت رسید.

یادفرمانده‌ی دلیر مجاهد خلق

محمود ملک مرزبان

گرامی باد

بقیه/صفحه‌ی ۱۹

یاد مجاهد شهید فرمانده

محمود ملک مرزبان گرامی باد

بویژه از سمبل‌های آن صحبت می‌کرد، احترامی عمیق نسبت بانها در تک‌تک کلماتش بچشم می‌خورد. احترامی که بیانگر عمق اعتماد و ایمان او نسبت به خطوط انقلابی سازمان و آرمان‌های والای توحیدی مجاهدین خلق بود. او در عین برخورد‌های قاطع و جدی با تحت مسئولینش، رابطه‌ای صمیمانه و نزدیک با آنها داشت و مسئولانه با ارائه‌ی رهنمودهای مناسب آنها را در حل تضادها و مشکلات یاری می‌کرد.

شب قبل از شهادتش در جمع هم‌زمانش در پایگاه، به مناسبت چهارم شهادت سردار کبیر انقلاب "موسی" ساعتها صحبت کرد. از موسی گفت، از سازمان گفت، از گذشته‌های سخت، سنگینی نبرد امروز و آینده‌ی بسیار روشن و تابناک و فردای پیروزی صحبت کرد، از روزی سخن می‌گفت که دیگر در

دوران، تدوین ۱۴ مقاله‌ی آموزش نظامی بود که در اختیار رزمندگان مجاهد خلق قرار گرفت.

محمود که سمبل تحرک، هوشیاری و نظم و دیسیپلین انقلابی بود، در هر پایگاهی که حضور می‌یافت، باعث شور و نشاط انقلابی دیگر هم‌زمانش می‌شد. او علیرغم مسئولیت‌های سنگینی که به عهده داشت، توجه ویژه‌ای نیز به افراد تحت مسئولیتش و همچنین انتقال تجارب نظامی، حسابرسی مداوم و منظم و ... مبذول می‌کرد. او همیشه هم‌زمانش را به ضرورت هوشیاری مداوم و عدم غفلت در نبرد با دشمن توصیه می‌کرد و مرتباً این جمله را می‌گفت که: "وای بر ما اگر هوشیاری خودمانرا از دست بدهیم و روزی دشمن ما را غافلگیر کند..." مجاهد شهید محمود ملک مرزبان هرگاه که از سازهان و

بقیه/صفحه‌ی ۲

تلگراف مسئول شورای ملی مقاومت به دبیرکل

سازمان ملل متحد درباره‌ی مخالفت رژیم خمینی

با اعزام هیئت تحقیق این سازمان به ایران

بدینوسیله آمادگی کامل خود را برای هرگونه همکاری، منجمله اعزام نماینده‌ی رسمی شورا و مترجمین و راهنمایان لازم در معیت هیئت مزبور را اعلام می‌دارد.

آقای دبیرکل، ضروری است با سیاستگزاری مجدد از شخص شما و کمیسیون حقوق بشر یادآوری کنم که ملت ایران هرگز همدردی ملل متحد در سیاهترین ایام تاریخ خود را از یاد نخواهد برد.

با احترام

مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت

۲۴ اسفندماه ۶۱

۱۵ مارس ۸۳

اعلام شده‌ی خود را در صورت صدور قطعنامه پس خواهد گرفت و سپس بعد از صدور قطعنامه رسماً پذیرش نماینده‌ی سازمان ملل متحد را رد نموده و آن را بی‌فایده خواند.

بدین ترتیب رژیم خمینی یکبار دیگر به جهانیان نشان داد که سرکوب و نقض حقوق بشر در ایران آنچنان شدید است که این رژیم هرگز ظرفیت و تحمل یک رسیدگی آزاد و بی‌طرفانه‌ی بین‌المللی را ندارد. با اینهمه شورای ملی مقاومت از سازمان ملل متحد و شخص شما آدامه‌ی تلاش بمنظور اعزام یک هیئت ویژه‌ی بازرسی و تحقیق به ایران را درخواست می‌کند و

حماسه های مجاهد خلق، لحظه های انقلاب

ابراهیم فقط سیزده سال داشت

تاریخ: اول مهر ۶۰

مکان: تهران - خیابان مصدق

هنوز تا مقصد ما راه زیادی باقی مانده بود. "فاطمه" * نگاهی به راننده کرد و به او گفت: "نمیشه یه خورده سریعتر بروید؟..." راننده جواب داد: "نمیشه خواهر، از صبح تا حالا ماشین داره تو این مسیر میره و میاد. راه هم از اینطرف سربالاست..."

نرسیده به میدان ونک، راننده سرعتش را کم کرده و به طرف دو زن که در کنار خیابان در انتظار تاکسی ایستاده بودند رفت و زن جوانی در حالی که با دست، مسیر را نشان می داد، گفت: "تجربش"، و راننده ماشین را متوقف کرد و گفت: "بیابالا" زن جوان به پیرزن همراهش گفت: "سوار شو مادر" پیرزن با خستگی درب تاکسی کرایه را باز کرد و سوار شد و پس از او زن جوان همراهش نیز در کنار او نشست و ماشین مجددا حرکت کرد.

هنوز از میدان ونک نگذشته بودیم که پیرزن در حالی که با دست به سر وسینه اش می کوبید شروع به گریه کرد. زن جوانی که همراه او بود در حالی که سعی می کرد او را آرام کند به او

دلداری بدهم، به او گفتم: "چی شده مادر؟... چرا گریه می کنی...؟" که گریه ای او شدیدتر شد و در حالی که به سر وسینه اش می زد با ناله و فریاد گفت: "چی بگم... خدایا چی بگم؟ الهی خدا دلشون کنه، الهی آتیش به جوشون بیفته... بشرفها...!!" و دوباره های های به گریه اش ادامه داد. صدای گریه های تلخ پیرزن سرنشینان تاکسی را ناراحت و متاثر کرده بود. "فاطمه" که سخت کنجکاو شده بود از زن جوانی که ظاهرا دختر پیرزن بود پرسید: "آخه چی شده که اینطوری ناراحت و گریه می کنه؟" دختر جوان در جواب "فاطمه" سکوت کرد، ولی وقتی اصرار او را دید با حالتی برافروخته و با خشم و ناراحتی گفت: "از دست این خمینی بشرف... از دست این رذل جانی که دوتا نوهی ۱۳ و ۱۴ ساله ای اونو به جرم هواداری از مجاهدین تیربارون کرده و امروز صبح از زندان اوین خیردادن که دیگه ملاقات نیائید" و پس از مکث کوتاهی ادامه داد: "اسم اون دوتا شهید "بهمن و ابراهیم" بود. پاسدارها اونها را اواسط ماه رمضان در حالی که روزه بودند دستگیر کردند و به اوین بردند و مدت ها تحت شکنجه قرار

پیرزن که دیگر رمقی برای گریستن نداشت گفت: "بخدا دلم می خواد این خمینی بی شرفوبه دستم بسپارند تا انتقام خون این بچه های بی گناه و معصوم را با دستای خودم بگیرم و..."

دادند. چندبار هم که پدر و مادر و مادربزرگش پهلوی لاجوردی و گیلانی رفتند و به اونا گفتند که: "ابراهیم و بهمن فقط سیزده و چهارده سال دارن... آخه تو کدوم مملکتی بچه ی سیزده - چهارده ساله رو اینقدر زجر می دن...؟" فایده نکرد که لاجوردی جلاد به اونها گفته بود، باید بیائید پشت تلویزیون و توبه کنید ولی اونها قبول نکردند تا اینکه در آخرین ملاقات بهمن خیرداد که

گفت "روم باش مادر... خوب نیست گریه کردن جلو مردم، از صبح تا حالا آروم و قرار نداری... ولی پیرزن نمی توانست جلوی گریه اش را بگیرد. راننده که کنجکاو شده بود و از آینه ی روبروی پیرزن را می نگریست آهی کشید و گفت: "معلوم نیست تو این مملکت چه خبره؟ این روزا هرکی رو می بینی مشغول گریه و زاریه، مملکت شده مجلس عزاداری... من در حالی که سعی می کردم پیرزن را

رحمت و عطفوت می زنه!!! یکی نیست به این جلاد بگه که تو اصلا رحم و عطفوت و مروت می فهمی؟... زن جوان همراه پیرزن با خشم گفت: "این آدمکشا فکر می کنن که باید هرکسی رو که دم از مجاهدین می زنه، باید گرفت و گشت تا ریشه ی مجاهد بخشکه!! ولی اینها خواب و خیاله، هر مجاهدی که گشته بشه دهها نفر دیگه بلند میشن و با خمینی می جنگن. ابراهیم و بهمن از پاکترین و بهترین بچه های فامیل ما بودند. هرکس خبر شهادت این دوتارو بشنوه از این رژیم لعنتی بیزار میشه." با شنیدن این صحبت ها و دیدن وضعیت آن مادر سالخورده انرژی هرچه افزونتری را برای مبارزه با رژیم پلید خمینی در جسم و جان خود حس می کردم. "فاطمه" نیز شدیداً تحت تاثیر

"گیلانی جلاد حکم اعدام مارو صادر کرده"... و چند روز بعد هم خبر تیربارون هردو بمارسید. "زن جوان از داخل کیفش ورقه ی کاغذی را که تا شده بود بیرون آورد و پس از آنکه آنرا بمن داد گفت: "این وصیتنامه ابراهیمه...". به وصیت نامه نگاه کردم. قسمت هایی از وصیت نامه بوسیله ی مزدوران خمینی خط زده شده بود. وصیت نامه را با صدای بلند خواندم. ابراهیم سیزده ساله نوشته بود:

"انا لله و انا الیه راجعون... اینجانب ابراهیم... با اعتقاد و ایمان به اسلام انقلابی و... معتقدم که مرگ با عزت و شرافت برای هر مسلمان و هر انسان آزاده بهتر از زندگانی ننگین و... است. من در زندگی خود چیزی ندارم که نسبت به آن وصیتی داشته باشم از پدر و مادرم می خواهم که بخاطر من ناراحت نباشند و به زندگانی شرافتمندانه و درست خود با قلبی پر امید ادامه دهند و مطمئن باشند که حقیقت و حق پیروز است. من فقط ۶۰ تومان دارم که نزد مامورین زندان است... بازهم می گویم بخاطر من خودتان را ناراحت و غصه دار نکنید. من در زندگانی خود در حد فکرم سعی کردم با درستی زندگی کنم و مرگ را هم بالاخره باید روزی پذیرفت. از همه ی شما می خواهم مرا با دعای خیر یاد کنید. خداوند در همه ی کارهایتان یاری تان کند".

ابراهیم

بر اثر شنیدن وصیت نامه ی ابراهیم اشک در چشمان همه ی مسافران و راننده ی کرایه حلقه زده بود، پیرزن وصیت نامه را گرفت، بوسید و در جیبش گذاشت. مسافری که حدود ۳۰ سال داشت در حالی که اشک هایش را پاک می کرد با تأثر گفت: "این خمینی بشرف همه ی مردم و مملکتو داغدار و آواره کرده و به کوچک و بزرگ هم رحم نکرده. آخه این پیرمرد پایگور چی فکر می کنه که دوتا بچه ی سیزده چهارده ساله رو تیربارون می کنه و بعد با بشرفی دم از

اتوبوس به همه بگو که خمینی چرا بهمن و ابراهیم را تیرباران کرد. به همه بگو که تنها جرم ابراهیم و بهمن اعتقاد پاک آنها بود و اینکه حاضر نشدند تسلیم خواسته های پلید مزدوران خمینی بشوند." پیرزن که دیگر رمقی برای گریستن نداشت گفت: "بخدا دلم می خواد این خمینی بشرفو به دستم بسپارند تا انتقام خون این بچه های بیگناه و معصوم را با دستای خودم بگیرم و..."

دقایقی بعد به مقصد رسیدیم و پس از خدا حافظی با مادر داغ دیده از ماشین پیاده شدیم و به پایگاه رفتیم. در پایگاه "فاطمه" در حالی که اسلحه و نارنجکش را از کمر باز می کرد با لحنی آتشین گفت: "... آدم هر قدمی که برمی داره و با هرکس که صحبت می کنه بهتر و بیشتر می فهمه که برای کی و

قرار گرفته بود و آرام می گریست در حالی که بغض گلویم را می فشرد خطاب به مادر سالخورده گفتم: "مادر شما تنهائستید. خمینی به هیچ خانواده ای رحم نکرده، تمام خانواده ها را داغدار کرده و سراسر مملکت از دست این گفتار بیرحم غرق خون و آتشه. مادر برای اینکه انتقام خون نوه هایت را از خمینی بگیری هر جا که میری، در کوچه و خیابان و

برای چی باید با رژیم خمینی جنگید. جنگی بی امان تا آخرین قطره ی خون و تا آخرین گلوله تا سپیده دم پیروزی خلق".

پاورقی: * مجاهد شهید فاطمه اثنی عشری (رویا) که در مرداد سال ۶۱ در نبرد قهرمانانه با مزدوران مسلح خمینی و پس از بهلاکت رساندن چند مزدور به شهادت رسید.

درباره ملاقات و اعلامیه مشترک مسئول شورای ملی...

جوار یکدیگر زندگی کنیم. - مراجعه به یک مرجع مشترک حل اختلاف و یا داوری بین المللی برای تعیین مسئولیت ها و خسارات و ترمیم آن. - جلوگیری فوری از زیان و خسارات روزانه ناشی از جنگ و کنترل دامنه ی خانمان سوز آن. - کنترل و محدود نمودن نفوذ قدرت های خارجی و دلالان بین المللی در این بازی مسخره ی "جنگ جنگ تا پیروزی" که پیروزیش تنها نصیب آنان و خمینی و منتظری خواهد شد.

جنگ و سامان یافتن، شکل و وحدت نیروهای مردمی در داخل کشور و رزمندگان میهن - پرست مسلح و این بار نشانه گرفتن مشتها و شعارها و لوله سلاح های همه ی این نیروهای مردمی بسوی کاخ جماران، با بکار بردن همه ی تجربه های تلخ و پندهای گرانی که پس از فروریختن کاخ نیاوران اندوخته و آموخته ایم.

به آرزوی آن روز!
پرویز خزائی - امضاء

محکومیت رژیم ضد بشری خمینی در اجلاسیه "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد"

بقیه از صفحه ۱۵

نمونه‌ای از صفحات با صلاحتی افشاگری رژیم بر علیه مجاهدین در جزوه‌ی صد صفحه‌ای فوق الذکر است که عوامل خمینی سعی کرده‌اند با چاپ عین عبارات و ترجمه‌ی آن بخیال خام خود تلاش‌های گسترده‌ی مجاهدین در مورد افشاء نقض حقوق بشر را خنثی سازند.

Selon vos déclarations, vous n'avez pas voté pour la Constitution, mais vous l'approuvez. Donc vous devez agir selon la Loi Constitutionnelle. Le soulèvement contre le Gouvernement, quand vous portez les armes, signifie un acte contraire aux lois. Nous vous demandons de respecter et d'agir selon la loi et nous vous offrons notre hospitalité.

(Document No 12)

tiré du discours daté du 21/2/60 prononcé par l'Imam Khomeini

هرادار همه، شما است فقط گفتن به اینکه ما حاضریم و در آن نوشتن‌های که نوشته‌اید در عین حالی که اظهار مطلوبیت ما زیاد کرده‌اید لکن باز ناشی گری کردید و ما را تهدید به قیام مسلحانه کردید ما بطور با کسانی که قیام مسلحانه بر ضد اسلام می‌خواهند بکنند می‌ترانیم تفاهم کنیم شما این مطلب و این رویه را ترک کنید و اسلحه‌ها را تسلیم کنید و اگر می‌گویید ما به قانون در عین حالی که رأی نداده‌ایم لکن سر به او می‌سپاریم و قبول داریم آن را با قانون شما عمل کنید و قیام بر ضد دولت که برخلاف قانون است و قیام مسلحانه که بر ضد قانون است و دارای اسلحه که بر ضد قوانین کشور است به اینها عمل کنید ما هم با شما بهتر از آنطوری که شما بخواهید عمل می‌کنیم ما می‌خواهیم با آغوش باز همه گروه‌هایی که هستند ببندیم و همه منحرافین را میل داریم که به اسلامیت برگردند. اسلام برای همین آمده است اسلام

مذکور را ملاحظه می‌کنید:

قسمت هائی از نامه سرگشاده نماینده شورای ملی مقاومت در سوئیس خطاب به رئیس اجلاسیه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

"... بالاخره موضوع مربوط به وضع رقت‌بار و نقض حقوق بشر در ایران در دستور کار کمیسیون قرار گرفت و لذا مورد توجه شما واقع می‌شود. مدرک ارسالی از طرف دولت ایران (۱۹ ژانویه و ۳ فوریه ۱۹۸۳ در درون سند (E/CN.۴-۱۹۸۳-۱۹) مورخ (۱۹۸۳/۲/۲۲) که در این لحظه بشما ارائه شده‌اند واجد ترجیع‌بندهایی دربارۀ "امپریالیسم"، "انقلاب"، "تروریسم" و غیره می‌باشند. خمینی و خادمین وی از یکطرف در رادیوها، تلویزیون‌ها و دستگاه‌های خبری کمیسیون حقوق بشر را "عروسک امپریالیسم" می‌نامند و از سوی دیگر همگی همکاران دیکتاتور تهران سعی دارند در کمیسیون حقوق بشر، در مرکز حقوق بشر ملل متحد و کمیته‌ی حقوق بشر از اتهامات وارده بخود دفاع نمایند. یک نظر کوتاه به متنی که رژیم تهران برای دفاع از خود ارائه نموده اثبات می‌نماید که وی نه‌به محتوی و نه به هیچیک از سوالات مشخصی که در مورد نقض مستمر حقوق بشر در ایران از او شده کمترین جوابی نداده است و حتی این سوالات مهم اساسی را مطرح نیز نکرده است... رژیم خمینی در مورد اعدام‌های بدوی که همچنان ادامه دارند و همچنین در موارد زیر مورد بازخواست قرار گرفته است:

انجام شکنجه در زندان‌ها، دستگیری‌های غیرقانونی، اعدام‌های بدون محاکمه، دادگاه‌های بدون وکیل، قضاوت‌های مبتنی بر قانون قصاص، ممنوعیت انجام آزادانه مراسم مذهبی برای اقلیت‌های مذهبی... عدم احترام به

حقوق اقلیت‌های قومی، مجبور نمودن کودکان برفتن به جبهه‌ها از بین بردن حقوق زنان، ایجاد وحشت و تروریسم دولتی، بدور ریختن جوهر مابنی و اصول جهانی حقوق بشر، تحقیر و انهدام همه‌ی اصول و مظاهر انسانی بین‌المللی و غیره... به همه‌ی این بازخواست‌ها، رژیم ایران چه جوابی می‌دهد؟ هیچ!

شخصاً قضاوت کنید، خواهید دید که این رژیم بطور شرم‌آوری از جواب سوالات روشن و دقیق فوق و سایر اتهامات غیرقابل رد، فرار کرده و فقط به حرف و نطق اکتفا کرده است.

ذیلاً بعضی از سوالاتی را که در گزارش فوق‌الذکر، دولت ایران سعی کرده آنها را نادیده بگیرد مطرح می‌شود:

۱- اغلب مدارکی که به کمیسیون حقوق بشر - از منابع مختلف و بویژه وسیله‌ی سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت ایران - ارسال شده‌اند، در رابطه با شکنجه و تجاوز به خردسالان کمتر از ۱۸ سال، گرفتن خون قربانیان قبل از اعدام... از منابع و مطبوعات خود رژیم اخذ شده‌اند. وی چه جوابی به این موارد نقض روشن و شدید پیش‌افتاده‌ترین حقوق بشر می‌دهد؟

۲- آیا رژیم ایران از هفت ماه پیش تاکنون شیرخوارانی را که امروز ۱۱ ماهه‌اند - و مشخصات بعضی از آنها بمرکز حقوق بشر ملل متحد تقدیم شده‌اند - نگهداری نمی‌کند؟

۳- متعاقب انتشار "فرمان ۸ ماده‌ای" خمینی (که نوعی لیبرالیسم را وعده می‌داد) بیش از ۲۰۰۰ شاکي - اکثر مادرائی که فرزندان آنها زندانی، مفقود و یا اعدام شده‌اند - به تصور اینکه دوره‌ی وحشت پایان پذیرفته در مقابل دفاتر دادستانی تهران اجتماع نموده‌اند. بمواظت متفرق نمودن اجباری این جمعیت، صدها نفر از مادران را رژیم دستگیر و زندانی نمود. فردای آن روز موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی رژیم ضمن منع اینگونه اجتماعات گفت که ۱۲۰۰۰ شکایت با واصل شده است... آیا همه‌ی این مطالب دروغ‌اند؟

۴- آیا از ۲۰ ژوئن ۱۹۸۱ (۳۰/خرداد/۶۰) تا امروز

فعالیت‌های نماینده شورای ملی مقاومت و هواداران مجاهدین خلق در سوئیس در جریان تشکیل اجلاسیه کمیسیون

علاوه بر تماس‌های قبلی برای آگاه ساختن نمایندگان کشورهای مختلف و فرستادن مدارک و اسناد و عکس برای آنها و بویژه ارسال کتابها و مدارک و عکس‌ها و اسناد برای دبیرکل سازمان ملل متحد از یک سال قبل، فعالیت هواداران مجاهدین در جریان برگزاری جلسات کمیسیون، نظر اکثر نمایندگان را به مساله‌ی ایران

جلب کرده بود. آنها با تک تک روسای نمایندگی‌های کشورهای عضو کمیسیون تماس گرفته و توجه آنان را نسبت به جنایات خمینی جلب نمودند. به این ترتیب هواداران مجاهدین توانستند واقعیت چهره‌ی ددمنشانه‌ی رژیم خمینی را برای عموم نمایندگان حاضر، بیش از پیش افشاء نمایند. در مقابل، نمایندگان مزدور خمینی خونخوار سعی کردند با تلاشی مذبحخانه از رسوائی هرچه بیشتر رژیمشان جلوگیری کنند. اما عدم موفقیت کوشش‌های آنان یکبار دیگر حقانیت سازمان مجاهدین خلق ایران را به عنوان نیرویی که نه فقط محور مقاومت حماسه‌آفرین و تاریخی خلق ایران در داخل کشور است بلکه در مبارزات افشاگرانه در سطح بین‌المللی نیز کاری‌ترین ضربات را برپیکر رژیم خمینی وارد آورده است، اثبات نمود، و از همین‌رو تنها

کاری که رژیم برای دفاع از خود داشت حمله به سازمان بود و بس.

پس از اینکه در روز ۲۸ فوریه رژیم گزارشی را که در بالا به قسمت‌هایی از آن اشاره نمودیم، پخش نمود، در روز اول مارس، نماینده‌ی شورای ملی مقاومت در سوئیس، آقای دکتر کاظم رجوی طی نامه‌ای سرگشاده به رئیس کمیسیون مذکور به دروغ‌پردازی‌های رژیم منجمله از طریق گزارشات کاذب - که بعضی از آنها بوسیله‌ی نماینده‌ی خمینی در اجلاس سری کمیسیون نیز خوانده شده بود - جواب داد. نماینده‌ی شورا سپس ۶۰۰ نسخه از نامه‌ی سرگشاده‌ی خود را بین روسای هیئت‌های نمایندگی کمیسیون اعم از کشورهای عضو، ناظر، سازمان‌های غیردولتی، بین‌المللی و منطقه‌ای و مطبوعات - وسیعاً توزیع نمود. در زیر اهم قسمت‌های نامه‌ی

محکومیت رژیم ضد بشری خمینی در اجلاسیه "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد"

رژیم ۲۵۰۰۰ نفر را اعدام نکرده و در حال حاضر بیش از ۶۰۰۰۰ زندانی سیاسی در زندان‌هایش ندارد؟ آیا سه هفته قبل ۱۸۰۰ نفر را مخفیانه اعدام نکرده است؟ آیا دارای زندان‌ها و شکنجه‌گاهها و قبرستان‌های مخفی متعدد نیست؟ آیا با بمب‌های FRAGMENTATION "ذره‌ای" خلق کرد را بمباران ننموده است؟ اگر جواب دولت ایران به همه‌ی این سوالات منفی است پس چرا از نفوذ مامورین سازمان‌های بشردوستانه و مطبوعات به ایران جلوگیری می‌کند؟

۵- پس از اعدام انقلابیون، و خیانت با انقلاب و همه‌ی آرمان‌های آن، رژیم هنوز این جسارت را دارد که خود را انقلابی بداند! چه اقدامی و رفرمی در باره‌ی ایجاد عدالت اجتماعی تاکنون در ایران انجام و تحقق پذیرفته است؟ آیا "ساواما" (سازمان اطلاعات و پلیس سیاسی رژیم) با بکارگیری مامورین سرکوب سابق ساواک (پلیس سیاسی شاه) سازمان داده نشده است؟

بوسیله‌ی مردم ایران و وجدان آگاه بشریت محکوم شده است سعی دارد با استفاده از جنگ و وحشت قدرت را حفظ کند. باین ترتیب او می‌تواند متقابلاً جنگ و وحشت را در رابطه با یکدیگر توجیه کند، گرچه نتیجه‌ی آن انهدام یک ملت باشد.

نماینده شورای ملی مقاومت در سوئیس کاظم رجوی

سخنرانی

یکی از هواداران سازمان

مجاهدین خلق ایران

و شورای ملی مقاومت

در اجلاسیه کمیسیون

حقوق بشر

سازمان ملل متحد

خانم خندان آربین یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت در داخل اجلاس عمومی کمیسیون حقوق بشر نطقی ایراد کرد و اظهارات وی نمایندگان حاضر در جلسه را بشدت تحت تاثیر قرار داد. بهمین دلیل در حالی که نمایندگان با دقت به سخنان او گوش فرا می‌دادند نماینده‌ی رژیم به پیروی از سنن رجاله‌بازی حزب‌اللهی خمینی با کوبیدن بروی میز و عربده‌کشی سعی داشت که گفتار ناطق را قطع نماید. اما رئیس اجلاس او را به سکوت واداشت.

قسمتی از نطق خانم آربین

پس از اعدام انقلابیون، و خیانت به انقلاب و همه‌ی آرمان‌های آن، رژیم هنوز این جسارت را دارد که خود را انقلابی بداند! چه اقدامی و رفرمی در باره‌ی ایجاد عدالت اجتماعی تاکنون در ایران انجام و تحقق پذیرفته است؟

که در جلسه‌ی اول مارس ۱۹۸۳ کمیسیون ایراد گردید بشرح زیر است: "در مدارس ایران بمانند مدارس نازی‌ها در زمان هیتلر تحریک احساسات کودکان، تعلیم گشتن و گشته شدن و ایجاد نفرت، اعمال همیشگی عاملین رژیم است. آنها کودکان و خردسالان ۹ تا ۱۴ ساله‌ی معصوم را با تبلیغات

رژیم ضد بشری است. زیرا با توسل به بهانه‌ی مسئولیت امپریالیسم و سفسطه‌های دیگر در گفتار و کردار ارزش‌های منشور ملل متحد، همان ارزش‌هایی که مبنای آنها ارزش‌های مشترک همه‌ی فرهنگ‌ها و تمدن‌های انسانی است را زیر پا گذاشته است.

رژیم ایران در حالیکه

وسیع و شعارهایی که همیشه با مرگ آغاز می‌شوند و با دادن وعده‌ی دروغین بهشت برای خنثی کردن میدان‌های مین به جبهه‌ها می‌فرستند...

... من شاهد ناله‌های مادران داغداری که فرزندان خود را در جبهه‌های خارجی و یا در جنگ داخلی از دست داده‌اند بودم و بچشم خود صف‌های طولیل خانواده‌های زندانیان سیاسی را در پشت درب زندان‌های متعفن رژیم دیده‌ام... من بچشم خود دیده‌ام که چگونه در صف‌های گوپن مواد غذایی مادرانی را که ابراز بی‌صبری نموده‌اند، پاسداران رژیم بشدت مورد تحقیر و فحاشی و گتک‌کاری در انتظار عمومی قرار داده‌اند.

من بچشم خود دیده‌ام که چگونه پاسداران رژیم در روز روشن، زنان جوانی را که به آنها به عنوان حامی مجاهدین بدبین شده بودند، هدف گلوله‌های خود قرار دادند. اعدام بدون محاکمه‌ی بی‌گناهان در مقابل چشمان معصوم کودکان،

فقیه "هرکس را اعم از مسلمان شیعی، سنی و یا غیر مسلمان که قیومیت فقیه را بمانند قیومیت کبیر بر صغیر قبول نداشته باشند مورد آزار و زندان و شکنجه و اعدام قرار می‌دهد.

... آقای مسعود رجوی رهبر مجاهدین و مسئول شورای ملی مقاومت ایران طی سال گذشته اسناد و مدارک مفصلی درباره‌ی نقض حقوق بشر به دبیر گل سازمان ملل، به رئیس مرکز حقوق بشر، به کمیته‌ی حقوق بشر ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر و قسمتهای مختلف آنها ارسال داشته‌اند. براساس این مدارک غیرقابل‌انکار بخوبی روشن شده است که رژیم کنونی ایران کمترین احترامی به مبانی حقوق بشر نگذاشته و در حال نقض دائمی آنها می‌باشد. این یک واقعیت است که از مارس ۱۹۸۲ یعنی از تاریخ تصویب قطعنامه‌ی شماره ۲۷ کمیسیون حقوق بشر تاکنون تعداد مخالفین اعدام شده وسیله‌ی رژیم تهران از ۱۰۰۰۰ به ۲۵۰۰۰ و تعداد

رژیم ایران در حالیکه بوسیله‌ی مردم ایران و وجدان آگاه بشریت محکوم شده است سعی دارد با استفاده از جنگ و وحشت قدرت را حفظ کند. به این ترتیب او می‌تواند متقابلاً جنگ و وحشت را در رابطه با یکدیگر توجیه کند، گرچه نتیجه‌ی آن انهدام یک ملت باشد.

روشن هرروزه‌ی رژیم ایران است. قطعاً اغلب نمایندگان محترم حاضر در این اجلاس در مطبوعات بین‌المللی عکس‌های بدار آویختگان را در روی جرثقیل‌ها دیده‌اند. سه ماه قبل سه نفر از طرفداران مجاهدین به این وسیله در مشهد خلق آویز شده‌اند.

در همه‌ی دنیا حتی حیوان باردار مورد ترحم عمومی است اما در ایران زنان حامله هدف مسلسل‌ها واقع می‌شوند. نام‌های ۱۴ نفر از این زنان حامله به کمیسیون حقوق بشر داده شده‌اند. همه‌ی این اعمال تحت پوشش اسلام انجام می‌گیرند. لازم بتاکید است که این اسلامی ظاهری و تظاهر باسلام است چرا که در حقیقت اسلام مذهب صلح و بشریت و محبت و عفو و عشق است. تنها اقلیت‌های قومی و مذهبی مورد سرکوب رژیم نیستند. رژیم بر مبنای شعار محوری خود "مرگ بر ضد ولایت

زندانیان سیاسی از ۳۰۰۰۰ به ۶۰۰۰۰ افزایش یافته است. لازم بتاکید است که بیش از نصف این قربانیان را دختران و زنان بین ۱۳ تا ۶۰ ساله تشکیل می‌دهند.

در چنین شرایطی چه باید کرد؟ آیا وقتی حکومتی ملتی را تحت سرکوب خونین قرار دهد و مثلاً بروی خلق کرد بمب آتش‌زنا پرتاب کند، مقاومت و عصیان و طیفه‌ی مقدس ملت‌ها نیست؟ خشم تمامی یک ملت در برابر پامال شدن کمترین حقوق انسانی‌شان با سوءاستفاده از نام مذهب چگونه باید ابراز گردد؟

... در چنین شرایطی بعنوان یک انسان، بعنوان یک زن و یک مادر ایرانی که طپش قلب مردم ایران را احساس می‌کند در اینجا اعلام می‌کنم که خانواده‌های قربانیان و شهدا با بی‌صبری از همه‌ی کشورهای جهان و از کمیسیون حقوق بشر

انتظار محکوم نمودن نقض حقوق بشر در ایران را دارند زیرا تراژدی ایران فقط تراژدی برای اسلام و برای ایران نیست بلکه تراژدی برای انسانیت است...

واکنش

نماینده رژیم خمینی

در قبال گزارش

دبیر کل ملل متحد

و فعالیت‌های افشاگرانه

سازمان مجاهدین خلق

نماینده‌ی رژیم خمینی ابتدا با توسل به این حيله که "رژیم آماده است نماینده‌ی سازمان ملل را برای بررسی وضع حقوق بشر و بازدید از زندان‌های ایران بپذیرد" قصد داشت از صدور قطعنامه‌ی محکومیت رژیم جلوگیری بعمل آورد. اما سرانجام چنانکه خواهیم دید از این حيله خود طرفی نیست و این ادعا را پس گرفت؛ امری که خود موجب سرافکندگی و رسوایی بیشتر رژیم خمینی گردید.

نطق نماینده‌ی رژیم خمینی نیز مانند سایر تلاش‌های مذبحانه‌ی رژیم در جریان برگزاری اجلاس حقوق بشر ملل متحد، تماماً به حمله و افترا بر علیه سازمان مجاهدین خلق ایران و بویژه برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران اختصاص داشت.

نماینده‌ی رژیم خمینی در نطق خویش خشم خود را از حضور و فعالیت هواداران مجاهدین خلق و نماینده‌ی شورای ملی مقاومت در سوئیس، چنین بیان می‌دارد:

"بدین وسیله مایلم توجه کمیسیون را به واقعه‌ی انزجار - آمیزی که شامگاه دیروز در همین سالن روی داد جلب نمایم. در گمال ناپاوری، ما شاهد مداخله‌ی نماینده‌ی یک سازمان تروریستی مشهور بودیم که رکورد جنایات خویش را فقط خود می‌تواند پشت سر نهد... از آنجائیکه محتوای گفتار وی جز ثمرات تخیلات او نمی‌توانست باشد، از توضیح در مورد اظهارات وی

محکومیت رژیم ضد بشری خمینی در اجلاسیه "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد"

خودداری می‌کنم. اعمال چنین درندگان و جانوران درنده‌خوی صرفاً شایسته‌ی آنهایی است که با گانگسترهای سازمان مجاهدین خلق همکاری می‌کنند... چنانکه قبلاً گفته‌ام، میل ندارم در مورد گزارش عضو مزبور سازمان مجاهدین خلق توضیحاتی ایراد کنم... و نیز قصد ندارم پروسه‌ای را که با توسل به آن عضو دیگری از سازمان تروریستی یاد شده قادر گردید تحت مجوز یک آژانس مطبوعاتی بدرون کمیسیون رخنه نماید را مورد سوال قرار دهم ولی آنچه که مایلم توجه کمیسیون را بدان جلب کنم، خطر این واقعیت انکارناپذیر است که محدوددهی سازمانهای غیردولتی اکنون بیش از همیشه توسط عناصر مختلف مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. رخداد دیروز بیش از هر زمان دیگر کمیسیون و شخص دبیرکل را ملزم می‌کند که پروسه‌ی اعتباربخشی سازمانهای غیر دولتی را تحت کنترل دقیق‌تری درآورده و بهبود بخشند.

اگر دو عضو یک سازمان تروریستی مشهور بتوانند با چنین سهولت بدرون کمیسیون نفوذ نمایند، حمل گارت‌های شناسائی برای ارائه به مامورین امنیتی در مقابل درب ورودی دیگر چه مفهومی می‌تواند داشته باشد (صفحه ۴ نطق توزیع شده توسط رژیم)

در بخش دیگر از این نطق، رژیم خمینی خشم و کینه‌ی خود را از برادر مجاهدان مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران این چنین بیان می‌دارد:

"گلو سباربی بخاطر جنایاتش بر علیه مردم فرانسه در جنگ جهانی دوم به دوبار مرگ محکوم می‌گردد ولی رهبر این گروه تروریستی که انفجارهای خیابانی و ترور مقامات ایرانی و دیگر مردم بیگناه را مرتکب شده و به همکاری با مهاجمین عراقی معترف است، چنانکه در لوموند می‌توانید ملاحظه کنید، مجاز می‌گردد که از دست باز در ایران برخوردار بوده و نیز به هنگام گریختن به فرانسه با استقبال گرمی روبرو گشته و مورد محافظت قرار می‌گیرد" (صفحه ۹ نطق توزیع شده توسط رژیم) جالبترین قسمت نطق

نماینده‌ی رژیم، مربوط به اعترافاتش در مورد ضربات کوبنده‌ای است که رزمندگان مجاهد در عرض این دو سال بر پیکر این رژیم ضد بشری فرود آورده‌اند، ضرباتی که نماینده‌ی رژیم از یادآوری آن به خود می‌لرزد:

"علی زرکش رهبر جنبش مقاومت ایران روز چهارشنبه اعلام کرد که سازمان مجاهدین خلق بیش از هزار تن از عوامل

سخنان نمایندگان برخی از کشورهای جهان درقبال نقض حقوق بشر در ایران

اغلب روسای هیئت‌های نمایندگی کشورهای مختلف اعم از کشورهای عضو یا ناظر در کمیسیون طی نطق‌هایی که از دوم تا دهم مارس

ابلاغ... شکنجه و دیگر اشکال رفتار و تنبیه‌های تحقیرآمیز، شکنجه و اعدام هزاران هزار، که طبق گزارشات واصله شامل اطفال، زنان حامله نیز می‌شود، وجود دارد. بطور کلی در ایران هیچگونه ضمانتی برای مردم در هیچ زمینه‌ای وجود ندارد، نه آئین دادرسی، نه حقوق مدنی و سیاسی و نه معاهدات بین‌المللی هیچکدام ارزشی ندارند، زیرا که این

اغلب مدارکی که به کمیسیون حقوق بشر از منابع مختلف و بویژه وسیله سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت ایران ارسال شده‌اند، در رابطه با شکنجه و تجاوز به خردسالان کمتر از ۱۸ سال، گرفتن خون قربانیان قبل از اعدام... از منابع و مطبوعات خود رژیم اخذ شده‌اند.

رژیم و هواداران خمینی را در پاییز و زمستان گشته است علی زرکش که معاون رجوی است به عنوان فرماندهی نظامی - سیاسی سازمان مجاهدین خلق به فعالیت خود در داخل ایران ادامه می‌دهد. هنگامیکه فرد مشاهده می‌کند که ظرف چند ماه معدود آنها چه کارهایی را که انجام داده‌اند (گشتن ۱۰۰۰ تن از مقامات دولتی) انسان از تصور اینکه در عرض دو سال آنها قادر به انجام چه کاری بوده‌اند به خود می‌لرزد" (صفحه ۳ نطق منتشره از جانب رژیم) و در خانمه رژیم اینگونه عجز خود را از مقابله با

۱۹۸۳، درباره‌ی وضعیت کلی حقوق بشر در کشورهای مختلف ایراد نمودند صریحا و یا تلویحا در مورد وضع رقت بار آن در ایران صحبت کردند. از جمله‌ی کشورهای عضو که صراحتا از نقض حقوق بشر در ایران سخن گفتند می‌توان از هیئت‌های نمایندگی کشورهای فیجی، فنلاند، غنا، راواندا، توگو، اوگاندا، کوستاریکا، استرالیا، کانادا، اردن، فرانسه، ایرلند، ایتالیا، هلند، انگلستان و چند کشور دیگر نام برد.

۱- بعنوان مثال رئیس هیئت نمایندگی هلند طی نطق مفصل خود که همزمان توزیع شد در مورد ایران گفت: "در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران

کشور بتعهدات بین‌المللی خود نیز احترام نمی‌گذارد. اعدام‌هایی که توسط دادگاههای انقلاب صورت می‌گیرند همه از نوع اعدامهای خودسرانه و دستجمعی می‌باشند. آقای رئیس! تردید نیست که ایران برای قوانین و معاهدات خود کمترین ارزشی قائل نیست. در نتیجه هیئت نمایندگی من برای کمیسیون ضروری می‌داند که وضعیت حقوق بشر در ایران را تحت بررسی قرار دهد. بدین دلیل هیئت من پیش‌نویس قطعنامه‌ای را که در مورد وضع حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران تهیه کرد تسلیم خواهد نمود... اعلام

آیا وقتی حکومتی ملتی را تحت سرکوب خونین قرار دهد و مثلاً "بروی خلق کرد بمب آتش را پرتاب کند، مقاومت و عصیان و وظیفه‌ی مقدس ملت‌ها نیست؟ خشم تمامی یک ملت در برابر پرتاب شدن کمترین حقوق انسانی اش آنهم با سوء استفاده از نام مذهب چگونه باید ابراز گردد؟

شد که در نیمه‌ی دوم ماه مارس نماینده‌ی دبیرکل با ایران سفر خواهد نمود. ما ضمن ابراز خوشوقتی از این خبر امیدواریم که مقامات ایران همکاری کامل با نماینده‌ی دبیرکل - که در اجلاس آینده‌ی کمیسیون باید گزارشی در مورد ایران تقدیم کند - بنمایند".

۲- نماینده‌ی استرالیا ضمن خاطر نشان نمودن اینکه سال گذشته کشوری از قطعنامه شماره ۱۹۸۲/۲۷ در مورد سوال از وضع حقوق بشر در ایران پشتیبانی کرد، افزود: "با وصول گزارشات نقض مداوم و شدید حقوق بشر در ایران ما

کمیسیون، چندین گزارش در دست دارد. گزارشات دبیر کل... همراه با گزارش آقای آموسواکو... ما این گزارشات را همراه با مطالبی که دولت ایران تهیه کرده بود به دقت مطالعه کردیم. در نتیجه‌ی مطالعه‌ی این صفحات متعدد نگرانی عمیق برای ما بوجود آمد و وحشت، هیئت کشور مرا در برگرفت. گزارشات حاکی از آنند که دلایل زندان شدن در ایران عبارتند از مذهب، اعتقاد و آگاهی، همچنین گزارشات زیادی از زندان کردن‌های بدون محاکمه و بدون

فعالیت‌های افشاگرانه‌ی سازمان مجاهدین خلق ایران بیان می‌دارد:

"آقای رئیس! چنانکه در جوابیه‌ی رسمی خود به مکاتبات گروه تحقیقات در مورد اعدام‌های پراکنده قویا خاطر نشان کردیم، ما این مکاتبات را مطالعه کرده و بی‌آنکه تعجب ما را برانگیزد، پی بردیم که گزارشات مذکور توسط همان سازمان‌هایی ساخته، پرداخته و ارائه گردیده که مسئولین اقدامات تروریستی در ایران می‌باشند." (صفحه ۱۰ نطق توزیع شده توسط رژیم)

همچنان عمیقا احساس نگرانی می‌کنیم. اطلاعاتی که در این مورد در گزارش دبیرکل طی سند E/CN.04/1983/19 آمده عمیقا نگرانی خود را در رابطه با نقض گسترده تضمین‌های بنیانی بخصوص نقض گسترده‌ی حق زندگی در ایران ابراز می‌داریم... البته ما از بهم ریختگی و آشفتگی که ایران طی چند سال اخیر در آن بسر برده اطلاع داریم ولی همانطور که در ابتدای بیانیه‌ام گفتم: صرفنظر از شرایط ویژه‌ی حاکم در هر کشور، دولت‌ها ملزم به رعایت حقوق بشر در کشورشان می‌باشند. ما با علاقه‌ی فراوان حکم صادره ۱۶ دسامبر ۱۹۸۲ توسط مقامات ایرانی را در باره‌ی عملکرد سیستم قضائی و لزوم رفع سوءاستفاده‌های آنرا مورد توجه قرار دادیم... ما از مقامات ایران تقاضا داریم در راهی که وسیله‌ی این حکم گشاده شده‌است ادامه دهند. البته این حکم بطور ضمنی اذعان می‌کند که نقض‌های جدی بوجود آمده‌است."

۳- نماینده‌ی انگلستان پس از صحبت در مورد نقض حقوق بشر در بسیاری از کشورهای دیگر بمورد ایران رسیده و گفت: "بالاخره بگزارش دبیرکل درباره‌ی ایران دست یافتیم... و می‌باید محتوای اضطراب‌انگیز و بسیار نگران‌کننده‌ی آن در باره‌ی حقوق بشر را بسایر گزارشاتی که هیئت من طی سال گذشته در موارد حقوق بشر در این کشور جمع‌آوری کرده است اضافه کنیم... گزارشی که به ما رسیده همه از نقض حقوق بشر در ایران حکایت داشته و بویژه در مورد وضع زندانها، طرز عمل با زندانیان، عملکرد سیستم قضائی و عدم وجود ضمانت در آئین‌نامه‌های دادرسی صحبت می‌کنند. واقعا شرح حال‌های وحشتناکی بما رسیده‌است..."

۴- نماینده‌ی توگو طی نطق خود وضع حقوق بشر در ایران را بسیار رقت‌بار توصیف نمود و ابراز امیدواری کرد که دولت این کشور از اعدام‌های فراوان جلوگیری کند.

۵- نماینده‌ی کشور فیجی نیز ضمن شرح نقض موارد مختلف حقوق بشر در ایران، دادگاه‌های سر بسته اعدام‌های بدون محاکمه و شکنجه را نقض پیش‌پا افتاده - ترین مبانی انسانی دانست.

۶- نماینده‌ی فنلاند ضمن ابراز خوشوقتی از عزیمت

محکومیت رژیم ضد بشری خمینی در اجلاس "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد"

پاسخ نخست وزیر خمینی به سوال خبرنگاران

درهند

در رابطه با محکومیت رژیم خمینی در کمیسیون

حقوق بشر سازمان ملل متحد

رسوایی جهانی و محکومیت رژیم خمینی در اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو، در هند نیز گریبان میرحسین موسوی نخست وزیر خمینی را گرفت و او در پاسخ به سوالات متعدد خبرنگاران در مورد بازداشت و شکنجه بیش از ۶۰ هزار تن از مردم ایران و اعدام و نابود ساختن وحشیانه مخالفین رژیم خمینی، جز حمله به سازمان مجاهدین خلق ایران که این چنین اسباب رسوایی جهانی رژیم خمینی را فراهم ساخته است چاره ای نداشت. در این رابطه او به نشخوار ترهات رژیم پلیدش بر علیه مجاهدین و دروغ های شاخدار متشیت گردید؛ ذیلا مضمون اظهارات او در پاسخ به مسائل فوق که از طریق خبرنگاری ها و رادیو-تلویزیون های جهان نیز وسیع منعکس گردید، از نظران می گذرد:

"... مسلمانان صحبت های مسئول گروهی که ما و مردم ما آنها را در داخل و خارج کشور منافقین نامیده ایم، نمی تواند مورد اعتنا و توجه قرار گیرد... حکومت ما یک حکومت اسلامی است و اسلام اجازه ی کشتن و از بین بردن حتی در حالت های خاص در مورد کودکان و کسانی که به سن رشد نرسیده اند، نمی دهد. این ها همماش دروغ است...!!"

نخست وزیر خمینی همچنین ادعا کرد: "... در قوه ی قضائیه ی ما چیز پنهانی وجود ندارد و بخاطر اینکه نظام ما عمیقا متکی به مردم است و آزادی های گسترده در کشور ما هست، ترسی وجود ندارد که چیزهایی که اتفاق می افتد به اطلاع مردم و ملت های جهان برسانیم...!!"

جالب است که نخست وزیر خمینی در حالی این اظهارات را ابراز می کند که کوس رسوایی رژیم جنایتکار او در سراسر جهان بصدا در آمده است.

حقیقتا که رژیم خمینی و رجالگان پلید آن نه فقط در جنایات ضد بشری، بلکه در وقاحت و رجاله گری نیز سرآمد همه ی اقران تاریخی خود محسوب می شوند و هر روز رگوردهای جدیدی را در این زمینه برجای می گذارند.

مارس ۱۹۸۳ برای رسیدگی بوضع حقوق بشر به ایران مسافرت نماید." (گزارش دبیرکل منتشره

"... در مدارس ایران بمانند مدارس نازی ها در زمان هیتلر تحریک احساسات کودکان، تعلیم کشتن و کشته شدن و ایجاد نفرت، اعمال همیشگی عاملین رژیم است. آنها کودکان و خردسالان ۹ تا ۱۴ ساله معصوم را با تبلیغات وسیع و شعارهایی که همیشه با مرگ آغاز می شوند و با دادن وعده های دروغین بهشت برای خنثی کردن میدانهای مین به جبهه های می فرستند..."

وسپله ی سازمان ملل مورخ ۲۲ فوریه شماره E/CN.۴/۱۹۸۳/۵۲ (صفحه ۱) و همانطور که در بالا متذکر شدیم در بحبوحه ی کار کمیسیون نیز رژیم خمینی پا را فراتر گذاشته و از نماینده ی

معنی محکومیت روشن و قاطع رژیم خمینی در جامعه ی جهانی و افکار عمومی بشریت است. لازم به تذکر است که جز در موارد بسیار نادر از جمله در باره ی اسرائیل و رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی صدور چنین قطعنامه های در تاریخ سازمان ملل کم نظیر است. قابل ذکر است که رژیم دیکتاتوری شاه نیز هرگز بدینگونه مورد اعتراض جهانی قرار نگرفته است. ضمنا لازم به تذکر است که دجال بازی رژیم در رابطه با جلوگیری از افشاء چهره اش بوسیله کمیسیون حقوق بشر، که برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت قیلا طی نامه هشدار دهنده ای پیش بینی آنرا نموده بود بوقوع پیوست. توضیح اینکه برادر مجاهد مسعود رجوی در نامه مورخ ۲۸ ژانویه خود خطاب به روسای هیئت های نمایندگی سازمانهای غیردولتی صراحتا یادآور شده بود که: "با ادامه ی سرکوب خونین و منع بازدید زندانیان بوسیله ی سازمانهای بشر دوست بین المللی رژیم ایران بروشنی ثابت کرده است که عملا کمترین ارزشی برای تعهدات داخلی و بین المللی خود قائل نیست. معذا، بدلیل نزدیک شدن سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر، نمایندگان رژیم مواضع جدیدی اتخاذ کرده اند. آنها گوش می کنند که از رژیم خود چهره ی تازه ای ارائه دهند. اما در حقیقت این مساعی چیزی جز یک "تاکتیک" بمنظور فرار از مسئولیت های شان نیست. زیرا رژیم خمینی که جز از راه جنگ و بحران و وحشت تغذیه نمی کند به نقض حقوق بشر در آینده ادامه خواهد داد."

عملا هم این پیش بینی عینا

اضطراب عمیق خود را در باره ی وضع این حقوق در ایران ابراز داشته اند. برغم بیانیه های دولت ایران که در آن ادعای علاقه و تلاش در مورد حمایت از حقوق بشر در ایران شده است باید اذعان نمود که این حقوق در ایران دائما نقض شده اند و این عمل خشم و نگرانی عمیق بوجود آورده است..."

بسیاری دیگر از روسای هیئت های نمایندگی حاضر در اجلاس کمیسیون حقوق بشر، اعم از عضو و ناظر، طی سخنرانی های خود تلویحا و با اشاره به گزارش دبیرکل، اعدام و شکنجه و بطور کلی نقض حقوق

"صرفنظر از جنایت مرتکبه، حکم محکومیت به اعدام در مورد کسانی که سن آنها کمتر از ۱۸ سال باشد ممنوع است و اجرای چنین حکمی در باره ی زنان باردار قابل اجراییست" باینهمه، هیچکس تردید ندارد که در ایران، دهها خردسال پائین تر از ۱۸ سال وزن حامله اعدام شده اند. طی سال گذشته رژیم ایران با اجرای انواع شکنجه ها، اعدام های دستجمعی بدون محاکمه، تعقیب های غیرقانونی، عدم احترام به شخصیت قضائی افراد و سرکوب خونین خانواده ها به خاطر طرز تفکر و عقاید سیاسی و مذهبی-شان عملا و دائما مرتکب جرم نقض مواد ۶، ۷، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۸ میثاق مذکور شده است.

بشر در ایران را بطور ضمنی خاطر نشان نمودند از آنجمله اند نمایندگان مکزیک، قبرس، چین، ژاپن، پاکستان.

صدور قطعنامه و

محکومیت رژیم خمینی

بالاخره فعالیت های افشاگرانه برای پرده برداشتن از جنایات ضد بشری رژیم جنایتکار خمینی علیرغم تلاش های مذبحانه ی رژیم به یک پیروزی بزرگ دست یافت و قطعنامه ای با تصریح بر "نقض شدید و مستمر حقوق بشر در ایران" با اکثریت آراء کمیسیون بتصویب رسید. واضح

احتمالی نماینده ی دبیر کل به تهران طی ماه مارس ۱۹۸۳ گفت "بما اطلاع داده اند که طی ماه ژانویه ۱۸۰۰ نفر را در ایران شکنجه نموده و بدون محاکمه اعدام کرده اند و ما در باره ی وضع حقوق بشر در این کشور شدیداً مضطربیم."

۷- رئیس هیئت نمایندگی فرانسه پس از سخنان مسوطی در مورد نقض حقوق بشر در بسیاری از کشورهای جهان از جمله در مورد ایران گفت: "وضع حقوق بشر در ایران بویژه رقت انگیز است... و با توجه به گزارشات دبیرکل و گزارش آقای

"واکو" نمی توان در مورد تعداد بسیار زیاد اعدام ها در این کشور و نحوه ی سریع محاکمات ابراز ناراحتی نمود."

ضمنا روسای هیئت های نمایندگی ایتالیا، کانادا، اوگاندا، ایرلند، فنلاند و کوستاریکا هریک ضمن بیانات خود گزارش دبیرکل در مورد ایران را مورد تایید قرار داده و صراحتا به نقض حقوق بشر در این کشور اشاره کردند.

۸- نماینده ی ایرلند گفت: "گزارشات مختلف از منابع موثق که در گزارش دبیرکل آمده از حکومت وحشت در سطح توده ای و شکنجه و اعدام در ایران حکایت می کند."

۹- نماینده ی کانادا ضمن سخنان مسوطی در مورد وضع حقوق بشر در ایران گفت که دولت این کشور بطور مستمر مبانی حقوق بشر را پایمال می کند. عده ای از روسای هیئت های نمایندگی کشورهای ناظر در باره ی نقض حقوق بشر در ایران صریحا صحبت نمودند از آن جمله اند نمایندگان نروژ، سوئد، دانمارک.

بعنوان مثال نماینده ی نروژ طی بیانات مسوطی گفت: "کشور من گزارا در جلسات مربوط به بررسی حقوق بشر نگرانی و

است که اعلام رسمی "نقض شدید و دائمی" حقوق بشر در ایران بویژه با توجه به گزارشات دبیر کل سازمان ملل متحد و سایر گزارشات و مذاکرات و نطق های مقدماتی نمایندگان، صراحتا به

بوقوع پیوست، چرا که دیدیم که درست در آستانه ی شروع کمیسیون یعنی در تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۸۳ رژیم ایران رسماً به دبیرکل اطلاع داد که "نمایندگی وی می تواند در نیمه ی دوم ماه

دبیر کل برای بازدید از زندانهای ایران دعوت نمود. ولی در جریان مذاکرات مربوط به قطعنامه با کمال وقاحت و علنا تهدید کرد که چنانچه این قطعنامه بتصویب برسد دولت ایران دعوت های خود را پس می گیرد. بموجب آخرین خبر و همانطور که فوقاً ملاحظه شد نماینده ی رژیم در روز جمعه ۱۱ مارس جاری رسماً اعلام کرده است که: "دعوت مذکور پس گرفته شده است"

(تربیبون دوژنو مورخ مورخ شنبه و یکشنبه ۱۲ و ۱۳ مارس ۱۹۸۳)



نمونه‌های دیگری از انعکاس گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد در رابطه با جنایات رژیم خمینی در مطبوعات جهان

Washington Post

نام روزنامه: واشنگتن پست
تاریخ: ۱۹۸۳/۳/۱

گزارش سازمان ملل در مورد ایران

را بپذیرند. این اولین گزارش سازمان ملل در باره رسیدگی به حقوق بشر در ایران است که اطلاعاتش را از مجاری مختلف از جمله عفو بین‌المللی و مجاهدین خلق، سازمان اپوزیسیون چپ ایران تهیه کرده است. در زندانهای شلوغ ایران حدود ۵۰ هزار زندانی وجود دارد که اغلب بوسیلهی شلاق شکنجه شده و یا به آنها شوک الکتریکی و صحنه‌ی غیرواقعی برایشان ترتیب می‌دهند...

Süddeutsche Zeitung

نام روزنامه: زودویچه سائوتنگ
تاریخ: ۱۹۸۳/۳/۳

وضع حقوق بشر بررسی شد. به ایران

کمیسیون زیرپا گذاشتن حقوق بشر در ایران را در بسیاری از موارد ثبت کرده است

خبرگزاری رویترز- ژنو
پرز دوکولار دبیر کل سازمان ملل متحد گفته است که نماینده‌ی ویژه‌ی از سوی سازمان ملل در اواسط ماه مارس اجازه‌ی دریافت کرده که به ایران برود. کمیسیون حقوق بشر این سازمان در گزارش خود صحبت از ۴۵۰۰ تا ۲۰۰۰۰ اعدامی می‌کند که از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون صورت گرفته است. این اولین گزارش مشروح سازمان ملل در مورد حقوق بشر در ایران است و به تمام منابع دریافتی خبری خود مثل عفو بین‌الملل و سازمان مجاهدین نیز اشاره کرده است. عفو بین‌الملل مدعی است که از ماه اوت ۸۲ تاکنون در ایران تقریباً ۴۵۶۸ نفر اعدام شدند. رهبر اپوزیسیون ایران مسعود رجوی که در تبعید زندگی می‌کند گفته که ۲۰۰۰۰ نفر تاکنون اعدام شده‌اند.

Frankfurter Rundschau

نام روزنامه: فرانکفورتر روندشاو
تاریخ: ۱۹۸۳/۳/۵

گزارش سازمان ملل راجع به ایران

... این اولین باری است که سازمان ملل گزارش مشروحی درباره‌ی ایران می‌دهد. گزارش این کمیسیون متکی به گزارشات سازمان عفو بین‌الملل و مجاهدین خلق که برعلیه رژیم خمینی مبارزه می‌کنند، می‌باشد. و گزارش آن‌ها حاکی از ۴ تا ۲۰ هزار اعدامی می‌باشد. رجوی اضافه کرده که اغلب آنان بخاطر عقاید سیاسی محکوم به اعدام گشتند. براساس اظهارات رجوی هم‌اکنون ۵۰۰۰۰ نفر در زندانهای ایران بسر می‌برند. سازمان مجاهدین رژیم را متهم

نام روزنامه: شیکاگو تریبون
تاریخ: سه‌شنبه ۸۳/۳/۱

Chicago Tribune

سازمان ملل گزارشی از متداول بودن شکنجه و اعدام در رژیم خمینی می‌دهد

ژنو- اولین گزارش سازمان ملل متحد درباره‌ی وضع حقوق بشر در ایران روز دوشنبه منتشر شد. در این گزارش آمار وحشتناکی از اعدام‌ها- شکنجه در رژیم اسلامی ایران منتشر شده است... این سند ۶۰ صفحه‌ای که بوسیله‌ی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل تهیه گردیده است از "تعداد بی‌شمار اعدام‌های بدون محاکمه" و "موارد بیشمار شکنجه" گزارش می‌دهد.

همچنین این سند اتهامات مخالفان رژیم را مبنی بر اینکه دولت زنان و کودکان را اعدام کرده و افراد مسن و مادران را همراه با نوزادانشان زندانی نموده، اشاره کرده است... گزارش سازمان ملل به تفصیل از یک نامه‌ی مسعود رجوی رهبر تبعیدی ایران نقل می‌کند: "رژیم اسلامی حداقل ۵۰۰۰۰ زندانی سیاسی داشته و ۲۰۰۰۰ نفر را اعدام کرده است که بیشتر آنها تنها بخاطر عقایدشان بوده است" همچنین در قسمت دیگر نامه آمده است: "در بسیاری از موارد هواداران جنبش مقاومت مجاهدین که بوسیله‌ی او رهبری می‌شوند بخاطر توزیع و پخش اعلامیه‌های سازمان اعدام شده‌اند."

در گزارش سازمان ملل به یکی از انتشارات مجاهدین اشاره رفته است که در آن عنوان شده دولت ایران بین مارس ۱۹۸۰ و مارس ۱۹۸۱، ۱۹۰۰ زندانی را شکنجه داده است. برطبق این گزارش نیروهای امنیتی زندانیان را شلاق زده و انواع دیگر شکنجه را بکار گرفته‌اند در این گزارش همچنین به نقل از یک بررسی سازمان عفو بین‌الملل آمده است که مقامات ایرانی اعضای خانواده‌ی یک شخص مظنون را برای به حرف درآوردن شکنجه کرده‌اند.

THE OKLAHOMA DAILY

نام روزنامه: اکلاهما دیلی
تاریخ: سه‌شنبه ۱۹۸۳/۳/۱

اطلاعیه سازمان ملل متحد

در مورد بحران‌های رژیم

به نامه‌ی از رهبر تبعیدی ایران مسعود رجوی اشاره می‌کند که در این نامه نوشته شده که دولت ایران حداقل ۵۰۰۰۰ زندانی سیاسی در زندان‌های ایران دارد و ۲۰۰۰۰ از مردم بی‌گناه را اعدام کرده است که بیشتر این مردم تنها بخاطر "عقایدشان" اعدام شده و یا زندانی هستند. گزارش سازمان ملل از نشریات مجاهدین نوشته که دولت ایران از مارس سال ۱۹۸۰ تا مارس سال ۱۹۸۱ حدود ۱۹۰۰ زندانی را شکنجه کرده است، گفته شد که مقامات کنترل زندان، زندانیان را کتک و شلاق زده و از شکنجه‌های مختلفی استفاده می‌کنند همچنین در این گزارش اطلاعیه‌ی از آمار عفو بین‌الملل (گروه حقوق بشر) در لندن داده شد که مقامات ایران اعضا- خانواده‌ی یک فرد مورد ظن را شکنجه کردند تا او را به حرف بیاورند.

اولین گزارش سازمان ملل متحد درباره‌ی موقعیت کنونی حقوق بشر در ایران روز دوشنبه داده شد، که در آن لیستی از بی‌رحمانه‌ترین آمار اعدامیان و شکنجه‌شدگان بوسیله‌ی حکومت "انقلابی اسلامی!" ایران ذکر شده بود... در سند ۶۰ صفحه‌ای که برای دیدار تازه‌ی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد تهیه شد، ذکر شده است که مدارکی در مورد "تعداد زیادی از اعدام‌ها که به صورت تکتک و جداگانه و یا به صورت انتخابی" انجام می‌گیرد موجود است، و همچنین مدارکی در مورد "تعداد زیادی از شکنجه‌شدگان".

در این سند با استناد به منابع ضد رژیم، دولت ایران متهم شده است که زنان و خردسالان را اعدام و مردم سالخورده و پیر و مادران و نوزادان رازندانی می‌کند... گزارش سازمان ملل

Tampa Tribune

نام روزنامه: تامپا تریبون
تاریخ: ۱۹۸۳/۳/۱

سازمان ملل آماری

در مورد رژیم ایران منتشر کرد

آورده است که دولت زنان و بچه‌ها را اعدام نموده و اشخاص پیر و مادران را با نوزادانشان زندانی نموده است... گزارش سازمان ملل بطور مفصل از نامه‌های رهبر اخراج شده‌ی ایران مسعود رجوی فاکت آورده و گفته است مقامات اسلامی حداقل ۵۰ هزار زندانی سیاسی دارند و ۲۰ هزار نفر را اعدام کرده‌اند که اکثر آنها بخاطر نظریاتشان اعدام شده‌اند. نامه‌ی رجوی گفته است هواداران مجاهدین که بوسیله‌ی وی رهبری می‌شوند بخاطر پخش اعلامیه‌های جنبش اعدام شده‌اند.

مقامات ایرانی گزارش سازمان ملل را با اتهام- تبلیغاتی که بوسیله‌ی غرب ترتیب داده شده است- کتمان می‌کنند. اولین گزارش سازمان ملل در مورد حقوق بشر در ایران دوشنبه منتشر شد. در این گزارش آمارهایی در مورد اعدام و شکنجه بوسیله‌ی رژیم انقلاب اسلامی ذکر گردیده است... گزارش مصوب ۶۳ کمیسیون جاری حقوق بشر سازمان ملل به اعدام‌های سریع و بی‌دلیل و موارد زیادی از شکنجه اشاره می‌کند. این گزارش همچنین از اتهامات مخالفین رژیم فاکت

آموزش ویژه هسته‌های مقاومت مسلحانه (۳)

طراحی عملیات

بقیه از صفحه ۱۰

سلامت عقب‌نشینی را بیشتر تضمین می‌نماید و هم در صورت پی‌گیری دشمن، تفرق رزمندگان باعث تجزیه نیروهای او می‌شود.

بخشی از "عقب‌نشینی سریع" مربوط به چگونگی استفاده از خودروی عملیاتی است. به این معنی که اگر مثلاً با موتورسیکلت به عملیات رفته‌اید، باید موتور را روشن نگاهدارید و یا پس از زدن سوژه، در زمانی که یک نفر جهت مصادره سلاح و مدارک وی اقدام می‌کند، نفر دیگر موتور را روشن کرده و کاملاً آماده‌ی حرکت باشد. اگر خودروی عملیاتی اتومبیل است، مسئول رانندگی آن را قبلاً مشخص کنید، قفل هر چهار درب اتومبیل را بازنگه‌دارید و بلافاصله پس از دستور فرمانده به طرف ماشین حرکت کرده و هر کدام از یک درب سوار ماشین شوید.

پس از خروج سریع از صحنه‌ی عمل، تعیین مسیر مناسب، سرعت خروج از منطقه را تضمین می‌کند. مسیر عقب‌نشینی را حتی المقدور با این ویژگی‌ها انتخاب کنید: - مسیر از چهارراه و تقاطع کمتری برخوردار باشد.

- تقاطع‌های اصلی آن چراغ قرمزهای طولانی مدت نداشته باشد.

- مسیر، مستقیم و یک خطی انتخاب نشود تا اگر کسی آنرا دنبال کرد، در تقاطع‌ها و انشعابات نتواند تشخیص بدهد که واحد عملیاتی از چه مسیری و به کدام طرف رفته است.

- خیابان‌های مسیر عقب‌نشینی از حداقل ترافیک برخوردار باشند و از مقابل مراکز انتظامی رژیم و دیگر مراکز حفاظت شده عبور نکنند.

- متناسب با نوع خودرو (اتومبیل یا موتور) مسیرهای مشخصی برای ضدتعقیب و رد گم کردن تعیین گردیده باشد. - نکته‌ی مهم دیگر در این رابطه تسلط و آشنائی به خیابان‌ها و طول و عرض آنهاست که در مرحله‌ی شناسائی باید به آن دقت نمود. همچنین باید مسیر "زاپاس" نیز تعیین کرد تا در صورت بروز هرساله‌ای برای مسیر اصلی، بتوان با

آمادگی ذهنی قبلی از مسیرهای دیگر استفاده نمود. در غیر این صورت ممکن است واحد عملیات در کوچه‌ها و خیابان‌های بن‌بست گیر کند و یا ندانسته از مقابل مراکز انتظامی عبور نماید، که نتیجتاً احتمال درگیری ناخواسته افزایش پیدا کرده و عقب‌نشینی سالم به خطر می‌افتد.

از آنجا که دشمن پس از عملیات انقلابی رزمندگان مجاهد، نیروهای خود را با استفاده از بی‌سیم بسیج می‌کند تا آنها را دستگیر نماید، گنجاندن طرح‌های حفاظتی در مسیر عقب‌نشینی نیز ضروری است. یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین این طرح‌ها تعویض خودروی عملیاتی می‌باشد، چرا که مشخصات خودروی عملیاتی پس از انجام عمل از طرق مختلف منجمله تحقیقات و پرس‌وجو در محل، برای دشمن مشخص می‌گردد و بوسیله‌ی بی‌سیم به نیروهای انتظامی اطلاع داده می‌شود. فاصله‌ی زمانی اجرای عمل تا انعکاس مشخصات آن بر روی بی‌سیم دشمن معمولاً آنقدر هست که بتوان به مقدار کافی از منطقه‌ی اجرای عمل دور شد. اما استفاده‌ی طولانی مدت - مثلاً تا رسیدن به حوالی پایگاه از یک خودرو، اشتباه است. بخصوص اگر خودروی عملیاتی

طرح دیگری که با اجرای آن می‌توانید سلامت عقب‌نشینی را بیشتر تامین کنید، تعویض لباس و تغییر قیافه، پس از خروج از صحنه‌ی عمل می‌باشد. مثلاً می‌توانید در حین اجرای عمل، کلاه به سر بگذارید و پس از آن بردارید. یا با پیراهن به عملیات بروید و پس از عمل بر روی آن کت بپوشید و ... تعویض لباس بخصوص برای رزمندگان واحدهای موتوری از اهمیت بیشتری برخوردار است، رزمندگان واحدهای موتوری حتی می‌توانند تغییراتی در ظاهر موتور خود نیز ایجاد نمایند. (برای توضیح بیشتر به مقاله‌ی عملیات واحدهای موتوری - نشریه مجاهد - شماره

عقب‌نشینی باید همیشه آماده‌ی دفاع بود. بنابراین طرح دفاعی لازم برای عقب‌نشینی را با در نظر گرفتن شقوق مختلف آن مورد بحث و بررسی قرار دهید. دوم اینکه پس از دور شدن از منطقه و در هنگام ورود به پایگاه، وضعیت ظاهری شما باید کاملاً عادی باشد. بنابراین هنگام طراحی، پیش‌بینی‌های لازم در این مورد را نیز بکنید.

● سوال ۴۱ - تعیین تدارکات و مهمات و دیگر وسائل لازم در هنگام طراحی چگونه است؟
جواب: پس از مشخص شدن طرح اجرائی عمل می‌توانید آتش لازم برای اجرای آنرا معین کنید تا در مرحله‌ی بعد به تدارک آن بپردازید. تدارکات هر عملیات، عبارتند از: سلاح و مهمات، خودروی عملیاتی و وسائل لازم دیگر

عملیات - اگر امکان باشد - هر چه بتوان آتش سنگین‌تر و مهمات بیشتری به همراه برد، بهتر است ولی شرط استفاده از آنها، اینست که "ضرورت عملیات" چنین استفاده‌ای را ایجاب نماید. البته این اصل نباید باعث تردید در استفاده‌ی به موقع از آنها و نتیجتاً مانع انجام کامل عمل بشود. به عبارت دیگر بایستی تاکید کنیم که هر جا لازم باشد، باید با رگبارهای بی‌امان، خم توفنده‌ی خلق را به نمایش گذارد و دشمن را امان نداد. گفتیم که نوع سلاح و میزان آتش را، نوع عمل و چگونگی اجرای آن مشخص می‌کند، ولی مقدار مهمات، همیشه باید بیشتر از مقدار لازم برای انجام عملیات باشد. زیرا عقب‌نشینی و دفاع از خود نیز احتیاج به مهمات دارد. حتی ممکن است

وقتی که واحد عملیاتی برای پیاده کردن و اجرای عمل نظامی، از قبل طرح مشخصی در دست داشته و با آگاهی و اشراف کامل، قدم به صحنه‌ی عملیات بگذارد، تسلط، توانائی و دینا میزیم وی در صحنه‌ی عملیات افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا می‌کند. از اینرو طراحی، یکی از مراحل جدی و همچنین پیچیده‌ی عمل نظامی است و باید با درک ارزش و اهمیت آن از هر گونه برخورد ساده‌اندیشانه پرهیز نمود.

در حین اجرای عمل با مسائل پیش‌بینی نشده (نظیر مقاومت و یا دخالت یک فرد مسلح - غیر از سوژه -) روبرو شوید. بنابراین باید آنقدر مهمات به همراه داشته باشید که بتوانید تکلیف او را نیز روشن نمایید. هنگام طراحی با در نظر گرفتن موارد فوق، تعداد سلاح و مقدار مهمات و همچنین نارنجک و بمب ضربه‌ای مورد نیاز را تعیین کنید و به تهیه و آماده کردن آنها اقدام نمایید.

ب - خودروی عملیات: نوع خودرو نیز بر مبنای ضرورت‌های عملیات، مشخص می‌شود. بعضی از عملیات فقط به واحد ۲ نفره و سلاح سبک احتیاج دارد. بنابراین با موتورسیکلت قابل اجراء است. ولی در عملیات که به بیش از ۲ نفر و سلاح‌های نظیر ژ - ۳ احتیاج داشته باشد، ضرورتاً باید از اتومبیل استفاده نمود. (حمل سلاح ژ - ۳ توسط موتورسیکلت سریعاً مشخص می‌شود ولی در صورت لزوم می‌توان قنداق آنرا برید و کوتاه کرد و شبیه یک مسلسل کوتاه از آن استفاده نمود.)

بنابراین با تعیین نوع عمل چگونگی اجراء، تعداد نفرات شرکت کننده و سلاح مورد استفاده، خودروی مورد نیاز نیز مشخص می‌شود.

که دیلاً به توضیح هر کدام می‌پردازیم:
الف - سلاح و مهمات: نوع سلاح و مقدار مهمات و میزان آتش لازم برای هر عملیات، بر مبنای نوع عمل و نحوه‌ی اجرای آن مشخص می‌شود بنابراین از هم اکنون بطور کاملاً دقیق نمی‌توان گفت که چه نوع سلاح برای کدام نوع عمل مناسب است. ولی همیشه باید اصل را بر این قرار داد که با یک طراحی پیچیده،

۱۳۵ مراجعه کنید.)
نکنه‌ی دیگری که می‌تواند عقب‌نشینی را از حفاظت بیشتری برخوردار کند، تغییر ترکیب نفرات در هنگام عقب‌نشینی است. (بمنظور رعایت اصل "تفرق") باین ترتیب که پس از خروج از منطقه‌ی عمل، افراد به صورت تک‌تک در محل‌های مناسبی از خودروی عملیاتی، پیاده شده و به انتهائی با استفاده از وسائط نقلیه‌ی عمومی به پایگاه

در بعضی مواقع، غلظت نظامی شهر و موقعیت محل، این اجازه را می‌دهد که افراد واحد عملیاتی به همراه هم و بوسیله‌ی خودروی عملیاتی، طول مسیری را طی کرده و به صحنه‌ی اجرای عمل بروند. اما اگر شرایط نظامی چنین اجازه‌ای را ندهد، لازم است که افراد بطور جداگانه به منطقه‌ی عملیات رفته و در آنجا به یکدیگر ملحق شوند. در این صورت برنامه‌ریزی دقیق ورود و وصل شدن افراد به یکدیگر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

سلاح ساده‌تری مورد نیاز باشد و مهمات کمتری مصرف شود. مثلاً اگر برای اعدام انقلابی یک مزدور می‌توان هم از سلاح کمری استفاده کرد و هم از مسلسل، اصل بر این است که از سلاح کمری استفاده شود. این اصل به این مفهوم نیست که نباید مسلسل و مهمات زیادتری به همراه برد، بلکه منظور ما توجه دادن به ارزش و اهمیت و حد استفاده از آنها می‌باشد. طبیعتاً در هر

بازگردند. در انتها نیز راننده می‌تواند خودرو را رها کرده و با وسیله‌ی دیگری به پایگاه برود. لازم به تذکر است که اگر افراد، پایگاه‌های استقرار جداگانه‌ای دارند، به طرق مختلف باید سلامتی خود را پس از رسیدن به پایگاه به اطلاع فرمانده برسانند. به دو نکته دیگر در طراحی عقب‌نشینی اشاره می‌کنیم:
اول اینکه در هنگام

اتومبیل باشد. از اینرو می‌توان اتومبیل دیگری تهیه کرد و در حوالی منطقه‌ی عمل، پارک نمود و پس از دور شدن از صحنه، اتومبیل قبلی را رها کرده و از اتومبیل "تعویض" استفاده کرد. در هنگام تعویض باید دقت کنید که کسی متوجه کار شما نشود. بخصوص در حمل سلاح از یک ماشین به ماشین دیگر، از پوشش‌های مناسبی استفاده کنید تا اینکه کسی متوجه وضعیت شما نشود.

چند گزارش کوتاه در رابطه با اقدامات ضد کارگری و سرکوبگرانه رژیم و اعتراضات کارگران

اعتصاب در کارخانه پارس الکتریک رشت

روز دوشنبه ۱۲ اسفندماه جاری کلیه کارگران کارخانه پارس الکتریک رشت (که حدود ۶۰۰ نفر هستند) در اعتراض به اقدامات ضد کارگری و سرکوبگرانه مسئولان سرسپردهی این کارخانه و مرگ مشکوک یکی از مهندسان آن، دست به اعتصاب زدند. فرهمندزاد استاندار خائن گیلان که از عواقب این اعتصاب، هراسناک شده بود، بلافاصله مزدوران سپاه ضد خلقی و حاکم ضد شرع رشت را برای سرکوب کارگران به کارخانه اعزام کرد. مزدوران سپاه برای سرکوب و ارباب اعتصاب کنندگان، لاقفل دو تن از آنان را دستگیر نموده و با خود بردند. این اقدام سرکوبگرانهی استاندار، نه تنها تأثیری در شکستن اعتصاب نگذاشت، بلکه کارگران خشمناکتر شده و خواستار آزادی فوری همکارانشان شدند، به نحوی که مقامات رژیم در هراس از عواقب تهدیدات کارگران، مجبور شدند کارگران بازداشت شده را با قید ضمانت آزاد نمایند. کارگران پس از

آزادی همکارانشان به سر کار خود بازگشتند.

قطع حق مسکن کارگران پالایشگاه شیراز

اخیرا رژیم ضد خلقی خمینی، حق مسکن کلیه کارگران پالایشگاه نفت شیراز را به بهانهی جنگ، قطع کرده است. این اقدام ضد کارگری رژیم، کارگران این پالایشگاه بخصوص کارگران موقت (که اصطلاحاً به کارگران تحت پوشش معروف هستند)، را به شدت تحت فشار قرار داده است. زیرا حق مسکن کارگران، بخصوص بانوجه به تورم سرسام آور، به عنوان یک کمک خرجی-هر چند جزئی- برای این کارگران محروم محسوب می شد. اکنون با لغو حق مسکن و سایر مزایا حقوق این کارگران تقریباً تا نصف حقوق قبلی شان کاهش یافته است. بنحوی که حقوق اغلب آنها به میزان ۸۰۰ تومان در ماه رسیده است.

لازم به توضیح است که تعداد کارگران موقت این کارخانه ۲۴۰ نفر می باشد که در میان آنها تعدادی دیپلمه و نیز ۲ نفر با مدرک لیسانس

وجود دارند و هم چنین شرکت نفت در سرتاسر کشور ۲۳ هزار نفر کارگر موقت (تحت پوشش) دارد که همگی از وضعیت مشابه کارگران موقت پالایشگاه شیراز برخوردارند. از سوی دیگر مقامات رژیم و نیز جاسوسان انجمن ضد اسلامی پالایشگاه با هرگونه پیشنهاد کارگران مبنی بر گرفتن حق مسکن و مزایای قطع شده به بهانهی جنگ، مخالفت می کنند. این دزدی آشکار رژیم خمینی آنهم از ابتدائی ترین حقوق حقهی کارگران، جو تشنج آمیزی را در کارخانه ایجاد کرده است.

تقلیل مرخصی سالیانه کارگران کارخانه داروپخش تهران

هنوز قانون ضد کارگری جدید خمینی در مجلس ضد خلقی به تصویب نرسیده که مدیران سرسپردهی خمینی در کارخانه داروپخش تهران، ۲ روز از مرخصی سالیانهی کارگران را کم کرده و آن را از ۱۲ روز به ۱۰ روز تقلیل داده اند! لازم به توضیح است که طبق قرارداد قبلی در ازای

تعطیلی پنجشنبه کارگران، ساعات کار کارگران این کارخانه تا ۴۴ ساعت در هفته افزایش پیدا کرده است. اما اینک براساس دستورالعمل وزارت کار مدیریت سرسپردهی داروپخش، با هزاران توجیه، از جمله به بهانهی تعطیلی پنجشنبه (علیرغم اینکه در ازای آن به ساعت کار روزانه کارگران افزوده)، تعطیلات همه سالهی کارگران زحمتکش را ۲ روز کم کرده است. از سوی دیگر هنوز در این کارخانه طبقه بندی مشاغل و ... انجام نگرفته و ایادی خمینی به دلخواه خود هر تزیینی را در حق کارگران اعمال می کنند. کلیه کارگران کارخانه داروپخش (که تعدادشان به ۱۲۰۰ نفر می رسد) شدیداً به این وضع، بویژه به کاهش مرخصی خود معترض هستند.

رژیم خمینی کارگران کارخانه قند فریمان را به جبهه های جنگ فرستاده است

رژیم ضد خلقی خمینی مدت

۲۰ روز است که کارگران کارخانهی قند فریمان مشهد را به جبهه فرستاده است.

لازم به توضیح است که آخوند جنایتکار واعظ طبسی نمایندهی خمینی و باصطلاح تولیت آستان قدس رضوی به عنوان صاحب اختیار این کارخانه (همچون سایر موسساتی که سهام عمدهی آن بنام آستان قدس است) مقاصد جنایتکارانه و ضد کارگری رژیم را با سرکوب کارگران عملی می سازد.

کارخانهی قند فریمان تعداد ۵۲۰ نفر کارگر دائمی و ۱۵۰۰ نفر کارگر فصلی (غیر دائمی) دارد که بار اول ۴۱۰ تن از این کارگران یکجا به جبهه فرستاده شدند. اما هم اکنون تنها چند نگهبان و مسئول برق، برای حفاظت کارخانه باقی مانده اند. انجمن ضد اسلامی کارخانهی قند فریمان همچون سایر کارخانجات نقش مهمی در جهت تهدید و ارباب کارگران و اعزام آنها به جبهه ها دارد و این در حالیست که اغلب این کارگران که عمدتاً روستائی نیز هستند، با چندین سر عائله فقط با روزی ۶۲ تومان حقوق، زندگی مشقت باری را می گذرانند *

نحوی عمل نماید که نتیجه موفقیت آمیز باشد. تجربه نشان داده است که علیرغم همه پیش بینی ها و بررسی جوانب مختلف یک عملیات-از آنجا که هر عمل، مختصات ویژهی خود را دارد و فقط برای یکبار انجام می شود - باز هم در صحنهی اجرائی موارد پیش بینی نشده و بعضاً غیر قابل پیش بینی بوقوع می پیوندند. در همینجاست که اهمیت نقش فرماندهی و کارآئی و ضرورت آن در هر عمل نظامی - هر چند ساده و کوچک - مشخص می شود. از اینرو در هیچ عملی نباید بدون تعیین فرمانده و معاون، وارد شد و اینطور تصور کرد که هر کس وظیفهی خود را می داند و به چنین تقسیم بندی هائی نیاز نیست.

در انتها باری دیگر یادآوری می شود که پرسش و پاسخ های این شماره عمدتاً در رابطه با طراحی تاکتیک کمین بود، بحث طراحی به همینجا خاتمه پیدا نمی کند ولی فعلاً به همین مقدار اکتفا می شود *

می شود تا بین افراد تقسیم گردد.

سازماندهی و آرایش صحیح نفرات در صحنهی عمل و تقسیم درست نقش های اجرائی بین آنها، به نحوی که اولاً به حداقل نفرات احتیاج باشد، ثانیاً وظایف افراد، متناسب با توان نظامی - عملیاتی آنها باشد و ثالثاً نسبت به نقش خود کاملاً توجیه شده و مسلط باشند، از ویژگی های یک طراحی خوب است.

● سوال ۴۳: مقصود از "دینامیزم در طراحی" چیست؟
جواب: با توجه به اینکه در عملیات نظامی پارامترهای متغیری وجود دارند و هر لحظه ممکن است یک پارامتر از صحنه حذف و یا به صحنه اضافه شود، هیچگاه نباید طرح عملیاتی را خشک و لایتغیر پنداشت. بلکه افراد عمل کننده و بخصوص عنصر فرمانده می تواند با ارزیابی ویژگی های صحنهی عمل در صورت لزوم در طرح عملیاتی تغییراتی بدهد. یعنی دست فرمانده باز است که سرانجام به

آموزش ویژه هسته های مقاومت مسلحانه (۳)

طراحی عملیات

از ندرات هر عملیات است و در طراحی باید به آن پرداخت.

● سوال ۴۲: "طراحی ارتباط و سازماندهی نفرات عمل کننده" (آرایش نظامی تیم) و تعیین نقش هر کدام در عملیات چگونه است؟

جواب: برای تعیین تعداد نفرات لازم باید بر مبنای ضرورت های عملیات به بررسی نشست. در هر عمل، حداقل به یک نفر "عنصر آتش" و یک نفر "حامی" احتیاج هست که یکی از آنها "فرمانده" و دیگری "معاون" می باشد. در عملیاتی که به بیش از ۲ نفر

احتیاج است، یک نفر فرمانده، یک نفر معاون و دیگران عضو واحد عملیاتی می باشند. در بین آنها یک نفر عنصر "آتش اول" است که تیراندازی را آغاز می کند. بر همین مبنای محل استقرار وی در صحنهی عملیات، مشخص می شود. در صورت لزوم باید نفرات دوم و سوم و ... آتش را نیز تعیین کرد تا در لحظه مناسب و بدستور فرمانده، تیراندازی را آغاز نمایند.

وظایف دیگری نیز ممکن است در هر عملیات وجود داشته باشد. مثل نفر یا نفرات حمایت که مسئول حفاظت عناصر عمل کننده می باشند. مسئول رانندگی، مسئول پرتاب مواد آتش زار، مسئول پر کردن خراب ها و آماده کردن سلاح ها و ... و مسئولیت های متعدد دیگری که بر مبنای ضرورت عمل، در هنگام طراحی مشخص

ج- دیگر وسائل لازم: مناسب با طرح عملیات، شاید وسائل دیگری نیز مورد نیاز باشد و یا بتوان با تهیهی امکانات خاصی، طرح عملیات را به گونه ای دیگر تنظیم نمود. مثلاً ممکن است با تهیهی لباس پاسداری یا آخوندی بتوان خیلی ساده تر به منطقهی عمل وارد شد. همچنین می توان با تهیهی کارت ها و مدارک شناسائی مربوط به نیروهای انتظامی رژیم، کیفیت عملیات را ارتقاء داد. بهر حال فراموش نکنید که تهیهی وسائلی که بتواند "پوش مناسبی" برای رزمندگان ایجاد نماید، قسمتی

اطلاعی اتحادیه

انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور
درباره طیفی از ضد انقلابیون (مغلوب)...

کرده اند. تا آنجا که لاف و گراف های نجومی اینان در محافل بین المللی به ضرب المثل تبدیل شده و به نشانه ای که هر آنچه را که اینان می گویند و مدعی می شوند یک هزار بار مبالغه و دروغ است، در برخی رسانه های بین المللی چنین گفته می شد که از اعداد و ارقام و دعای اینان پیوسته باید "سه صفر" را فی الفور حذف نمود!!

با آنکه اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور، در گرما گرم نبرد خونین و سرنوشت ساز خلق قهرمان ایران با رژیم ضد بشری خمینی؛ تاکنون هیچ انرژی و وقتی را در قبال امثال علی امینی و آزاده شفیق به هز نداد و پیوسته بر اساس سفارشات سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران تمامی هم و غم خود را صرف مبارزه با ضد انقلاب غالب نموده است، لکن به منظور آرامش خاطر طیف مزبور و همهی

انقلابی هرگز زبینه نخواهد بود، اگر با وحشیانه ترین پرده دری ها مورد حمله دشمن قرار نگیریم؛ ضد انقلاب غالب و مغلوب بایستی ما را به تیره ترین رنگ ها بیالایند و این البته نه تنها حاکی از دوران جدیدی از تکامل مرز بندی های میان انقلاب و ضد انقلاب است بلکه ضمنا نشان می دهد که ما در کارمان به موفقیت های بزرگی نیز دست یافته ایم. موفقیت در کور کردن بسیاری از شانس های ضد انقلاب و ما نیز از تکامل مرز بندی میان مقاومت انقلابی و انواع و اقسام آلترناتیوهای ضد انقلابی بغایت استقبال می کنیم.

۲- در پاسخ به کسانی که می پرسند مسئول شورای ملی مقاومت ایران" به چه حقی و به استناد چه اختیاری... " نایب نخست وزیر عراق را پذیرفته و درباره صلح عادلانه و تمامیت ارضی ایران از او امضا گرفته و مصون داشتن

بقیه از صفحه ۸

اعدام انقلابی

مسئول انجمن ضد اسلامی

هنرستان سید جمال الدین اسدآبادی

بجنورد

بعده داشت، و شخصا نیز در شناسائی و دستگیری هواداران مجاهدین شرکت می نمود.

قابل ذکر است که ارگان های سرکوبگر خمینی پس از دریافت این ضربه، برای ترمیم روحیهی خرد شده ی جاسوسان رژیم، تعدادی از هنرجویان هنرستان اسدآبادی بجنورد را دستگیر و روانه ی شکنجه گاه ها نمودند.

مقارن ساعت ۶ بامداد، پنجشنبه ۲۱ / بهمن ماه جاری امان الله یزدانی مسئول انجمن ضد اسلامی هنرستان اسدآبادی بجنورد، در خیابان باسکول این شهر، با اسلحه ی سرد مورد تهاجم قرار گرفته و اعدام انقلابی گردید. مزدور فوق که مورد نفرت شدید دانش آموزان بود نقش مهمی در سازماندهی جاسوسان و خیرچینیان خمینی و ایجاد جو اختناق و ارباب در هنرستان را

سیاسی ایران پس از سقوط خمینی و آخوندهای ارتجاعی انجام پذیرفته است... لزومی به توضیح نمی بینیم که چه در رابطه با جعل اینگونه اخبار و چه در رابطه با ترهات مجعول دیگری از این قبیل (که گویا بر حسب قول آقایان مجاهدین در آغاز حمله ی قوای عراق به خاک ایران دست روی دست گذاشته و بیکار نشسته اند) حضرات بیهوده عرض خود می برند و زحمت ما می دارند!

هم میهنان!

دانشجویان آگاه و مبارز خارج از کشور!

در ورای همهی آنچه که فوقا گذشت یک واقعیت جدی و آموزنده خود را نشان می دهد و آن اینکه برغم اشک تمساحی که ضد انقلابیون مغلوب برای امروز ایران می ریزند، و برغم اشک تمساحی که ضد انقلابیون غالب برای دیروز ایران می ریختند، همهی آنان بر علیه آزادی و استقلال کشور ما "همواره نیروی ذخیره و پشتیبان یکدیگر بوده اند" و هرگاه که نوبت انقلاب و انقلابیون رسیده از "ستار" گرفته تا "مصدق" و تا "مجاهدین خلق" هرگز در نثار اتهام وطن فروشی و وابستگی یا در خلع سلاح و صدور حکم درنگ نورزیده اند. اتحاد عمل محمد علی شاه و شیخ فضل الله نوری برای انهدام انقلاب

صدارت ناشی از سرنگونی دولت ملی و قانونی مصدق فقید، از یکسو مبارزان و مجاهدان این سرزمین را از کریم پور شیرازی تا جزئی و کاظم ذوالانوار یابه آتش می کشیدند و یا در فراز تپه های اوین به رگبار می بستند و از سوی دیگر بر سر بازار استعمار، منافع ملی ایران را چاکرانه به تاراج می دادند.

۳- اگر هم بغرض مطلقا محال دستی از "غیب" استعمار بیرون آمده و بعد از خمینی بازم دشمنان آزادی و استقلال ایران را بر جان و مال و نوامیس ملت ما مسلط گرداند، خاطر آسوده دارید که همان نسلی که توانست پرده از اسلام پناهی ریائی خمینی بردارد و او را به حسی ذلت بکشاند؛ باز هم خواهد توانست پرده های دروغین آزادیخواهی! و وطن پرستی! و باصطلاح ملی-گرائی! امثال شما را از هم بدرد و از آزادی و استقلال خلق خود و از سرفرازی پرجم ملی و میهن

در حالیکه هر روز شاهد ارتقاء بیشتر آلترناتیو دمکراتیک شورای ملی مقاومت و در محور آن سازمان خونین و پرافتخار مجاهدین خلق ایران، در سطح داخلی و بین المللی می باشیم، مشاهده می شود که ضد انقلابیون و رشکسته و چهره های خوشنام می! همچون علی امینی و آزاده شفیق (دختر شرف پهلوی) نیز در هر مجالی فرصت را مغتنم شمرده و در حسی عجز و اضمحلال بر علیه سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت به لجن پراکنی می پردازند.

تاریخ اش ایران تا آخرین نفس دفاع نماید.

۴- ارگان های رنگارنگ علی امینی در همان حال که در فضای آکنده از عوام فریبی و دجالیت خمینی، مجاهدین را به وطن فروشی و عقد قرارداد "ترکمن چای" متهم می کنند (که البته این قرارداد نیز سالیان دراز قبل از قرارداد رنگین پیچ - امینی توسط اجداد خود او منعقد شده بود) اما گاه و بیگاه در دکان چند نبش فرصت طلبی خود می کوشند تا با جعل خبر و ادعای گفتگو با مجاهدین، سوابق آلوده ی خود را تحت الشعاع قرار داده و فی المثل می نویسند: "جبهه ی نجات ایران به رهبری دکتر علی امینی فعالیت می کند و گوشش نموده با مجاهدین هم گفتگوهای داشته باشد. همچنین گفتگوهای هم درباره ی آینده ی

سپرها و هموطنان بیکانه غیر نظامی ما و سلامت و ایمنی اسرای ایرانی را مورد درخواست قرار داده است؛ می گوئیم: به حق صلح و آزادی و با استناد به تمامیت و مقاومت ایران! به همان حقی که بر اساس آن خلق دلیر ایران و فرزندان قهرمان آن شما را از اریکه ی قدرت به زیر کشیده و بزودی خمینی را نیز به زیر خواهند کشید. حق یک ملت برای زیستن، سازندگی، صلح، آزادی و برای حفاظت از تمامیت ارضی و استقلال ملی. بنابراین: جنگ و دیکتاتوری و خیانت به آزادی و استقلال ملی و وطن فروشی ارزانی همان وطن فروشان حرفه ای باد که این چنین بر علیه تنها آلترناتیو دمکراتیک چشم تیز کرده و گوش خوابانده اند. همانها که در روزگار شاهزادگی کودتاگرانه یا در زمان

آنهاهی که با دعای کاذب آزادیخواهی و وطن پرستی و ملی گرائی از این دست، در جاده محمد علی شاه و محمدرضا شاه قدم برمی دارند یادآوری و خاطر نشان می کند:

۱- ضد انقلاب مغلوب کماکان می تواند مصدق ها، فاطمی ها، طالقانی ها، حنیف نژادها، رجوی ها و همهی نیروها و سازمان ها و دانشجویان انقلابی را با ردیالانه ترین کلمات و فرمایشات اتهامات مورد طعن و لعن قرار دهد و همیشه ارزش های عقیدتی و مبارزاتی و ملی و میهنی ما را در معرض فحاشی، لجن پراکنی و هززه در آئی های خود قرار دهد. اما ما نیز کماکان به مکتب، به شرف و به راه و راهبران خود افتخار می کنیم و بر آنیم که برای ما چه به عنوان یک فرد یا یک سازمان یا یک انجمن هوادار

مشروطه و کشتار "مجاهدین صدر مشروطه" و وحدت عمل کاشانی و شاه برای سقوط "دکتر مصدق" و سرکوب جنبش ضد استعماری ملی کردن نفت بر سر حساس ترین بزرگراه های تاریخ ایران از این جمله است.

امروز نیز در حالیکه برکات و ثمرات مقاومت عادلانه ی خلق و سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت برای درهم شکستن سیاست خیانتکار و جنایتکارانه ی خمینی اظهارنظر الشمس است و رژیم ضدملی و ضدمردمی خمینی را در بن بست وحشتناک داخلی و بین المللی قرار داده، باز هم مشاهده می کنیم که ضد انقلابیون مغلوب که در ارتقاء و پیروزی آلترناتیو دمکراتیک، بر باد رفتن همهی امیدهای خیالی خویش را به عیان نظاره می کنند، با خمینی همصدا شده و در عمل با پشتیبانی از همان سیاست های خمینی - بالاخص در قبال ادامه ی جنگ - بر مجاهدین می نازند اما این حکم تاریخ است که از هیاهوی دشمنان خلق چیزی بر جای نمی ماند و سرانجام آنچه منافع مردم در نیل به آزادی و استقلال ملی و صلح و رشد و تکامل اقتصادی و اجتماعی را در بر دارد باثبات خواهد رسید.

فاما الزید فیذهب جفاً و اما ما ینفع الناس فیمکت فی الارض "اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور"

شکستی با هزاران کشته

حاصل رویای رژیم در مورد

"پیروزی نهائی" در "جنگ آخر"!!

بقیه از صفحه ۷

رژیم برای جبران شکستش به تلاشهای مذبحانه‌ی دیگری دست زد و حملاتی در جبهه‌های نیسان و مریوان انجام داد، در این جبهه‌ها نیز با شکست روبرو گردید و منجمه در یکی از این حملات بیش از ۱۰۰۰ نفر از افراد یک تیپ ایرانی باسارت درآمدند.

سران رژیم که آمادگی این شکست و تلفات بیسازنده‌ی آنرا نداشتند بشدت بتکاپو افتادند. موضع تهاجمی و تبلیغات کرکننده، مبنی بر پیروزی نهائی به موضع تدافعی و انکار واقعیت (شکست) تبدیل شد. بخصوص تلفات مربوط به کودکان و نوجوانان بگونه‌ای افشا شد، که خمینی مجبور گردید شخصا به صحنه بیاید و عوامفریبانه، آنرا لاپوشانی کند. او که تا روز قبل، "پیروزی قدرتمندانه!" را به همه تبریک گفته بود و صحبت از حمله‌ی باصطلاح نیروهای اسلام و فرار نیروهای کفر کرده بود، چند روز پس از آن تنها به انکار واقعیت تلفات انسانی اکتفا کرد و در سخنرانی پنجشنبه ۲۱ بهمن خود با حماقت تمام گفت: "حتی در این نبرد آخر گاهی می‌گویند هفت هزار، گاهی می‌گویند ۱۵ هزار ما از ایرانیان را یعنی از این سپاهیان ایران را کشتیم و از زمین بردیم. بیش از ۴ هزار ما نفرستادیم در جبهه‌ها...". این دروغ خمینی آنقدر بزرگ و ابلهانه بود که کافی بود از خود او می‌پرسیدند که با چهارهزار نفر چگونه می‌خواستید سرنوشت منطقه را عوض کنید و با اشاره‌ی همه چیز را بهم ریخته و زیر و رو کنید!؟

رفسنجانی خائن نیز که در اولین روز تهاجم با لحنی قاطع و مطمئن می‌خواست بقول خودش "سرنوشت نهائی منطقه را با این آخرین عملیات" تعیین کند. در بیست و چهارم بهمن ماه اظهار داشت: "امروز بیش از هر زمان دیگری، نیروهای مسلح را در

جبهه‌ها جمع کرده‌ایم و همچنان هم سیل داوطلبان بطرف جبهه‌ها سرازیر است و مقدمات حرکتی که تا روشن شدن سرنوشت جنگ متوقف نخواهد شد، فراهم است. فقط آنچه که می‌تواند حرکت ما را محدود کند، ملاحظاتی است که در نظر داریم تا خونریزی و تخریب کمتر بشود... ماقبل از آغاز عملیات حرفه‌ایمان را زده‌ایم ما صلح می‌خواهیم و جنگ افروز نیستیم." (اطلاعات ۲۵/بهمن/۶۱) ملاحظه می‌کنید در حالیکه خمینی عوامفریبانه سعی کرده بود تلفات زیاد جنگ را لاپوشانی کند، رفسنجانی تلویحا به ابعاد عظیم تلفات رژیم اعتراف می‌کند. زیرا بنا به ادعای او تنها عامل محدود شدن تهاجمات رژیم جلوگیری از تلفات و خونریزی زیاد بوده است! و بدینسان ناخواسته دروغ‌پردازیهایی قبلی خود و امام شیداش را برملا می‌کند. نکته‌ی جالب دیگر اینکه، رژیمی که تا چند روز قبل، فقط شعار جنگ و تهاجم می‌داد، پس از این شکست فزاینده، ناگهان خود را مخالف جنگ‌افروزی قلمداد می‌کند! ضمنا از آنجا که ابعاد این شکست برای رژیم خمینی فاجعه‌آمیز بود و در سطح وسیعی - بخصوص در داخل کشور- افشاء گردیده بود، تلاش رژیم برای توجیه این شکست همچنان ادامه پیدا کرد، اما توجیهات احمقانه و تناقض - گوئیهای مربوطه نیز چیزی جز مهر تأیید بر شکست مفتضحانه‌اش در جنگ نبود. رفسنجانی خائن که در روز اول حمله و قبل از آن بوضوح به تبلیغ جنگ، پیروزیها و سیاستهای مربوط به آن پرداخته بود، حال از موضع نماینده و سخنگوی شورای عالی دفاع برای پرده‌پوشی شکست رژیم و رسوائیهایی که در این تهاجم بیار آورده است، پیچیدگی استراتژی عملیات!! "و سوءاستفاده‌ی دشمن از بعضی نکات!!" را بهانه‌ی سکوت و

فروکش کردن تبلیغات خود قرار می‌دهد. روزنامه‌ی کیهان مورخه‌ی بیست و هشتم بهمن ماه طی مصاحبه‌ای با او چنین می‌نویسد: "حجت‌الاسلام هاشمی ابتدا برای روشن شدن این ابهام که گفته می‌شود دومین مرحله‌ی عملیات والفجر بدون دست‌آورد مشخص با رگود مواجه شده است، ضمن برشمردن دست‌آوردهای مرحله‌ی مقدماتی این عملیات گفت: در مجموع دست‌آوردهای این عملیات بسیار خوب بوده است و آنچه که در برنامه بوده بخوبی انجام شده منتها شرایط ایجاب می‌کند که در حال حاضر همه چیز برای ملت شهیدپرور ایران گفته نشود

چون احتمال سوءاستفاده‌ی دشمن از بعضی نکات وجود دارد... وی در پاسخ به این سوال که چرا با وجود اینکه عملیات والفجر در مراحل مقدماتی است، رژیم صدام و رسانه‌های غربی سعی می‌کنند این عملیات مقدماتی را بسیار وسیع جلوه دهند و مدعی شکست این عملیات شوند، گفت: استراتژی این عملیات بسیار پیچیده است و دشمن اعم از شرقیها و غربیها و خود عراقیها از این بابت سردرگم شده‌اند و با تمام تحلیل‌ها و هیاهویشان تیر به تاریکی می‌اندازند...". ملاحظه می‌کنید که در خلال جمله به جمله‌ی این اظهارات اعتراف به شکست رژیم جنگ‌افروز خمینی مشاهده می‌شود. رژیمی که تا چند روز قبل صحبت از "آخرین عملیات"، "حرکت نهائی" و "عملیات بزرگ و پیروزمند" می‌کرد، طبق عادت همیشگی با چاشنی شعارهای شاد و غلاظ باصطلاح ضد - امپریالیستی!! رسانه‌های غربی را عامل بزرگ جلوه دادن عملیات باصطلاح "الفجر" می‌خواند! البته رژیم از اینهم فراتر رفت و حتی به عقب‌نشینی خود نیز اعتراف نمود. رفسنجانی خائن در نماز جمعه ششم اسفند ماه با زهم سعی کرد شکست رژیم را توجیه کند، او سفیهانه اظهار داشت: "ما عملیات والفجر را کبریتی که زدیم، هنوز کار دیگری نکردیم. فقط اون کار اولی‌ای که کردیم اینها نفهمند چه خبره، ما متأسفانه بخاطر شرایط نظامی نمی‌توانیم روی عملیات "الفجر" تبلیغات لازم را بکنیم. این کار اشکالاتی دارد، بجهه‌های ما با یک حرکتی البته با دادن تلفات و خساراتی... رفتند تا اونجائی که فکر می‌کردند، البته برای اینکه شهید بیشتر ندهیم و برای اینکه بیشتر تلفات داده نشود مصلحت دیدند که به یک نقطه‌ی معینی برگردند و اونجا باشند تا برنامه‌ی بعدی بهشون دستور داده بشود...". اگرچه بدلیل ماهیت ضد - بشری و جنگ‌افروز خمینی نمی‌توان این تهاجم را بعنوان آخرین حمله‌ی رژیم تلقی کرد، ولی واقعیت اینست که رژیم خمینی در این حمله شکست سختی خورد و تلفات بسیاری متحمل شد که طبعا تاثیرات عمیق خود را در تشدید ناراضیتهای بازهم بیشتر مردم و گسترش بحرانهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی رژیم خواهد داشت *

بقیه از صفحه ۶

دیگر نه گول آن دجال بازی و اهداف و شعارهای توخالی روح‌الله خان را می‌خورند و نه تحت تاثیر شعارها و سیاست‌بازی‌های صرفاً با کتیکی بازماندگان رضاخان قرار می‌گیرند.

در این مقطع حساس و سرنوشت‌ساز و در این میدان جهل و ستم و خون و ریا و تزویر، آنچه که ملت ایران به آن نیاز دارد، صداقت و بیان حقیقت است تا ریشه‌ی درد عظیم و تاریخی خود را بشناسد و یکبار برای همیشه به درمان نهائی آن برخیزد.

آری این ملت بزرگ و توده‌های ستمکش آن، هر دوروی سکه منقش به تصویر نامبارک محمدرضا خان و روح‌الله خان را بخوبی دید. دیگر نه شعارهای ناسیونالیستی افراطی عرب و عجم آریائی، غربی و رسیدن به دروازه‌های بزرگ تمدن و حکومت نظم و قانون رضاخان‌اوری فریبید و نه نشخوارهای اسلام‌مآبی و خلافت شعاری روح‌الله خانی، که وعده‌ی فتح بیت‌المقدس و حکومت بر کلیه مسلمین و حتی غیرمسلمین در جهان را می‌دهد و فتح تل‌آویز و منوط به فتح بغداد- البته با لوازم یدکی اسرائیلی!!- کرده است.

بنابراین یکبار برای همیشه می‌بایستی صورت مسئله را برای ملت دربندمان در داخل خاک ایران و آوارگان واقعی ایران روشن کنیم. بدون هیچگونه ملاحظات مودیانه ناشی از سیاست‌بازی‌های آنچنانی، که این قوم بدنصیب ایرانی در تمام طول تاریخ- بجز چند استثناء درخشان- از رجال اُرسی‌پوش و نعلین‌پوش خود دیده است.

صورت مسئله چنین است:

- اگر رژیم خمینی وحدت و تشکل یکپارچه‌ی ملت ایران در طول انقلاب ۵۷ را بخاطر خلافت مادام‌العمر از هم نمی‌گسست، هیچ کشور و قومی جرات حمله به خاک ایران را پیدا نمی‌کرد. بخصوص پس از همبستگی و انقلاب عظیمی که جهانیان را به حیرت درآورده بود.

- اگر رژیم خمینی تحت عنوان صدور باصطلاح انقلاب و بخاطر روی کار آمدن همپالکی‌ها و همطرزهای سفیه خود در نجف و بغداد، در امور داخلی عراق مداخله نمی‌کرد و از تهران اعلامیه و فتوا برای اعتصاب و ندادن پول آب و برق و تلفن و گاز برای مردم عراق نمی‌فرستاد و برای کشور و مردم دیگری نسخه "انقلابی" نمی‌پیچید و در نتیجه حکومت عراق خود را در خطر نمی‌دید،

هیچوقت به ایران حمله نمی‌کرد. فراموش نکنیم که این خمینی بود و هست که می‌خواست و می‌خواهد یک امپراطوری ارتجاعی از نوع قرون وسطی و قرن ۱۸ و ۱۹ خاورمیانه را در "همه‌ی جهان!!" مستقر نماید و به قول مداح دربار جماران- حجازی معروف- کار دنیا را با شمشیر ولایت‌فقیه برای همیشه یکسره کند و جهان را پر از "عدل و داد" نماید.

تربیبون مجلس رفسنجانی تکرار شده و پرده‌های ضخیمی بر روی کلیه‌ی بدبختی‌ها و نابسامانی‌ها و دربدری‌های مردم کشیده است. همین امروز که این سطور نوشته می‌شود، صدای خمینی از رادیوی رژیم در باره‌ی این مسئله همچنان طنین‌انداز است. او در اجتماعی از بازاری‌های تهران که به شکایت از دولت ارتجاعی پیش او رفته‌اند، می‌گوید: "با وجود این جنگ اگر حضرت

امپریالیستی نبوده و نیست. - دیدیم که چقدر اسرائیل را در جریان حمله به لبنان کمک کرد. - دیدیم که چقدر زیرپای آمریکا را در خلیج فارس و منطقه خاورمیانه محکم کرد. - دیدیم که چه مقدار از پول نفت تمام منطقه‌ی خلیج فارس را دوباره به جیب خریداران که فروشندگان اسلحه و ماشین جنگی هستند

مختلف، سه راه‌حل ارائه داده‌اند:

الف- راه حل روح‌الله‌خان- "جنگ جنگ تا پیروزی"- که البته باید سوال کرد کدام پیروزی؟ امن کردن مرزهای کشور یا فتح بغداد و استقرار ولایت فقیه در عراق و یا فتح بیت‌المقدس و تل‌آویز و یا بالاخره لشکرکشی به قاهره و آفریقا و از آنجا به آمریکا و شاید جزایر فالکلند؟!!

اما ما می‌دانیم پیروزی در قاموس خمینی یعنی چه. یعنی پیروزی بر نیروهای مقاومت مردمی داخل و خارج کشور که عرصه را بر او تنگ کرده‌اند و همچنین ادامه‌ی حکومت و مادام‌العمر کردن خلافت بر ایران و غیرقابل تغییر کردن نظام ارتجاعی حاضر.

ب - راه‌حل بازماندگان و نشخوارکنندگان سیستم رضاخان: هم‌آواز شدن با صدای خمینی در تائید حقانیت ادامه‌ی "جنگ جنگ تا پیروزی" که البته پیروزی برای این دسته چیزی نیست مگر تضعیف نیروهای متشکل مقاومت مردمی و پایگاه‌های مستحکم احزاب و گروه‌های داخل شورای ملی مقاومت و سایر نیروهای مردمی که هنوز مناسفانه در خارج آن مانده‌اند- در جهت تحکیم موقعیت بی‌پایه و اساس خود در بین ناراضیان رژیم ارتجاع و به‌نمایش گذاردن خود برای اربابانشان و صدالبته برای تحقق این شعار واحد و وحدت کلمه با خمینی که در هر دو راه‌حل "جنگ، جنگ تا پیروزی" است، هدف، وسیله را که همانا خرابی و ویرانی بیش از پیش ایران و آوارگی و دربدری مردم مناطق جنگ‌زده و به‌هدر رفتن تک سرمایه یعنی نفت و ریختن خون هزاران جوان و کودک خردسال و پیرسنل مردمی ارتش و بالاخره توسعه‌ی وحشت-

انگیز ابعاد قبرستان‌های پیرامون شهرها و دهات غرق در عزای ایران است- را توجیه می‌کند! ب- راه‌حل نیروهای مقاومت مردمی و هواداران واقعی و راستین استقلال و آزادی و تمامیت ارضی و رهائی مردم ایران.

- خاتمه‌ی فوری جنگ که بهترین شرایط و آتسفر را برای تنفس رژیم ارتجاعی بوجود آورده است.

- رسیدن به یک راه‌حل متصفانه برای استقرار صلح بین دو ملت ایران و عراق که چه بخواهیم و چه نخواهیم قرار است قرن‌ها و قرن‌ها و نسل‌ها و نسل‌ها در همسایگی و در

درباره ملاقات و اعلامیه مشترک مسئول شورای ملی مقاومت ایران وطارق عزیز نماینده دولت عراق

علی هم اکنون رئیس دولت ایران بود کاری از دستش بر نمی‌آمد و چه بسا (مثل من) دستور می‌داد مردم با مشکلات بسازند و هستی خود را بدهند و حتی خود حضرت علی عبا‌ی خود را برای ادامه‌ی آن می‌فروخت.

خمینی برای تضمین ادامه‌ی این جنگ مخوف که در سایه‌ی آن به حکومت ننگین خود ادامه می‌دهد، تمام اولیاء و انبیاء و قدیسیں را به نحوی در آن درگیر کرده است.

بازگرداند. - دیدیم که وحدت و یکپارچگی اوپک را درهم شکست. - دیدیم که قیمت نفت را از یکسال پیش حدود ۱۰ دلار کاهش داد. - دیدیم که ادامه‌ی آن باعث عمیق‌تر شدن شکاف بین کشورهای منطقه گردید و از این معادله‌ی غم‌انگیز بر سر فارس و عرب و فلسطینی و کرد و ترک و ارمنی و آشوری و زرتشتی و مسلمان و همه و همه چه آمد.

این جنگ هستی برانداز علاوه بر به هدر دادن این همه خون و سرمایه، اکنون بهترین موقعیت را - لااقل در کوتاه و متوسط مدت - برای رژیم ارتجاع فراهم کرده است. شعار "مسئله‌ی اصلی ما جنگ است" سه سال است که هر روز از حلقوم لرزان خمینی و از بلندگوهای نماز جماعت و تربیبون مجلس رفسنجانی تکرار شده و پرده‌های ضخیمی بر روی کلیه‌ی بدبختی‌ها و نابسامانی‌ها و دربدری‌های مردم کشیده است.

از آوردن "شواهدی از قرآن" برای سپاه پاسداران و جبهه‌ی "دارخوین" گرفته، تا آوردن "امام زمان" سوار بر اسب سفید به منطقه‌ی "سلمچه" و امروز نیز فروختن عبا و عمامه‌ی چهارده معصوم، برای خریدن اسلحه از اسرائیل و دلالت بین‌المللی اسلحه و...

- علاوه بر آنچه بر مردم ایران و هستی این کشور در اثر ادامه‌ی این جنگ توسط فقیه جاهلین رفته است - جنگی که می‌توانست خیلی پیش از اینها به نحو بسیار بهتری حتی با گرفتن مقادیری غرامت پایان یابد - در معادلات بین‌المللی، ادامه‌ی آن چیزی جز در جهت منافع تمام چپاولگران و قدرت‌های

- و بالاخره فردا خواهیم دید که برای ترمیم خرابی‌های روز افزون و بازسازی مناطقی که هر روز خرابتر و خرابتر می‌شود چطور پای کمپانی‌های بزرگ بین‌المللی و مستشاران خارجی به منطقه باز خواهد شد. فردائی که در ازاء هر روز ادامه‌ی جنگ باید قسمت دیگری از سرمایه‌ی نسل‌های آینده‌مان برای ترمیم این همه مصیبت و خرابی به جیب اربابان بزرگ ریخته شود. چیزی درست در جهت تحقق روش کوردلان‌های هم شرقی و هم غربی شیطان جماران.

در مقابل این صورت مسئله‌ی روشن، سه جریان

فرازهائی از زندگی انقلابی مجاهد شهید علی خراشادی زاده

۲۷ اسفند سالروز شهادت مجاهد خلق علی خراشادی زاده است. بدین مناسبت ضمن گرامیداشت خاطره‌ی او، فرازهائی از زندگی انقلابی او را درج می‌کنیم: مجاهد شهید علی خراشادی زاده سال ۱۳۳۰ در خانواده‌ی محروم و زحمتکش در بیرجند بدنیا آمد و دوران کودکی را با رنج و مشقت فراوان سپری کرد. او برای تأمین معیشت خود و خانواده‌اش از همان کودکی مجبور بود در مغازه‌های نانوائی، خرازی و کارگاههای نور و ناریک قالبیافی و ... کار کند و درازای ساعتها کار طاقت فرسا، مزدی اندک و ناچیز دریافت نماید. اما در عین حال با جدیت و پشتکار خود به تحصیل در مدارس شبانه پرداخت و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را نیز بپایان رساند. سپس به مشهد رفت و در انستیتو تکنولوژی به تحصیلاتش ادامه داد.

علی از طریق آشنائی با دانشجویان هوادار سازمان و شرکت در جلسات مترقی مذهبی-سیاسی و ... با اهداف و آرمانهای مجاهدین خلق آشنا شد و خود نیز فعالانه در جهت ترویج و اشاعه‌ی فرهنگ انقلابی مجاهدین تلاش کرد. او به همراه یکی دیگر از همزمانش (مجاهد شهید رضا بیجاری) زندگینامه‌ها و دفاعیات شهدای مجاهد خلق و نیز اعلامیه‌ها و دیگر آثار مجاهدین را تکثیر می‌نمود و در بین جوانان آگاه و مبارز شهر زادگاهش (بیرجند) پخش می‌کرد. در رابطه با همین فعالیتها بود که در سال ۵۴ توسط ساواک شاه دستگیر شد و به زندان افتاد. مجاهد شهید علی خراشادی-

زاده طی دوران محکومیت ۳ ساله‌اش در زندانهای شاه خائن در ارتباط مستقیم با مجاهدین خلق قرار گرفت و توانست مستقیماً از آموزشهای برادران مجاهد در زندان وکیل آباد مشهد بهره گیرد. انگیزه‌ی قوی مبارزاتی، روحیات و خصلتهای برجسته‌ی مردمی، جدیت، پشتکار و خستگی ناپذیری در انجام مسئولیتها و جسارت در برخورد با مشکلات از جمله ویژگیهای برجسته‌ی علی بود که او را قادر می‌ساخت تا در پرتو تعلیمات سازمان و روابط رشد دهنده‌ی تشکیلاتی و سازمانی،

بیش از پیش در کسب ارزشهای انقلابی موفق گردد. بطوریکه پس از مدتی، مسئولیت تشکیلاتی چند نفر در زندان برعهده‌ی او قرار گرفت. پس از آزادی از زندان در سال ۵۷ علی مجدداً با سازمان ارتباط برقرار کرد و همدوش سایر خواهران و برادران مجاهد خود، در قیام یکپارچه‌ی خلق بر علیه دیکتاتوری شاه شرکت جست. پس از بیروزی انقلاب،

در جهت افشای ارتجاع حاکم و بویژه تقلبات گسترده‌ی مرتجعین در دور اول انتخابات بدل ساخت و متقابلاً در جهت شناساندن هر چه بیشتر مجاهدین و اهداف و آرمان آنها برای مردم تلاش کرد. پس از پایان انتخابات، مجاهد شهید علی خراشادی زاده در جهت ایجاد و شکلگیری تشکلهای مختلف هواداران سازمان در خوزستان (اعم از

ماموریت خود بود، ولی حتی یک ساعت حضور او در ستاد، شور و نشاط دیگری به همزمانش می‌داد. بخصوص که آنها از نزدیک کار خستگی ناپذیر مسئول خود و دقت و احساس مسئولیت او را در انجام جزئیترین کارها مشاهده می‌کردند.

با آغاز جنگ ایران و عراق بنا به دستور سازمان، کلیه‌ی کارها و برنامه‌ریزیهای استان خوزستان حول وظیفه‌ی انقلابی شرکت در مقاومت مردمی در برابر تهاجم عراق متمرکز شد و در این رابطه علی بعنوان مسئول سازماندهی صفوف گسترده‌ی نیروهای سازمان به فعالیت پرداخت. تلاش مستمر

انگیزه‌ی قوی مبارزاتی، روحیات و خصلت‌های برجسته‌ی مردمی، جدیت، پشتکار و خستگی ناپذیری در انجام مسئولیتها و جسارت در برخورد با مشکلات از جمله ویژگی‌های برجسته‌ی علی بود که او را قادر می‌ساخت تا در پرتو تعلیمات سازمان و روابط رشد دهنده‌ی تشکیلاتی و سازمانی، بیش از پیش در کسب ارزشهای انقلابی موفق گردد.

آزار مجاهدین حاضر در جبهه‌ها شروع شد و با ایجاد تضییقات فراوان و سرانجام صدور حکم رسمی، از ادامه‌ی حضور نیروهای سازمان جلوگیری بعمل آمد. پس از این جریان علی به تهران عزیمت کرد و مسئولیت تدارکات نشریه‌ی مجاهد را در رابطه با شهرستانها بعهده گرفت و بخوبی از عهده‌ی انجام این مسئولیت برآمد. مسئولیتی که با توجه به تلاش فراوان مزدوران خمینی در جهت جلوگیری از پخش و انتشار نشریه‌ی مجاهد در سراسر کشور، دقت، هوشیاری، پشتکار، برنامه‌ریزی و سازماندهی دقیقی را ایجاب می‌کرد.

پس از فروافتادن آخرین نقابهای فریب و ریا از چهره‌ی کریم خمینی دجال در ۳۰ خرداد ۶۰ و آغاز مقاومت مشروع مسلحانه در برابر رژیم ضد بشری مجاهد شهید علی خراشادی زاده نیز در کنار یاران مجاهدش در پایگاههای مقاومت مجاهدین و در صحنه‌ی نبرد تاریخساز بر علیه جراثمی ارتجاع (رژیم خمینی) فرازی نوین از زندگی انقلابی خود را آغاز نمود و سرانجام در روز ۲۷ اسفندماه ۶۰ در جریان انجام یک ماموریت سازمانی و هنگام تردد در شهر، با مزدوران خمینی درگیر شد و پس از نبردی نابرابر، قهرمانانه بشهادت رسید.

یادش گرامی باد.

باید دور از شما باشم. اینجاها که خبری از گل و سبزه نیست همه چیز سوخته و خشک است ولی توی خونهای ما حتماً درختها سبز شدن. بهر حال دعا کن این اوضاع زودتر تموم بشه و همه بتونن سر خونه زندگی شون برگردن به آقا و مادر دلداري بده. شب عیدی را سعی کنید دور هم باشید تا احساس دلنگی نکنید من هم شب عید بیاد همه‌تان خواهم بود. بچه‌ها را از طرف من ببوس و سعی کن بیشتر به اونا برسی تا ..."

بله... در آخرین روزهای اسفندماه صدای پای بهار که شنیده می‌شد و سرسبزی و شادمانی و شکوفائی را نوید می‌داد مردم ما نیز بنابر سنت دیرین خود و ... به امید روزی که با سقوط این "پیر سیاهدل زمستان" (خمینی خائن) و رژیم ضد بشری‌اش نوروزی راستین را فارغ از خمینی و شاه و شهنه جشن بگیریم *

او در این رابطه و سرکشیهای مداومش به رزمندگان و نیروهای مقاومت مجاهدین فراموشی ناپذیر است. به همت او و سایر برادران مجاهدش صدها واحد مقاومت در شهرهای خرمشهر، آبادان، اهواز و ... تشکیل شد. اما از آنجاکه حضور فعال و گسترده‌ی مجاهدین در جبهه‌ها برای خمینی و رژیمش بهیچ عنوان قابل تحمل نبود، چندی نگذشت که دستگیری، شکنجه و

دانشجوئی، دانش‌آموزی، کارگری، محلات و ... به فعالیت پرداخت و آنچه در این دوران، همه از او بیاد دارند، تلاش و کوشش خستگی ناپذیر شبانه‌روزی در انجام این مسئولیت بود. علی با وجود آنکه بدلیل مسئولیتش، ناچار بود چند روز از هفته را در تهران بسربرد و با توجه به دوری راه و وقت زیادی که صرف مسافرت‌هایش می‌شد، اجباراً روزهای کمی در محل

مجاهد شهید علی خراشادی زاده مسئولیت‌های متعددی را در رابطه با مجاهدین خلق عهده‌دار گشت. ابتدا مسئولیت بخش تبلیغات و سپس بخش اجتماعی شهرستان مشهد را بعهده گرفت و در سازماندهی نیروهای دانشجویی هوادار سازمان در مشهد نقش بسزائی ایفا کرد. او از جمله مسئولین سازمان جوانان مجاهد و سپس انجمن دانش‌آموزان مسلمان مشهد بود و در آنجا همراه با دیگر خواهران و برادران مجاهدش توانست در پرتو خطوط انقلابی سازمان و با جدیت و پشتکار خود، مسئولیت خطیر آموزش و سازماندهی نسل انقلاب و پایه‌ریزی هسته‌های میلیشیا را در مشهد به انجام رساند.

مجاهد شهید علی خراشادی زاده در جریان انتخابات مجلس شورا، کاندیدای سازمان در بیرجند بود. علی در فروردین ۵۹ بعنوان مسئول استان خوزستان به آن منطقه اعزام شد. آغاز مسئولیت جدید او همزمان با دور دوم انتخابات مجلس شورا بود که علیرغم تقلبات مرتجعین، در برخی از شهرهای خوزستان، کاندیداهای مجاهدین به این دور رای‌گیری نیز راه یافته بودند. در این رابطه، علی (برطبق خطوط سازمان) با بسیج کامل نیروهای هوادار در خوزستان - همچون سایر نمایندگان و مسئولین سازمان در سراسر ایران - دوران انتخابات را به یک مبارزه‌ی سیاسی گسترده

خمینی، خصم نوروز وشادی و شکوفائی

بقیه از صفحه ۵

یک پدر سالخورده

آقای "الف" می‌گفت: "پارسال اون دوتا جوون معصوم سپردن به جوخه‌ی اعدام و کشتن، تازه عروسی کرده بودن. از همون وقت با خودم گفتم تا این رژیم هست هر سال سفره‌ی هفت‌سین رو سر خاک اون دو تا می‌چینم خوب تو این رژیم عید ماها اینجوریه ... تا چی پیش بیاد."

از نامه

یک درجه دار ارتشی

* "ع عزیزم ... نمی‌خواستم با نوشتن این نامه ناراحتت کنم. ولی امسال عید را هم

وسائل ضروری این دوتارو وُرداره بیاره ..."

یک پزشک

"اول گفتن که عید چند روزی مرخصی دارید. بعدش اعلام کردن مرخصی بی‌مرخصی! فعلاً در حال جنگیم و همه سر باز امام. مرخصی مال دوره‌ی طاغوت بود! آخه یکی نیست به اینا بگه بعد از ماهها کار روزی ۱۳، ۱۴ ساعت سه چهار روز مرخصی عید شد کار ضدانقلابی؟! از دید این حضرات هر کسی بخواد به نفس راحت بکشه ضدانقلابه، انقلابی فقط اونته‌گه از زندگی بریده باشه و به همه چی تف‌کنه جز چیزهائی‌گه این آقایان دستور می‌دن ..."

عمو نوروز

از: اسماعیل یغمائی

بر این مرموز خاک اندوده‌ی پیری که می‌گردد درون ابرهای روشن و تاری
ستاده کاروان سال پارین
بر سطور آخرین اوراق این تقویم خونین برگ
و خورشید از نمی‌دانم گجا؟ یا ناگجا،
از آبهای سرد عمان یا ز پشت قلعه‌ی البرز
"چو خونالوده دزدی سر ز مکن" رخ نمود آرام (۱)
هلا... این برگ ده... نه، هشت و هفت و شش
... و یک آنک!

که گر هجده گذر هشتاد هم گردد
و گر سنگ آسیای رزم و عزم خلق
بدینسانی که می‌بینی بخون یک به یکمان باز هم گردد
نه نومید و نه ترسانیم
همان روح عظیم و عاصی و طغیانگر و بی‌مرگ توفانیم
که می‌غرد فراز گوهوار موجها
در تابش برق و درخش آذرخشان گبود و سرخ!
که تا درهم بگوید هر چه ناخوبی و ناپاکی

رها شد آخرین اوراق این تقویم پارین
(از میان پنجه‌های پیر و خاک‌آلوده‌ی تاریخ)
سیاهی مرد و با خود برد سال کهنه را در گور
و سال نو ز زهدان زمان (این جاودان پایان بی‌آغاز و این آغاز بی‌پایان)
دگر بیرون شد و بگشود چشمان را
میان پرده‌های نور
نخستین ضربه بر ناقوس سال نو فرود آمد.

— عمو نوروز!
ترانه‌ی سالیان این قبیله‌ی خیره را بشنو
به بانگ ارغنون رزم بر بال نسیم صبح تاریخی و نوروزی
— بهل تا باز هم بر زخم گرم قلب‌ها مان زخمه‌ی سرخین زند توفان
خوشا در راه آن فردای نورافشان
غمان سینه‌ی پرکینه ده‌چندان و صدچندان
خوشا

بر این دروازه‌ی نوروزی سال "هزار و سیصد و شصت و دو" استاده
به همراه همه‌ی قوم و قبیله‌ی خلق
هر آنکس کو ز تیره‌ی خلق
به همراه کهنسال و جوان و کودگان و خانمان و آنچه می‌بایست و می‌شایست.
— عمو نوروز! پیر سال‌های خفته در آوار و در زنجیر
دعای صبح نوروزیت را بر کاروان افشای

تا زندگی در هر کران چو نان گلی صد برگ بشکوفد
بخون غلطیدن اندر سینه‌ی هر جنگل و هر گوه و هر میدان
بپل آنان
که در هنجار ره‌پویان گوژ و خسته و خرد و خراب و کژمژ و غمگن
ز رنج راه می‌نالند
به خواب تلخ و مرگ‌آلود خود گویند بس هذیان!
ولی ما راه خود را گرم می‌پوشیم

— عمو نوروز! این دروازه را بگشای و بیرون آی و رخ بنمای
که تا آوازخوانان بسپریم از دشت‌های خامش و سرد زمستانی
به سوی سبزپوش لاله‌جوش روشن و پاک بهارانی
— نمی‌دانیم می‌دانی؟

و بر پشت سفینه‌های رزم "بادبان ازگف"
فشرده پنجه برسکان — خروش گرم‌شان از جایگاهی نرم برخیزد
— هلا رزم‌آوران، دریادلان اینک
به فرمان گوگیتی‌ستان من! خسرو چابک‌عنان پولاد باز و آهنین تن
هان! یل تک‌تاز میدان‌های رزم و عزم
(گاهی از شما پنهان نماند... بزم!)

— عموی پیر و در زنجیر ایرانی
که می‌آئیم نز آن دشت‌های پاک و شادابی
که مهتاب خدا چون سیل‌وار نقره در جوبارها جاریست
و نز آن سرزمین‌هایی
که باران طلا از ابرها بر گلبه‌های شهروندانش فرو ریزد
و باد از مشک برخیزد و با عبیر درآمیزد
و شوخ و شنگ و گولی، شادپوی و شادجو با کاکل هر سبزه و هر برگ
و یا با طره‌ی آن مهربانانی که دیگر قصه و افسانه گردیدند
در آویزد.

که گلبانگ ظریف یار عنبربوی مشکین موی زیباروش
در این هنگامه گو گرمست... برخیزد
— عزیزم... سرد شد فنجان چایت نوش‌گن آنرا!!!
— عمو نوروز می‌آئیم و می‌پوشیم
"پیام قرمان دردست"
"سلاح جنگ‌مان در مشت"
و رود سرخ‌فام خونمان تضمین پیروزی (۵)
— "به امر عالی هستی، به دستور روان و جاری تاریخ"
بنام خلق می‌جنگیم
بنام خلق می‌میریم و می‌خیزیم جاویدان
که تا برهم زند فریاد تیغ و تیر
ز عصر سنگ تا قرن مسلسل‌های خشماگین کین‌آجین
سکوت و خواب خوش بر خیل بدکاران
بر این اهریمنان این آدم‌مخواران
که با انگشت خونالوده راه آسمان‌های خدا را می‌نمایانند
و با دستی دگر گام و لعناک تمام گورهای آشکارا یا نهانی را می‌نبارند

— مرا بشنو عموی پیر
گذشته کاروان آذرخش از سردچال تیره‌ی ظلمت
از آن ژرفا که شب از تاری خویشست در وحشت!
از آنجائی که خیلی از سیه‌کاران خوف‌انگیز ظلم‌آئین
گرفته چشم شیطان را چو فانوسی فراز هر گذرگاهی
(که خلقان راه می‌پویند)

نک برپا
که گلبانگ ظریف یار عنبربوی مشکین موی زیباروش
در این هنگامه گو گرمست... برخیزد
— عزیزم... سرد شد فنجان چایت نوش‌گن آنرا!!!
— عمو نوروز می‌آئیم و می‌پوشیم
"پیام قرمان دردست"
"سلاح جنگ‌مان در مشت"
و رود سرخ‌فام خونمان تضمین پیروزی (۵)
— "به امر عالی هستی، به دستور روان و جاری تاریخ"
بنام خلق می‌جنگیم
بنام خلق می‌میریم و می‌خیزیم جاویدان
که تا برهم زند فریاد تیغ و تیر
ز عصر سنگ تا قرن مسلسل‌های خشماگین کین‌آجین
سکوت و خواب خوش بر خیل بدکاران
بر این اهریمنان این آدم‌مخواران
که با انگشت خونالوده راه آسمان‌های خدا را می‌نمایانند
و با دستی دگر گام و لعناک تمام گورهای آشکارا یا نهانی را می‌نبارند

و دودی گر ز بام گلبه‌ای سر بر کشد باور مکن گان نیست جز آهی (۲)
از آنجائی که پیری زشت و اهریمه (۳)
ز تخمه‌ی ناحلال حلق و دلق و عقده و کینه
گشوده دست‌ها بر گنج باد آورد
و دیگر... قصه را آنسان که می‌دانیم، می‌دانی
همان ناگفته بهتر چون سراسر درد و درد و درد...
... هلا... بگشای در را میر نوروزی
به نام نامی فردای بی‌تردید پیروزی
پس از سالی دگر در سلسله‌ی "هجده‌گذر" (۴) از سالیان آتش‌وزنجیر در بگشای و بیرون آی و
نک بشنو!

نک برپا
که گلبانگ ظریف یار عنبربوی مشکین موی زیباروش
در این هنگامه گو گرمست... برخیزد
— عزیزم... سرد شد فنجان چایت نوش‌گن آنرا!!!
— عمو نوروز می‌آئیم و می‌پوشیم
"پیام قرمان دردست"
"سلاح جنگ‌مان در مشت"
و رود سرخ‌فام خونمان تضمین پیروزی (۵)
— "به امر عالی هستی، به دستور روان و جاری تاریخ"
بنام خلق می‌جنگیم
بنام خلق می‌میریم و می‌خیزیم جاویدان
که تا برهم زند فریاد تیغ و تیر
ز عصر سنگ تا قرن مسلسل‌های خشماگین کین‌آجین
سکوت و خواب خوش بر خیل بدکاران
بر این اهریمنان این آدم‌مخواران
که با انگشت خونالوده راه آسمان‌های خدا را می‌نمایانند
و با دستی دگر گام و لعناک تمام گورهای آشکارا یا نهانی را می‌نبارند

توضیحات:

بر این مرموز خاک اندوده‌ی پیری که می‌گردد درون ابرهای روشن و تاری
بقیه در صفحه ۳۴

(۱) — تضمینی از منوچهر دامغانی: سراز البرز برزد قرص خورشیدی
(۲) — تضمین به معنا از سعدی: نبودی بجز آه بیوه‌زنی اگر بر شدی دودی از روزنی
(۳) — اهریمه: به معنای اهریمن
(۴) — بنامی از برادر مجاهد مسعود رجوی
(۵) — بنامی از برادر مجاهد مسعود رجوی

محکومیت رژیم خمینی در اجلاس حقوق بشر ملل متحد نقطه پایانی بر داعیه رفرم! در افکار عمومی جهان

بقیه از صفحه ۳

خمینی دارای هیچ آینده‌ای نمی‌باشد، بلکه تا قبل از سقوطش نیز حتی امکان کمترین تخفیفی در جواختناق و سرکوب و ترور و شکنجه و اعدام‌های دستجمعی ندارد. بعبارت دیگر اکنون بیش از هر وقت دیگر روشن می‌شود که تبلیغاتی که بخصوص طی ماه‌های اخیر توسط برخی محافل بمنظور "اثبات" جلوه‌دادن و "رفرم" پذیری رژیم خمینی صورت می‌گیرد، هیچ پایه و اساسی جز منافع موضعی و مشخص سیاسی یا اقتصادی این محافل ندارد. چراکه رژیم خمینی هیچ سرنوشتی جز سقوط محتوم در انتظارش نیست.

در پایان قسمتی از جمع‌بندی یکساله‌ی مقاومت مسلحانه را از زبان برادر مجاهد مسعود رجوی در همین رابطه نقل می‌کنیم:

"آیا این رژیم، امکان رفرم دارد یا خیر؟ جواب ما این است که مطلقاً نه. یعنی این رژیم، آب از سرش گذشته، امکان هیچ نوع سروسامان دادن موضعی هم به کار خودش ندارد. اینطور نیست که اگر جوخه‌های اعدام و حاکمین ضدشرعی و کمیته‌های ضداسلامی و امنالهم را جمع بکنند، بتوانند سرپا بایستند. نه، این غیرممکن است. این رژیم، رفتنی است. باید هم بروند و خواهد رفت. پوسیده‌تر از آنست که در ظاهر به نظر می‌رسد. الحال و هم حالا پوسیده‌تر از آن است (از جنبه‌های مختلف) که امکان رفرم و امکان بقاء داشته باشد.

اگر هم رژیم امکان رفرمی داشت، قبل از بزرگترین جراحی سیاسی خودش بود یعنی قبل از عزل آقای بنی‌صدر.

ضمناً معنای این پاسخ منفی ما به امکان رفرم، این است که رژیم، آلترناتیوی در داخل خودش ندارد. یکی از فرضیات که در اینجاها (خارج) مطرح است و بعضی از نیروها در داخل کشور هم مطرح کرده‌اند و به‌هرحال در موردش صحبت می‌کنند، این است که: "خوب، اگر کار به خمینی و به رژیمش زیاد سخت بشود، می‌آید و آدم‌های چندآب شسته‌تری را (از قبیل بعضی از آنهایی که هنوز به امیدهای کاذبی در داخل مجلسس بیتوته کرده‌اند، در حالی که این مجلس صدارت ناهق‌تر از مجلس شاه است) روی کار می‌آورد." یعنی اشکالی نمی‌بینند که خمینی، جانورهای خون‌آشام کنونی را با یک تیپ‌های قدری نرم‌تر عوض کرده و به آموزش سروسامان بدهد. مثلاً می‌گویند: "همانطور که شاه آمد هویدا را کنار گذاشت، نصیری را کنار گذاشت... و یک عده‌ی دیگر را آورد؛ خمینی هم بیاید یک قدری به این ترتیب، عمر خودش را طولانی کند."

اما ما به این فرض، پاسخ منفی می‌دهیم. آنقدر قضیه برای ما مسجل است که رژیم، امکان رفرم ندارد که از قضا خیلی خوشمان می‌آید رفرم بکنند برای اینکه در چنین شرایطی همانطور که گفتم همین که سرکیسه‌ی ولایت سفیانی خمینی شل شد، تماماً پاره خواهد شد و خمینی هم دقیقاً این نکته را می‌داند. دقیقاً می‌داند که فی‌المثل اگر تظاهرات او آخر شهریور و اوائل مهرماه در سال ۶۰ را با قساوت بی‌حد و حصر و غیرقابل تصور، سرکوب نمی‌کرد، از جرعه حریق برمی‌خاست. بنابراین رژیم نه امکان رفرم دارد و نه آلترناتیوی در داخلش شانس وجود دارد."

و چنین است که با محکومیت رژیم خمینی در سی‌ونهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و متقابلاً عدم پذیرش نماینده‌ی این سازمان توسط رژیم خمینی (علیرغم مانور اولیه‌اش) اکنون افکار عمومی جهان نیز بیش از پیش به حقیقتی که فوقاً بدان اشاره کردیم متوجه می‌گردد.

اطلاعیه‌های

از صفحه‌ی آخر

سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

متن اطلاعیه شماره ۱ متن اطلاعیه شماره ۲

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران

واضربو منہم کل بنان

مردم قهرمان ایران!

مردم دلاور کردستان!

... در تاریخ جمعه

۲۵ اسفند ماه پایگاه "گولان-"

اختوترا" یکی از مهم‌ترین

پایگاه‌های پاسداران ضدخلقی

در منطقه‌ی بوکان بوسیله‌ی

رزمندگان مجاهد خلق مورد

تهاجم انقلابی قرار گرفته و

توسط تیم‌های عملیاتی واحد

پارتیزانی پیشمرگه‌ی مجاهد

شهید "قیقباد صالحی" از

گردان پیشمرگه مجاهد شهید علی

شرافکندی درهم گوبیده می‌شود.

پیشمرگه‌های مجاهد خلق

در شب جمعه ۲۵ اسفند ماه

پس از نفوذ بداخل منطقه‌ی

دشمن و استقرار در فاصله‌ی

نزدیک پایگاه در ساعت ۵

بامداد مراکز تجمع و استقرار

پاسداران مزدور و ضدخلقی را

زیر آتش گوبنده‌ی موشک‌های

آر. پی. جی و رگبار مسلسل‌های

خویش می‌گیرند و از هر سو

بر دشمنان ضدخلق آتش

می‌بارند. در جریان این تهاجم

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران

هموطنان مبارز و آگاه!

مردم دلیر کردستان!

... در ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه

بامداد ۱۹/ اسفندماه جاری

پیشمرگان دلیر حزب دمکرات

کردستان ایران همراه با پیشمرگه‌های

مجاهد خلق طی یک عملیات

مشترک برای به تصرف درآوردن

قسمتی از جاده‌ی سلماس- ارومیه

واقع در حوالی کارخانه‌ی قند

نزدیک پاسگاه "مام گندی" با

استفاده از موشک‌های آرپی جی

و رگبار بی‌امان مسلسل به

دو خودروی حامل مزدوران حمله

کرده و ضمن انهدام و به آتش

کشیدن خودروهای مزبور ۲۵ تن

از سرنشینان مزدور آن را کشته

و زخمی نمودند. در میان این

تهاجم دلیرانه یک خودروی

دیگر دشمن به منظور حمایت

از مزدوران به منطقه‌ی عملیات

اعزام گردید که مورد تهاجم

رگبار مسلسل‌های پیشمرگه‌های

دلیر قرار گرفته و پس از زخمی

شدن سرنشینان آن زیوانه

اقدام به فرار نمود. پس از

پایان تهاجم، کلیه‌ی پیشمرگان

بدون هیچگونه خسارتی منطقه‌ی

عملیات را ترک نمودند. این

حمله‌ی موفقیت‌آمیز موجب

وحشت و هراس فوق‌العاده‌ی

دشمن زبون گشته و تحرکات

نیروهای دشمن را دچار وقفه‌ساخته

است. دشمنان خدا و خلق

باید بدانند که آنان را از سلاح

ظلمت‌سوز فرزندان جان برکف

خلق گریزی نخواهد بود، و

دیر نیست که آتش خشم

خلق طومار ستم و خفقان

خمینی جلاد را درهم بپیچد

و یکسره محو و نابود سازد.

مرگ بر خمینی

نابودباد پاسداران ظلمت‌وتباهی

زنده باد آزادی

برقرار باد دولت موقت

جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران

مجاهدین خلق ایران

مرکز کردستان

۶۱/۱۲/۲۵

انقلابی و غافلگیرانه، چادر فرماندهی پایگاه، یک مرکز بزرگ تجمع پاسداران، دو سنگر تیربار کالیبر ۵۰ همراه با تمامی مهمات و تجهیزات موجود در آن نابود شده و بیش از ۲۵ تن از مزدوران بهلاکت می‌رسند. شدت ضربات مهلک و گوبنده‌ی رزمندگان مجاهد بحدی بوده است که دشمن زبون تا نیم ساعت پس از خاتمه‌ی عملیات قادر به انجام هیچگونه عکس‌العملی نبوده و پیشمرگه‌های مجاهد خلق به سلامت صحنه‌ی عملیات را ترک می‌گویند. لازم به یادآوری است که این پایگاه که نزدیک‌ترین پایگاه مزدوران به شهر بوکان در محور مهاباد- بوکان می‌باشد، سابقه‌ی طولانی در آزار و اذیت و سرکوب مردم بیگناه منطقه و گلوله باران آنان داشته و از اینرو شدیداً مورد انزجار و تنفر روستائیان این منطقه می‌باشد. پس از پایان عملیات و بازگشت پیروزمندانه‌ی پیشمرگه‌های مجاهد، مردم همه با آغوش باز و با نهایت خشنودی از فرزندان رزمنده‌ی خویش استقبال نمودند.

مرگ بر خمینی

نابودباد پاسداران ظلمت‌وتباهی
سلام بر خلق - سلام بر آزادی
پیش بسوی استقرار دولت موقت
جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران
مجاهدین خلق ایران
مرکز کردستان

۶۱/ اسفندماه/ ۲۱

عمو نوروز

بقیه از صفحه ۳۳

ستاده کاروان سال نو

بر اولین اوراق این تقویم آتشبرگ

و پیر قرن‌ها نوروز

دعای عید را بر کاروان گاندر پس سر هول هایل

دشت‌های بی سحرگه را گذر کرده

و پیش روی هم، سینه‌ی امید گوهور خود سپر کرده

به گرمی خواند

و آنگه درمگرم حریم قصه‌های دیرمان پنهان شد و تا سال دیگر راند

... درودت باد عمو نوروز - درودت باد

به امید سحرگاهی که بر درب سرایت گوبه‌ها گویم

و در دوید خوش اسفند و گنذر بانگ برداریم

که این دروازه را بگشای و رخ بنمای و بیرون آی

که بوی اضطراب از خاک گوهرخیز ایران خاست

و دیگر رایت تابان آزادی به هر گوی و گذر برپاست

- عمو پیروبی زنجیروبرنادل

- عمو پیروز!

افشاء بسیج ضدخلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه اشکال

مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.

چند گزارش از نمونه جنایات رایج در رژیم خمینی

شکنجه، خون گرفتن، کور کردن و سپس تیرباران بدون محاکمه

میان مردم به هر کاری دست می‌زنند. از اعدام با جرتقیل (در شهرستان‌های مختلف از مشهد گرفته تا همدان) تا زندانی کردن کودکان چند ماهه.

در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۶۱ زینت مثنی ۴ ساله و زهره مثنی ۲ ساله به همراه مادرشان نیره خلدی و مادر بزرگشان فاطمه شبستری در منزلشان واقع در خیابان رسالت تهران دستگیر می‌شوند. پدر آنان (علی مثنی) نیز ۷ ماه قبل اعدام شده بود. آنان هنوز در اسارت بسر می‌برند. علاوه بر آنان کودکانی که هنوز نشان به یکسال نیز نمی‌رسد در زندان‌های خمینی بسر می‌برند و این در حالیست که به علت کثرت جمعیت و عدم امکانات غذایی و بهداشتی، زندانیان مبتلا به انواع بیماری‌های پوستی و عفونی هستند و بسیاری از این کودکان در اثر بیماری‌های گوناگون در زندان جان می‌سپارند *

است. این مزار متعلق به مجاهدی بنام افشین است که خانواده‌ی وی عمداً نام فامیل او را روی قبر حک نکرده‌اند چرا که معتقدند: "افشین تنها متعلق به خانواده‌اش نبود که بخوایم نام فامیل خودمان را برایش بگذاریم".

کودکان خردسال در اسارت دژخیمان خمینی

در میان ۶۰ هزار زندانی سیاسی رژیم خمینی تعداد زیادی کودک و نیز پدران و مادران مسن و بیمار وجود دارند که خطر مرگ هر آن، آنان را تهدید می‌کند ولی رژیم، برای ایجاد رعب در



مزار مجاهد شهید (افشین) قبل از تخریب آن توسط سرسپردگان خمینی



حتی مزار یک شهید مجاهد خلق (افشین) نیز خمینی و سرسپردگانش را اینچنین وحشتزده و سراسیمه می‌کند.

رژیم خمینی هیچگونه حد و مرزی برای جنایت نمی‌شناسد. برای شرح جنایات این رژیم در هر یک از نقاط ایران کتابها باید نوشت. فشارهای وارد بر منوچهر ممیز و اعمال وحشیانه‌ترین اعمال بر وی نمونه‌ای بسیار کوچک از این جنایات است. وی مهندس راه و ساختمان و اهل شهرهای اصفهان بود. به علت فعالیت‌های سیاسی، در زمان رژیم شاه چندین بار به زندان افتاد که آخرین بار آن را در فروردین ۵۷ به پایان رساند و آزاد شد. پس از مدتی در یک شرکت راهسازی که در حال احداث جاده‌ای از زنجان تا یک معدن طلا در این منطقه بود، استخدام شد. او وضع فلاکت‌بار روستائیان را در آن نواحی مشاهده کرد. روستائینی که هنگام زمستان مجبور بودند به مدت ۶ ماه، به علت برف سنگین، با اجتماع خارج قطع رابطه کنند و تنها با مواد ابتدائی که در اول سال ذخیره کرده‌اند امرار معاش نمایند.

پاسداران خمینی در شهریور ۶۰ او را دستگیر و به شدت تحت شکنجه قرار می‌دهند. از انواع شکنجه‌های وارده بر او سوزاندن قسمت‌های مختلف بدنش بود که در اثر آن چشم‌هایش نابینا می‌شود. علاوه بر آن مرتباً خون او را می‌گرفتند تا به مصرف پاسداران زخمی‌شان برسانند.

در روز ۳۱ شهریور ۶۱ (پس از یکسال زندان و شکنجه) زمانی که مشغول خون گرفتن از وی بودند او به مانند همیشه شروع به شعار دادن بر علیه خمینی و دار و دسنه‌ی جنایتکارش می‌کند. شعارها و مقاومت وی (در حالیکه به تخت بسته شده و از دو چشم نیز نابینا بود) پاسداران شکنجه‌گر را به ستوه آورد و یکی از آنان با عصبانیت اسلحه‌ی خود را کشیده و شش گلوله در قلب وی خالی می‌کند.

اعدام‌های مخفیانه در رژیم خمینی همچنان ادامه دارد

در تاریخ ۳ بهمن جاری خانواده‌ی یکی از هواداران مجاهدین بنام فولاد عظیمی به طریقی از اعدام دخترشان مطلع می‌شوند. آنان با مراجعه

به بهشت‌زها پی می‌برند که به همراه دخترشان، ۱۹ نفر دیگر نیز اعدام شده‌اند.

در ۸ مهرماه گذشته نیز مجاهد شهید مریم پروین (۲۳ ساله) در حالیکه به ۱۴ سال زندان محکوم شده بود زیر شکنجه به شهادت رسید. جسد او را در حالی که خانواده‌اش تحویل دادند که دو چشمش از حلقه بیرون آورده شده بود. دژخیمان رژیم خمینی اخیراً "حسین مجید یاغچی" ۱۶ ساله را پس از یکسال اسارت، بطور مخفی و بدون هیچ محاکمه‌ای اعدام کرده‌اند. وی که دانش‌آموز بود در تاریخ ۶۰/۸/۲۲ از مدرسه‌اش واقع در نازی‌آباد تهران توسط پاسداران کمیته ۱۳ به جرم هواداری از مجاهدین دستگیر شد. و از آن تاریخ به بعد به پدر و مادر او اجازه‌ی هیچگونه ملاقاتی با وی را ندادند. در تاریخ ۶۱/۷/۲۴ در اثر اصرار آنان

برای ملاقات با وی، به آنان اعلام می‌کنند که او در زندان خودکشی کرده. جنایتکاران خمینی جسد این شهید را نیز به خانواده‌ی او تحویل نمی‌دهند. علاوه بر او محبوبه جعفرنژاد ۱۶ ساله نیز اخیراً مخفیانه اعدام شده است.

مزار یک مجاهد خلق

رژیم خمینی به شکنجه و زندان و اعدام اکتفا نکرده، او نه تنها از بازپس دادن اجساد اعدامیان به خانواده‌هایشان خودداری می‌کند، بلکه از هرگونه ادیت و آزاری در حق آنان هم ابا ندارد. در موارد معدودی که خانواده‌ها موفق به بازپس گرفتن اجساد عزیزانشان می‌شوند نیز مزار فرزندان‌شان از کینه‌ی مزدوران خمینی مصون نمی‌ماند. عکس بالا یکی از بی‌شمار نمونه‌های شکستن مزار شهدا توسط پاسداران خمینی

اطلاعیه

دبیرخانه شورای ملی مقاومت در تکذیب مطالب بخش فارسی رادیو B.B.C در تاریخ ۲۰/۱۲/۶۱

رادیو B.B.C در تاریخ ۶۱/۱۰/۳۰ مبنی بر صدور بیانیه‌ای از سوی آقای بنی‌صدر در مورد آمدن آقای طارق عزیز به دیدار آقای رجوی را نادرست دانسته و صدور بیانیه‌ای از جانب ایشان را تکذیب کرده است.

۲- شایعه‌ی ناراضی‌بختی برخی از اعضا شورای ملی مقاومت از بیانیه‌ی صادره از سوی آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و نایب نخست‌وزیر عراق درباره‌ی پایان جنگ و استقرار صلح عادلانه، کذب محض است و شورای ملی مقاومت قویاً آنرا تکذیب می‌کند.

۳- شورای ملی مقاومت از این نحوه‌ی انعکاس نادرست اخبار عمیقاً اظهار تاسف می‌کند و آن را محکوم می‌شناسد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت
۱۳۶۱/۱۲/۲۲
۱۹۸۲/۳/۱۳

بخش فارسی رادیو B.B.C ضمن تفسیری که در برنامه "صداهاى دیگر" در ساعت ۱۷/۴۵ (به وقت پاریس) روز ۲۰ اسفند پخش گردید، اعلام کرد:

"... ابوالحسن بنی‌صدر ضمن مصاحبه‌ای اعلام کرد که اعلامیه‌ی مشترک مسعود رجوی و طارق عزیز اصلاً ارتباطی با او نداشته و او حتی حاضر نشده است که طارق عزیز را بپذیرد. در ضمن شایع شده که بعضی از اعضا شورای ملی مقاومت از این تصمیم ناراضی هستند..." در تکذیب مراتب فوق، دبیرخانه شورای ملی مقاومت تذکر نکات ذیل را ضروری می‌داند و خواهشمند است که توضیح حاضر، برای تصحیح این گزارش نادرست در اولین برنامه‌ی بعدی پخش گردد؛

۱- قبلاً در تاریخ ۶۱/۱۱/۱ دفتر آقای رئیس جمهور بنی‌صدر طی اطلاعیه‌ای خبر بخش فارسی

طی یک تهاجم انقلابی

به جایگاه مقامات عالی رتبه رژیم در پادگان هنگ ژاندارمری اهواز
 سرهنگ سپهری (فرمانده ژاندارمری کل خوزستان) به هلاکت رسید
 فرمانده ژاندارمری کل کشور و حاکم ضد شرع اهواز از این عملیات موقتاً جان سالم بدر بردند

در اثنای جنگ افروزی های جدید خمینی و بدنبال اطلاعاتی و پیام های سازمان مجاهدین خلق و بویژه مسئول اول سازمان و مسئول شورای ملی مقاومت، برادر مجاهد "مسعود رجوی" خطاب به پرسنل میهن پرست ارتش، مبنی بر سرباز زدن از جنگ ارتجاعی و گرفتن سلاح های خود بسوی فرماندهان سرسپرده ی خمینی ... سرهنگ سپهری از فرماندهان جنگ افروز و فرمانده ژاندارمری کل خوزستان، طی یک عملیات انقلابی، در بامداد شنبه ۲۱ / اسفندماه جاری توسط یک سرباز هوادار مجاهدین در محوطه ی هنگ ژاندارمری کل جنوب کشور کشته شد. این عملیات قهرمانانه زمانی بوقوع پیوست که سردمداران خائن ژاندارمری و ارتش و سپاه ضد خلقی خمینی در استان خوزستان، در تدارک جنگ افروزی جدید خمینی، مراسم ویژه ای در پادگان هنگ ژاندارمری بقیه در صفحه ۴

در اثنای جنگ افروزی های جدید خمینی و بدنبال اطلاعاتی و پیام های سازمان مجاهدین خلق و بویژه مسئول اول سازمان و مسئول شورای ملی مقاومت، برادر مجاهد "مسعود رجوی" خطاب به پرسنل میهن پرست ارتش، مبنی بر سرباز زدن از جنگ ارتجاعی و گرفتن سلاح های خود بسوی فرماندهان سرسپرده ی خمینی ... سرهنگ سپهری از فرماندهان جنگ افروز و فرمانده ژاندارمری کل خوزستان، طی یک عملیات انقلابی، در بامداد شنبه ۲۱ / اسفندماه جاری توسط یک سرباز هوادار مجاهدین در محوطه ی هنگ ژاندارمری کل جنوب کشور کشته شد. این عملیات قهرمانانه زمانی بوقوع پیوست که سردمداران خائن ژاندارمری و ارتش و سپاه ضد خلقی خمینی در استان خوزستان، در تدارک جنگ افروزی جدید خمینی، مراسم ویژه ای در پادگان هنگ ژاندارمری بقیه در صفحه ۴

آموزش ویژه هسته های مقاومت مسلحانه (۳)

طراحی عملیات

در ادامه ی "سوال و جواب" که بطور خاص جهت آموزش هسته های مقاومت مسلحانه نگاشته می شود، در این شماره به سوالات رزمندگان هسته های مقاومت پیرامون "طراحی عملیات" جواب خواهیم داد.

"طراحی عملیات" مرحله ی دوم اجرای عملیات نظامی، پس از مرحله ی شناسائی است که در آن چگونگی پیاده کردن عملیات مرحله به مرحله و از ابتدا تا انتها مشخص می شود. طراحی انواع عملیات نظامی، بطور کلی از اصول مشخص و ثابتی تبعیت بقیه در صفحه ۹

ابراز تأسف عمیق
 شورای ملی مقاومت
 ایران نسبت به فرار
 صادق طباطبائی
 از مجازات قانونی

صادق طباطبائی عامل قاچاق سلاح و تریاک برای رژیم خمینی، که در حال حمل ۱/۷ کیلو تریاک در آلمان دستگیر بقیه در صفحه ۲

تروریسم صادراتی در خدمت سیاست
 ارتجاعی به اصطلاح صدور انقلاب خمینی!؟

سیاست ارتجاعی صدور با اصطلاح انقلاب! و اعزام تروریست و دست زدن به اقدامات تروریستی در خارج از کشور، همانا ادامه ی اجتناب - ناپذیر سیاست ترور و سرکوب وحشیانه ی داخلی رژیم خمینی است، که بموازات استقرار حاکمیت مطلقه ی ضدبشری اش بر کشور، همانا ادامه ی اجتناب - بقیه در صفحه ۱۷

کمک های مالی خود را به حساب های زیر واریز نموده و حواله های آن را به یکی از آدرس های مقابل ارسال دارید:

انگلستان
 Midland Bank plc
 281 Chiswick High Road
 London W4 4HJ
 England
 A-Khodabandeh
 N. 91082078

از خارج فرانسه
 BANK SOCIETE GENERAL
 N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA
 (PARIS FRANCE) code guichet 03002
 در داخل فرانسه
 B.N.P. PONTOISE 1269652

اطلاعیه های
 سازمان مجاهدین خلق ایران
 مرکز کردستان

۱- درباره ی تهاجم مشترک پیشمرگه های حزب دمکرات کردستان ایران و پیشمرگه های مجاهد خلق به خودروهای دشمن در نزدیکی پاسگاه "امام کنده" در جاده ی سلما س - ارومیه و از پای در آوردن ۲۵ تن از مزدوران خمینی

۲- درباره ی تهاجم متهورانه ی پیشمرگه های مجاهد خلق به پاسگاه "کولان اختوترا" در منطقه ی بوکان و به هلاکت رساندن بیش از ۲۵ تن از پاسداران ضد خلقی

در صفحه ۳۴

اطلاعیه اتحادیه

انجمن های دانشجویان مسلمان
 خارج از کشور درباره ی طیفی از
 ضد انقلابیون (مغلوب) دست نشانده و
 خارجه نشین و دعاوی به اصطلاح
 دمکرات مآبانه و ملی گرایانه!! آنان

در صفحه ۸

قابل توجه خوانندگان:

ضمن عرض تبریک بمناسبت فرارسیدن سال جدید و عید نوروز، بدینوسیله به اطلاع خوانندگان عزیز می رسانیم که به همین مناسبت نشریه ی مجاهد پنجشنبه آینده (۴ فروردین ۶۲) منتشر نمی شود و شماره ی بعدی در تاریخ پنجشنبه (۱۱ فروردین ۶۲) انتشار خواهد یافت.

در صفحات دیگر:

- * رهنمودهائی در رابطه با نامه های ارسالی به "مجاهد"
- * چند گزارش از نمونه جنایات رایج در رژیم خمینی
- * شکستی با هزاران کشته حاصل رویای رژیم در مورد "پیروزی نهائی" در "جنگ آخر"!!
- * چند گزارش کوتاه در رابطه با اقدامات ضد کارگری و سرکوبگرانه ی رژیم و اعتراضات کارگران
- * زندگی نامه های مجاهدین شهید علی خراشادی زاده و محمود ملک مرزبان

انگلستان
 BM BOX 9090
 LONDON
 WCIN 3XX
 ENGLAND

اتریش
 Pf:6
 1110 WIEN
 AUSTRIA

آلمان
 Pf.: 800552
 5_Köln 80
 W_Germany

فرانسه
 B.P 214
 92108 BOULOGNE
 BILLANCOURT
 CEDEX
 PARIS FRANCE

دستور محوری روز: گسترش هسته های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام رهائی بخش عمومی